



سال نهم، شماره ۹۷، فروردین ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مؤسسه مطالعات ملی

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر شقایق حیری

مشاوران علمی: دکتر کاوه امیرخانی، دکتر حبیب‌الله فاضلی، دکتر علی کریمی، دکتر مجتبی مقصودی، دکتر داود میرمحمدی

همکاران این شماره: دکتر سالار سیف‌الدینی، دکتر رمضان شعبانی سارویی، دکتر داوود میرمحمدی، دکتر علی اشرف نظری، دکتر حمید هوشنگی، مریم یاری

مدیر اجرایی: فاطمه تکلو

گروه اجرایی: فاطمه تکلو، محمد خان بیکی

صفحه آرا: فاطمه تکلو

امور مشترکین: فاطمه تکلو

ویراستار: فریبا خانعلی

چاپ: تهران، خیابان مطهری، نرسیده به چهارراه سهروردی، خیابان سنندج، پلاک ۶ مجتمع ایران کهن
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۴۳

صندوق پستی: ۹۱۹-۱۳۱۴۵

تلفکس: ۶۶۴۱۵۴۸۸ - ۶۶۴۱۵۴۶۷

تارنما: www.rinsweb.ir

رایانامه: Name.hoviat@gmail.com

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

۲ سخن سردبیر

۴ تحلیل پیام و سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۳

دکتر حمید هوشنگی

۱۰ مروری بر مهم‌ترین تحولات هویت ملی ایران در سال ۱۴۰۲

گروه مطالعات ایران

۱۵ روز قنس و هویت

دکتر رمضان شعبانی سارویی

۲۱ تحلیلی بر دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران

دکتر داوود میرمحمدی

۲۶ انقلاب اسلامی و تجدید حیات هنر در ایران

مریم یاری

۳۱ چالش‌ها و راه‌های توسعه صنعت گردشگری در ایران

دکتر داوود میرمحمدی

۳۶ کریدور زنگزور و تحولات جدید در منطقه قفقاز جنوبی

دکتر سالار سیف‌الدینی

۴۱ دیدگاه اندیشکده‌های بین‌المللی به محور مقاومت

مریم یاری

۴۶ هویت دیجیتال

دکتر علی اشرف نظری

پروانه انتشار ماهنامه «نامه هویت» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی؛ طی نامه‌ای به شماره ثبت ۷۶۹۷۶ در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ تأیید و صادر شده است.

سخن سر دبیر

با نام و یاد خداوند بزرگ سخن را آغاز کرده و در ابتدا، آغاز سال ۱۴۰۳ را به ملت بزرگ ایران تبریک عرض می‌کنیم و آرزو داریم این سال که با ماه مبارک رمضان آغاز شد، سالی پر از برکت و رحمت برای کشور و مردم عزیزمان باشد. همچنین، ضمن تبریک میلاد مبارک امام حسن مجتبی (ع) و روز اکرام، آرزوی قبولی طاعات و عبادات همه مسلمانان جهان، به‌ویژه مردم عزیز ایران را در شب‌های مبارک قدر داریم. ایام عزاداری مولای متقیان امام علی (ع) و شهادت ایشان را نیز به همه شیعیان و دوستان این امام بزرگوار تسلیت عرض می‌کنیم. روز جمهوری اسلامی، روز ملی فناوری هسته‌ای، روز هنر انقلاب اسلامی، روز بزرگداشت عطار نیشابوری، روز ارتش جمهوری اسلامی و روز جهانی قدس را نیز گرامی می‌داریم. باید اشاره کنیم که ان‌شاءالله، امسال روز جهانی قدس، باوجود جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه، پرشورتر از همیشه برگزار خواهد شد. همچنین، عید سعید فطر را به همه روزه‌داران و عبادت‌کنندگان در این ماه عزیز تبریک می‌گوییم.

ماهنامه فروردین‌ماه با «تحلیل پیام و سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۳» آغاز شده است. با توجه به وجود مشکلات اقتصادی در سال ۱۴۰۲، علی‌رغم بهبود در برخی شاخص‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری، رهبر معظم انقلاب مجدداً شعار اقتصادی را برای سال ۱۴۰۳ برگزیدند. رهبر انقلاب برای تحقق اهداف اقتصادی کشور، امور مختلف مربوط به اقتصاد را در قالب شعار مطرح نمودند. در سال‌هایی که تولید محور شعار سال بوده است، ایشان برای تحریک حوزه تولید، ویژگی دیگری مانند دانش‌بنیان بودن را بدان افزوده است. در سال ۱۴۰۳ رهبر انقلاب برای اثربخشی امر تولید و بروز جهش در آن، بر مشارکت مردمی تأکید کرده‌اند. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، حضور و نقش‌آفرینی مردم در همه عرصه‌ها امری لازم و ضروری است؛ به‌نحوی که رسیدن به اهداف بدون حضور مردم غیرممکن است. بر این اساس، حوزه تولید که امری بنیادین در حوزه اقتصاد است، باید با حضور و مشارکت مردم رونق یابد. ایشان برای رسیدن به این امر مهم، ضروریات و باید‌هایی را نیز مطرح می‌نمایند که با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، مقوله همدلی و وحدت ملی از اهم آن‌ها به‌شمار می‌رود.

مطلب‌بعدی به «مروری بر مهم‌ترین تحولات هویت ملی ایران در سال ۱۴۰۲» پرداخته است. سال ۱۴۰۲ برای جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج، دربرگیرنده تحولات مهمی در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی بود که از آن جمله می‌توان به پیشرفت در صنایع دفاعی و نظامی کشور، پیشرفت‌های فناوری و هسته‌ای، پیشرفت در عرصه‌های سایبری و هوش مصنوعی، پرتاب ماهواره، افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان، تقویت زیرساخت‌های داخلی و افزایش توان تولید ملی در عرصه کالاهای اساسی و صنعتی و... اشاره داشت. همچنین، در عرصه منطقه‌ای با تحولات پس از «طوفان لاقصی»، محور مقاومت دست برتر را

در منطقه پیدا کرد و به‌وزن معادلات منطقه‌ای به سود ایران افزود و نشان داد در سیر جدید تحولات منطقه‌ای و جهانی، در صورت انتخاب‌های منطقی و آگاهانه، ایران می‌تواند جایگاه مهمی در نظم نوین جهانی داشته باشد و معادلات را به سود خود تغییر دهد. سیاست همسایگی دولت سیزدهم به‌ویژه در زمینه ترمیم روابط با عربستان سعودی نیز از دستاوردهای مهم دولت سیزدهم در این سال است. البته برخی عرصه‌های داخلی نیز شاهد آسیب‌هایی بوده که تأثیرات منفی بر هویت ملی داشته است؛ از آن جمله می‌توان به برخی معضلات اجتماعی - اقتصادی مانند تورم و کاهش ارزش پول ملی و افت توان خرید مردم، تضعیف سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد مردم به مسئولان و مدیران کشور، نقش مخرب فضای مجازی و ماهواره‌های فارسی‌زبان، افزایش برخی مطالبات و فعالیت‌های قوم‌گرایانه و اگرآیانه به‌ویژه در حوزه اهل سنت و غیره اشاره داشت.

در مقاله «روز قدس و هویت» نیز آمده است که صدور پیام امام خمینی (ره) و دعوت از عموم مسلمانان و مستضعفان جهان برای حمایت از مردم فلسطین در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز قدس، ابتکاری حکیمانه و راهبردی بود که باوجود گذشت بیش از ۴۴ سال از صدور آن، همچنان توسط ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان در جهت‌رهایی فلسطین از اشغال صهیونیست‌ها دنبال می‌شود. از مهم‌ترین اهداف جهانی در نام‌گذاری روز قدس، بسیج عمومی مسلمانان و آزادگان جهان، آزادی قدس شریف و پیوند بین مستضعفان جهان است. مهم‌ترین کارویژه‌های نام‌گذاری روز قدس در مکتب انقلاب اسلامی شامل اعلام همبستگی مسلمانان و مستضعفان جهان، تبدیل مسئله فلسطین به گفتمانی اسلامی، زنده نگه‌داشتن و در اولویت قرار دادن مسئله فلسطین، مقابله با صهیونیست‌ها و مستکبران، ترویج روحیه مقاومت و ایستادگی در مقیاس ملی، امتی و جهانی است. واژه‌سازی، گفتمان‌سازی، جریان‌سازی و شبکه‌سازی، تدوین نقشه راه، تربیت چهره‌ها و رهبران و مدیران و تقویت انگیزه‌ها و توانمندی‌های بینشی، گرایشی و رفتاری از جمله راهکارهای راهبردی و عملیاتی در جهت نهادینه‌سازی روز قدس در سطوح ملی، امتی و جهانی است که می‌تواند به احیا و اعاده سرزمین فلسطین و قدس شریف و افول رژیم صهیونیستی منجر شود. قطعاً «جهاد تبیین» و «جهاد روایت» هفت دهه ظلم و تجاوز و جنایت رژیم صهیونیستی و غرب وحشی و درعین حال، ایستادگی، مقاومت و مبارزه مردم فلسطین و جبهه مقاومت، یکی از میدان‌های اصلی «جهاد کبیر» و ناکام گذاشتن دشمن در مواجهه جنگ ترکیبی و تمدنی غرب علیه قدس شریف و تمدن اسلامی است.

مقاله بعدی به «تحلیلی بر دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران» پرداخته است. هدف این مقاله بررسی و توصیف وضعیت و نرخ مشارکت در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور و کم و کیف آن در استان‌ها است. بررسی دقیق

و عالمانه علل و عوامل مؤثر بر ماهیت و نوع رفتار انتخاباتی شهروندان، چرایی کاهش و یا افزایش آن در سطح ملی و برخی استان‌ها، با توجه به اینکه نیازمند انتشار آمار و یافته‌های پیمایش جدید است، زودهنگام است؛ بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که میزان رأی در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور چگونه و واجد چه ویژگی‌هایی بوده است؟

در مطلب «انقلاب اسلامی و تجدید حیات هنر در ایران» نیز آمده است که هنر ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگونی چون شعر و ادبیات، هنرهای تجسمی، موسیقی و تئاتر و به‌ویژه سینما دچار تحول و دگرگونی اساسی شد. پس از انقلاب، نسل جدیدی از هنرمندان خلاق و نوآور ظهور کردند که با آثار خود، هنر ایران را به سطح جهانی ارتقا دادند. هنر ایران به‌ویژه در حوزه سینما، پس از انقلاب اسلامی با حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کسب جوایز معتبر، افتخارات زیادی را برای کشورمان به ارمغان آورده است. ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه همواره دارای سابقه‌های طولانی و غنی در زمینه هنرهای مختلف از جمله نقاشی، خوشنویسی، موسیقی، شعر و ادبیات بوده است. این سابقه طولانی به هنرمندان ایرانی عمق و ظرفیتی منحصر به فرد داده است. هنر ایران از تنوع بالایی برخوردار است و در هر منطقه و شهری می‌توان شاهد هنرهای خاص و بومی بود. هنرمندان ایرانی همواره خلاق و نوآور بوده و در خلق آثار هنری جدید و منحصر به فرد پیشگام بوده‌اند.

مطلب بعدی ماهنامه فروردین‌ماه به «چالش‌ها و راه‌های توسعه صنعت گردشگری در ایران» اختصاص یافته است. موقعیت جغرافیایی ویژه و تنوع پدیده‌های زیست‌محیطی زیبا و غنی و اماکن مذهبی، تاریخی، آثار تمدنی، فرهنگی و هویتی باعث شده تا ایران به‌عنوان پنجمین کشور دارای تنوع طبیعی جهان و مقصدی جذاب برای گردشگران شناخته شود. این درحالی است که علی‌رغم برخورداری از جاذبه‌های فراوان، ظرفیت‌ها و فرصت‌های بیشمار موجود، برخی مشکلات و چالش‌ها مانند تصویرسازی منفی در بازارهای توریست‌زرا و تصویر و ادراک نادرست و غلط از ایران در رسانه‌های بین‌المللی، عدم سرمایه‌گذاری و تبلیغات ناکارآمد برای جاذبه‌های گردشگری و... مانع از گسترش این صنعت، رونق گردشگری داخلی و خارجی و جذب گردشگران شده و نرخ ورود گردشگری را تحت تأثیر قرار داده و سهم ایران در بازار صنعت توریسم اندک است. این مقاله تلاش دارد ضمن مروری بر ظرفیت‌ها و فرصت‌های گردشگری در ایران و بیان چالش‌ها و موانع توسعه و جذب گردشگر، راهکارهایی را برای توسعه صنعت گردشگری ارائه نماید.

در مقاله بعدی با عنوان «کریدور زنگرور و تحولات جدید در منطقه قفقاز جنوبی» نیز آمده است که جنگ قراباغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ با محوریت باکو، ترکیه و حمایت رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیک جهان در «عصر گذار» بود و مقدمات آن دستکم از اوایل دهه ۲۰۱۰ از طریق خرید سلاح، تغییر در ساختار نیروهای نظامی باکو، تقویت روحیات قومی از طریق مدارس و نظام آموزشی و همچنین، بسط نفوذ نرم در اروپا فراهم شده بود. یکی از تبعات منفی جنگ قراباغ ۲۰۲۰، تحول اساسی در مرزهای شمال غرب ایران از وضعیت عادی و تجاری به مرزهای امنیتی بود. تا پیش از جنگ قراباغ، این نوار مرزی که شامل مساحتی از اصلاندوز در استان اردبیل تا پلدشت در استان آذربایجان غربی است، ماهیت تجاری

– انتظامی داشت. هم‌زمان با این روندها فرایندهای جهانی به‌ویژه با آغاز جنگ اوکراین و درگیری روسیه در جبهه اروپای شرقی، آغاز جنگ در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ و نیز تنش در سایر مناطق وضعیت جهانی را پیچیده‌تر کرده و به یک معمای امنیتی در خصوص آینده تحولات ژئواستراتژیک در جهان دامن زد. بر این اساس، احتمال هر نوع شروع مجدد جنگ در قفقاز جنوبی نیز می‌تواند تابعی از جنگ اوکراین و منافع روسیه یا ناتو باشد؛ از این رو، در این مقاله آخرین مسائل جاری ناشی از جنگ اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقاله بعدی «دیدگاه اندیشکده‌های بین‌المللی به محور مقاومت» را بررسی می‌کند. واقعیت آن است که مهم‌ترین استراتژی ایران در برابر محلودیت‌های نظامی تحمیلی بر کشور، علاوه بر اتکا به صنایع بومی، پشتیبانی از محور مقاومت بوده است. حمایت از نیروهای مقاومت که اکنون به‌نوعی برند سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، توانسته منافع ملی کشور را در حوزه‌ی نظامی با توجه به شرایط تحریمی و لزوم حفظ تمامیت ارضی با وجود دشمنان و رقبای منطقه‌ای تأمین کند. هر چند برخی رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های فارسی‌زبان می‌کوشند حمایت جمهوری اسلامی از این نیروها را مغایر با منافع ملی ایران معرفی کنند؛ اما برخی از اندیشکده‌ها و کارشناسان مسائل سیاسی و نظامی غربی استراتژی ایران در مورد محور مقاومت را دارای مزایایی می‌دانند که طی مقالات متعدد بدان اذعان داشته‌اند؛ این مقالات تا حدود زیادی مغرضانه بودن استدلال‌های رسانه‌های فارسی‌زبان در خصوص حمایت ایران از محور مقاومت را آشکار می‌سازد و بیش‌ازپیش سیاست‌های غرض‌ورزانه‌ی آن‌ها را هویدامی‌کند. در این مطلب به برخی از این تحلیل‌ها اشاره شده و عواملی که در برخی از تحلیل‌های اندیشکده‌ها در ارتباط با محور مقاومت بیان شده ذکر می‌گردد.

آخرین مطلب ماهنامه فروردین‌ماه به «هویت دیجیتال» اختصاص یافته است. در این مطلب آمده است که هویت دیجیتال اطلاعاتی (درباره محتواها، مقالات، تصاویر، نظرات و غیره) است که توسط رایانه‌ها برای نشان دادن هویت یک سوژه (شخص، سازمان، نهاد یا دستگاه) استفاده می‌شود؛ در واقع، هویت دیجیتال معرف خود واقعی یک فرد است که اینک به‌صورت برخط، امکان حضور و تعامل پیدا کرده است و اطلاعات شخصی، سابقه فعالیت‌های برخط نظیر رفتارهای اجتماعی (میزان قانونمندی، تخلف یا جرمه‌های راهنمایی و رانندگی و...)، افتتاح حساب یا تأیید تراکنش (امکان نظارت مالی و مبارزه با فساد و ارتشا و پولشویی)، الگوی مصرف و خریدهای اینترنتی و... را شامل می‌شود. هویت دیجیتال به باز نمایی و موجودیت یک فرد، گروه، سازمان و نهاد در حوزه دیجیتال (در مقابل دنیای واقعی) اشاره دارد. این مقوله مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اعتبارنامه‌هایی را دربرمی‌گیرد که به‌طور منحصر به فرد یک شخص یا نهاد را به‌صورت برخط، شناسایی و نسبت به بقیه متمایز می‌کند. در نتیجه، سیستم‌های رایانه‌ای با مقایسه مجموعه‌ای از مسائل موجود و رویدادهای گذشته، یک الگو برای درک و پیش‌بینی پذیری رفتاری بر اساس داده‌های قبلی ارائه می‌کنند.

تحلیل پیام و سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۳

■ دکتر حمید هوشنگی^(۱)

● در آمد

با توجه به فضای عمومی کشور، هنوز مسئله‌ی دارای اولویت «اقتصاد» است. بر این مبنای رهبر معظم انقلاب شعار سال ۱۴۰۳ را همانند چند سال اخیر، اقتصادی بیان فرمودند. رهبر انقلاب در پیام نوروزی به شعار سال اشاره نمودند و در سخنرانی روز اول فرودین که در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد، ضمن تبیین شعار سال، حوادث سال ۱۴۰۲ را مرور و به میزان تحقق شعار سال ۱۴۰۲ اشاره و بایدهای تحقق شعار ۱۴۰۳ را بیان نمودند. ایشان در بخش پایانی سخنرانی نوروزی بر دو مسئله مرتبط با منافع ملی و فراتر از شعار سال یعنی امیدآفرینی و اتحاد ملی پرداختند که به نوعی، مکمل شعار سال و بخشی از الزامات پیشرفت کشور در سال ۱۴۰۳ به‌شمار می‌رود. در ضمن، با توجه به وضعیت اسفناک غزه، این موضوع در این سخنرانی مورد توجه ایشان قرار گرفت.

● مسیری که آمدیم؛ نگاهی به تحولات سال ۱۴۰۲

رهبر معظم انقلاب در بررسی تحولات و حوادثی که در سال ۱۴۰۲ رخ داده است، به ترکیبی از حوادث شیرین و تلخ اشاره می‌نماید. در سال ۱۴۰۲ «در مسائل داخلی کشور پیشرفت‌های چشمگیر علمی، فناوری، تولیدات زیربنایی که در سراسر کشور انجام گرفته است، جزء شیرینی‌ها و خبرهای خوش بود». در سال ۱۴۰۲ حضور مردم در عرصه‌های مختلف، اعم از «حضور حماسی مردم در اجتماعات روز قدس و روز ۲۲ بهمن» و همچنین، برگزاری امن این راهپیمایی‌ها و برگزاری امن و سالم انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری جزء خبرهای خوش و خواسته‌های شیرین بود. به‌نظر می‌رسد آنچه برای رهبر معظم انقلاب این مسائل را به تحولات شیرین و خوش تبدیل نموده است، حضور و نقش‌آفرینی مردم در این عرصه‌ها با وجود همه طراحی‌های دشمن برای ناامید و دور ساختن مردم از عرصه سیاسی و اجتماعی

کشور است. رهبر معظم انقلاب تحولات مثبت در سال ۱۴۰۲ در حوزه خارجی را «تحرک بین‌المللی دولت در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی» معرفی می‌نمایند. دولت در سال ۱۴۰۲ در حوزه سیاست خارجی اقدامات مهمی را رقم زد؛ از جمله اجرایی نمودن توافقات بازگشایی سفارتخانه‌ها با عربستان، فعالیت دیپلماتیک گسترده برای متوقف‌سازی جنایات رژیم صهیونیستی، گسترش روابط با همسایگان در قالب سیاست همسایگی، حضور در اجلاس سران اکو، حضور در نشست اضطراری سازمان همکاری‌های اسلامی در عربستان و حضور در اجلاس بریکس. رهبر انقلاب همانند سال گذشته «مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم» را جزء خبرهای تلخ سال معرفی نمودند. در کنار این مشکلات، حادثه تروریستی در کرمان در سالگرد شهید سلیمانی و حوادثی که برای مأموران امنیت و حافظان امنیت در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۲ اتفاق افتاد و سیل بلوچستان در اواخر سال جزء حوادث تلخ در این سال بود. در حوزه بین‌المللی نیز تلخ‌ترین حادثه، حادثه غزه است که رهبر انقلاب در اکثر دیدارها و سخنرانی‌های خود در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ بدان اشاره نموده‌اند.

سال ۱۴۰۲ در شرایطی گذشت که در مورد شعار این سال یعنی «مهار تورم و رشد تولید، اقدامات خوبی انجام شد. در هر دو بخش شعار، کارهایی انجام گرفت، پیشرفت‌هایی هم اتفاق افتاد، البته نه به‌قدر مطلوب»؛ همان‌طور که رهبر انقلاب بارها تأکید نموده‌اند، «این شعار، شعاری نیست که در یک سال توقع داشته باشیم که به‌نحو مطلوب انجام بگیرد، این شعار همچنان ادامه خواهد داشت».

● تبیین شعار سال ۱۴۰۳؛ هدف، چرایی و چستی آن

برای بخشی از جامعه این پرسش مطرح است که هدف از تعیین و طرح شعار سال از سوی رهبر معظم انقلاب چیست؟ در منظومه فکری مقام معظم رهبری، هدف اصلی



از تعیین و طرح شعار سال، تعیین اولویت اول کشور و تمرکز برای حل مشکلات آن حوزه است: «انگیزه این است که همت‌ها و فکرها به این بخش از راهبرد اساسی کشور متمرکز بشود. شعار سال معمولاً بخشی از راهبرد اساسی کشور است.» بر این اساس، به نظر می‌رسد طرح شعار سال باید منجر به اولویت‌دهی به مسئله مطرح شده از سوی مسئولان گردد و تحقق شعار در برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد کشور مورد توجه قرار گیرد. البته در دیدگاه رهبر معظم انقلاب، مخاطب شعار سال فقط مسئولان و دستگاه‌های اجرایی کشور نیستند، بلکه مردم نیز از جهت مطالبه‌گری، به نوعی مخاطب شعار سال هستند: «از طرف دیگر، افکار عمومی و معرفت عمومی مردم مطالبه‌کننده این معنا را، شعار سال را مطرح می‌کنیم»؛ به عبارت دیگر، می‌توان تعیین و طرح شعار سال را نوعی گفتمان‌سازی در سطح مسئولان و مردم دانست تا با اتکا به آن، حرکت منسجم و هم‌افزا به سوی حل مسئله اصلی کشور انجام شود. البته شعار سال محدود به همان سال نمی‌گردد و «جزء کارهایی است که همه‌ی ما مسئولان و فعالان مردمی باید» دنبال کنند.

رهبر معظم انقلاب تقریباً در یک دهه اخیر، بر روی نقطه‌ضعف اساسی کشور یعنی اقتصاد تمرکز و از سال ۱۳۹۰ به بعد، بر این مقوله تأکید ویژه نموده‌اند. در نگاه رهبر انقلاب، «اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا کند، در همه‌ی اوضاع عمومی کشور تأثیر خواهد داشت و در دین و دنیای مردم می‌تواند اثر بگذارد». تمرکز برنامه‌های دشمنان نظام و کشور به‌ویژه در قالب تحریم‌های شدید نیز اهمیت و وضعیت اقتصادی را به خوبی نشان می‌دهد. بر همین اساس، «سال‌ها است دشمنان تلاش می‌کنند که اقتصاد کشور را به زانو در بیاورند... مقصودشان فروپاشی اقتصاد ایران است؛ مقصودشان به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصادی است». البته بخشی از هدف‌گذاری دشمن در حوزه جنگ اقتصادی، به تأثیر اقتصاد بر سایر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی بازمی‌گردد و بخش دیگر آن به وجود نقاط ضعف جدی کشور در حوزه اقتصادی. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در مبنای تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره کردند، تأثیرپذیری از تکانه‌های اقتصادی بین‌المللی و وابستگی به فروش نفت یکی از نقاط ضعف جدی در حوزه اقتصاد است. راهکار اساسی رفع این نقطه‌ضعف همان اقتصاد مقاومتی است که رهبر معظم انقلاب

فرازهایی از آن سیاست را در قالب شعارهای سال مطرح نموده‌اند. در این بین، براساس جمع‌بندی نظرات کارشناسی، «کلید اساسی برای حل مشکلات اقتصادی کشور عبارت است از مسئله‌ی تولید؛ تولید داخلی، تولید ملی». به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب چند سالی است بر حوزه تولید تأکید ویژه دارند و تقریباً پر تکرارترین عبارت در شعارهای سال، کلمه تولید است (سال ۱۳۹۱: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی؛ سال ۱۳۹۶: اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال؛ سال ۱۳۹۸: رونق تولید؛ سال ۱۳۹۹: جهش تولید؛ سال ۱۴۰۰: تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها؛ سال ۱۴۰۱: تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین؛ سال ۱۴۰۲: مهار تورم، رشد و تولید). در منظومه فکری رهبر انقلاب «اگر رشد تولید و حرکت روبه‌جلو در تولید ملی به نحو مطلوب انجام بگیرد، بسیاری از مشکلات مهم اقتصادی مثل مسئله‌ی تورم، مسئله‌ی اشتغال و مسئله‌ی ارزش پول ملی، این مسائل اساسی اقتصاد به‌نحو خوبی به سمت حل شدن پیش خواهد رفت». تأکید مجدد رهبر معظم انقلاب بر مقوله تولید در سال ۱۴۰۳ نیز با همین مبنا انجام پذیرفت، با این تفاوت که ایشان ضمن تأکید بر جهش در حوزه تولید، به خاطر رفع عقب‌ماندگی‌های این حوزه، به مشارکت مردم به‌عنوان پیشران تحقق این جهش اشاره نمودند؛ به عبارت دیگر، ایشان معتقدند

در سال ۱۴۰۲ حضور مردم در عرصه‌های مختلف، اعم از «حضور حماسی مردم در اجتماعات روز قدس و روز ۲۲ بهمن» و همچنین، برگزاری امن این راهپیمایی‌ها و برگزاری امن و سالم انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری جزء خبرهای خوش و خواسته‌های شیرین بود.

«این جهش بدون مشارکت مردم و بدون حضور مردم اتفاق نخواهد افتاد. اگر ما بخواهیم جهش تولید داشته باشیم، باید اقتصاد را مردمی کنیم، باید پای مردم را به عرصه‌ی تولید به‌نحو محسوس‌تری باز کنیم و موانع حضور مردم را برطرف کنیم». البته در نگاه اول، «جهش تولید به نظر کار بزرگ و شاید در نظر بعضی نشدنی بیاید»؛ اما آنچه از نظر رهبر انقلاب این کار بزرگ و شاید غیرممکن را شدنی و ممکن می‌نماید، مشارکت مردم است: «اگر ما این توفیق را پیدا کنیم که همت مردم، سرمایه‌ی مردم، ابتکار مردم، حضور جدی آحاد مردم را در عرصه‌ی اقتصادی وارد کنیم، در واقع یک بسیج مردمی در امر اقتصاد بکنیم، تولید هم می‌تواند به جهش برسد». بر این اساس، شعار سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری گردید.



در کنار نقش

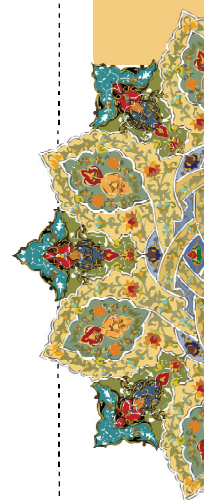
بی‌بدیل مردم برای تحقق شعار سال، رهبر انقلاب بر اقدامات بین‌المللی و خارجی به عنوان شرط اساسی پیشبرد برنامه‌های اقتصادی تأکید نمودند. البته باید توجه داشت این نگاه واقع‌بینانه به معنای عدول از سیاست‌های قبلی مبنی بر گره زدن اقتصاد کشور به بیرون از مرزها نیست، بلکه به معنای تلاش داخلی در کنار رفع موانع و مشکلات خارجی از جمله تحریم‌ها از پیش پای اقتصاد کشور است. این رویکرد که به نوعی تکرار رویکرد تعیین شده در اقتصاد مقاومتی است، درون‌گرا و برون‌نگر است و برای پیشبرد اهداف اقتصادی به حل مسائل بین‌المللی و گسترش روابط اقتصادی اهتمام دارد. بر همین مبنای رهبر انقلاب برقراری و گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورهای مختلف جهان را مطرح می‌نماید. نکته قابل توجهی که ایشان ذیل همین بحث مطرح نمودند، عینی شدن تفاهم‌نامه‌های امضا شده با سایر کشورهاست: «این تفاهم‌نامه‌هایی را که امضا می‌شود و چندان تأثیری ندارد، تبدیل کنند به قراردادهای حقوقی قابل عمل و قابل اجرا که در عمل، اثری داشته باشد؛ باید این را می‌توان تعیین و طرح شعار سال را نوعی گفت‌وگو سازی در سطح مسئولان و مردم دانست تا با اتکا به آن، حرکت منسجم و هم‌افزا به‌سوی حل مسئله اصلی کشور انجام شود. البته شعار سال محدود به همان سال نمی‌گردد و جزء کارهایی است که همه‌ی ما مسئولان و فعالان مردمی باید دنبال کنند».

به‌طور جد دنبال کنند». از نظر ایشان، هر چند تحرک بین‌المللی امری مطلوب به‌شمار می‌رود؛ اما این تحرک بدون رسیدن به قراردادهای مشخص و قابل اجرا نتیجه زیادی بر وضعیت اقتصادی کشور ندارد. دولت سیزدهم نیز در راستای توجه ویژه به فرمان رهبر معظم انقلاب، جلسه‌ای با حضور رئیس‌جمهور در تاریخ ۹ فروردین به منظور پیگیری آخرین وضعیت توافقات و قراردادهای بین‌المللی دولت برگزار نمود.

از دیگر بایدهای مدنظر رهبر انقلاب برای تحقق شعار سال و حرکت کشور در مسیر پیشرفت، مقوله بهره‌وری است. از نظر رهبر معظم انقلاب، «بهره‌وری ما در کشور کم است؛ آن مقداری که سرمایه مصرف می‌کنیم - چه آب، چه برق، چه وقت، چه عمر - به تناسب سرمایه و آنچه مصرف می‌کنیم، بهره‌مندی و بهره‌وری به‌وجود نمی‌آید». با افزایش بهره‌وری در کشور، بهره حاصل شده از تولید نیز به‌طور طبیعی افزایش خواهد یافت. بر این اساس، در صورت افزایش بهره‌وری در کشور،

● بایدها و نبایدهای سال ۱۴۰۳

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی روز اول فرودین، مجموعه نکاتی را مطرح نمودند که می‌توان آن‌ها را در قالب بایدها و نبایدهای سال ۱۴۰۳ دسته‌بندی نمود؛ برخی از این مسائل به شعار سال بازمی‌گردد و برخی دیگر به‌طور عام برای بهبود وضعیت کشور و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت است. همان‌طور که اشاره شد، مخاطب شعار سال مسئولان و مردم هستند؛ بنابراین، رهبر انقلاب تأکید دارند «در سالی که پیش روی ما است و وارد آن شدیم، کارهای زیادی هست که بایستی انجام بگیرد و باید خودمان را به آن متعهد بدانیم؛ هم مسئولین کشور، دولتی‌ها، مجلس، قوه‌ی قضائیه و دیگران و هم آحاد مردم، همه باید خودمان را به آن کارها متعهد بدانیم؛ در زمینه‌های مختلف، لکن در این سال هم مسئله‌ی عمده‌ی کشور عبارت است از مسئله‌ی اقتصاد، باید در این زمینه‌ها فعال عمل کنیم». بر این اساس، یکی از بایدهای مدنظر رهبر انقلاب در سال ۱۴۰۳ اهتمام دستگاه‌های مسئول کشور به مقوله اقتصاد و تحقق شعار سال در حوزه مأموریتی خود است؛ به عبارت دیگر، هر یک از دستگاه‌های مسئول به دور از هرگونه اقدام شعاری، نسبت به شناسایی اقدامات متناسب با وظایف ساختاری خود در راستای تحقق شعار سال اقدام نمایند؛ از سوی دیگر، سال ۱۴۰۳ اولین سال اجرای برنامه هفتم توسعه است. هدف کلی برنامه هفتم نیز «شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت است» و اهداف دیگری مانند «تکریمی کردن تورم، اصلاح ساختار بودجه، تحول در نظام مالیاتی، تولید حداقل نود درصد از کالاهای اساسی در داخل کشور و افزایش بهره‌وری آب کشاورزی» پیش‌بینی شده است. از نظر رهبر انقلاب، برای دستیابی به این اهداف بزرگ حضور مردم لازم و ضروری است: «اگر ما بخواهیم به این اهداف دست پیدا کنیم، به نظر من بدون حضور مردم ممکن نیست، بایستی با حضور مردم انجام بگیرد». به نظر می‌رسد تأکید رهبر انقلاب به آغاز اجرای برنامه هفتم در سال ۱۴۰۳ به تعیین رابطه و جایگاه شعار سال در برنامه هفتم و تأثیر آن بر تحقق بخشی از این برنامه دلالت داشته باشد؛ به عبارت دیگر، همسویی اهداف برنامه هفتم توسعه و شعار سال، ضمن افزایش اهمیت شعار سال، نوعی همسویی و هم‌جهتی کلی برنامه هفتم و شعار سال را تداعی می‌نماید که توفیق در تحقق شعار سال به‌نوعی تحقق بخشی از اهداف برنامه هفتم توسعه خواهد بود.





بخشی از جهش تولید

محقق خواهد شد. چهار عنصر منابع انسانی، فناوری، مدیریت و سرمایه در تقویت نظام بهره‌وری کشور نقش مهمی دارند که هر یک از این عناصر می‌توانند سهم جلدی در افزایش تولید در کشور داشته باشند. بر همین اساس، در برنامه هفتم توسعه، رشد اقتصادی هفت تا هشت درصد پیش‌بینی شده که در این بین، سهم بهره‌وری بیش از دیگر حوزه‌ها است. به‌طور نمونه، می‌توان به مقوله شدت مصرف انرژی در کشور اشاره نمود که هزینه زیادی را به کشور تحمیل می‌نماید. با توجه به اینکه انرژی در کشور مشمول یارانه می‌گردد، میزان بالای مصرف انرژی در کشور اعم از برق، گاز و بنزین، هزینه زیادی را از بودجه عمومی کشور به خود اختصاص داده است.

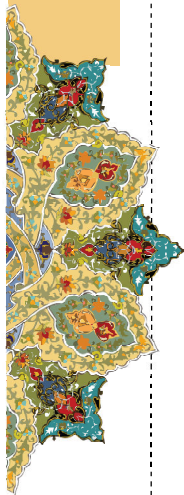
رهبر معظم انقلاب در دیدار اқشار مردم در روز اول فرودین، در قالب پاسخ به دغدغه امکان بروز فساد و سوءاستفاده در صورت ورود امکانات و سرمایه‌های مردم به حوزه اقتصادی، به یکی دیگر از بایدهای سال ۱۴۰۳ در راستای تحقق شعار سال و حرکت در مسیر پیشرفت اشاره می‌نماید. ایشان ضمن تأیید نگرانی امکان بروز «سوءاستفاده و تبعیض و شکاف‌های طبقاتی و فساد» در صورت ورود امکانات و سرمایه‌های مردم به حوزه اقتصادی، بر نظارت فراگیر به‌عنوان عامل دوری از فساد تأکید می‌نمایند؛ از یک‌سو ورود سرمایه مردمی به اقتصاد برای نقش‌آفرینی مردم در جهش تولید ضروری است و از سوی دیگر، امکان بروز فساد و تبعیض در این حوزه وجود دارد؛ بنابراین، برای حل مسئله باید به راهکاری رسید تا به‌جای پاک کردن صورت‌مسئله، آن را به‌درستی حل نماید.

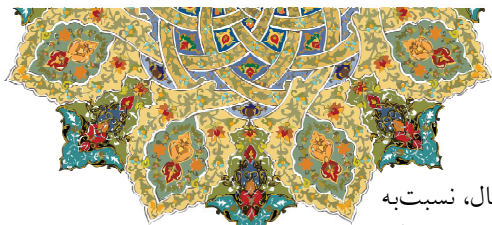
رهبر معظم انقلاب در بخش پایانی سخنرانی نوروزی خود، به دو مقوله «امید و ایمان» و «اتحاد ملی» به‌عنوان مسائل عمومی کشور اشاره می‌نمایند که می‌توان آن‌ها را در چهارچوب بایدهای سال ۱۴۰۳ تعریف نمود تا توجه به آن‌ها، ضمن کاهش مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور، زمینه تحقق شعار سال را بیش از پیش فراهم سازد.

اولین مسئله، «امید و ایمان» است که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۴۰۲/۳/۱۴) به‌طور مفصل بدان پرداخته بودند. ایشان امید و ایمان را عامل نرم‌افزاری امام خمینی (ره) برای رسیدن به اهداف عالیه انقلاب معرفی نمودند. از نظر ایشان، اهمیت امید و ایمان در حدی است که باوجود همه امکانات، اگر جامعه ایمان و امید به آینده نداشته

باشد، حرکت و پیشرفتی رخ نخواهد داد؛ بنابراین، ایشان بر وجود عوامل امیدزا در کشور تأکید می‌نمایند. از نظر ایشان، وجود جوان مستعد فراوان، ملت آماده‌به‌کار و پای‌کار، منابع کم‌نظیر طبیعی، موقعیت جغرافیایی ممتاز، پیشرفت‌های علمی در عرصه‌های صنعت، سلامت، فضا، سیاست، به‌ویژه سیاست خارجی و امنیت از عوامل امیدزا به‌شمار می‌روند که در صورت توجه و تبلیغ درست آن‌ها در جامعه، می‌تواند ضمن تولید امید به آینده، حس عزت و افتخار را در میان مردم تقویت نماید. رهبر انقلاب در این بین به نکته‌ای اشاره می‌نمایند که لازمه تقویت روحیه امید و ایمان در جامعه است. ایشان از ضعف در تبلیغات به‌عنوان یکی از موانع تولید امید در جامعه یاد می‌کنند. این در حالی است که عده‌ای در جامعه حضور دارند و منفی‌بافی و امیدزدایی را وجهه همت خود قرار داده‌اند. این افراد ضمن انکار امید در جامعه، تلاش می‌کنند «امید را از دل‌ها زایل کنند!». در کنار این افراد، راهبرد کلان دشمنان کشور در سال‌های متمادی نیز از بین بردن امید به آینده «با تبلیغات گوناگون، با انواع و اقسام ترفندهای تبلیغی و رسانه‌ای»، بزرگنمایی ضعف‌های جامعه و کشور و انکار پیشرفت‌ها است.

دومین مسئله «اتحاد ملی» است. رهبر معظم انقلاب بحث «اتحاد دل‌ها، عزم‌ها و اراده‌های مردم» را ذیل منافع ملی تعریف می‌نمایند و از وجود مشکلات، غفلت‌ها و عقب‌افتادگی‌ها در این حوزه سخن می‌رانند. ایشان معتقدند در مواردی، «خودمان به دست خودمان در وحدت ملی مان اختلال ایجاد می‌کنیم». این در حالی است که تقویت وحدت ملی، «سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اول بوده است» و در دوره حیات امام (ره)، ایشان با هرگونه اختلاف و نزاع درباره مسائل جناحی و سیاسی که منجر به بروز نفرت در جامعه می‌شد، برخورد می‌کردند و به این‌ها نهیب می‌زدند و می‌گفتند: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». برای وحدت ملی باید دیگر هویتی را در خارج از کشور و دشمن تعریف کرد و اختلافات داخلی منجر به ساخت دیگر هویتی در درون جامعه ایرانی نگردد؛ به‌عبارت دیگر، وحدت ملی زمانی شکل می‌گیرد که روابط آحاد جامعه باوجود اختلافات فکری و سیاسی، در قالب دیگر هویت تعریف نگردد و غیریت‌سازی با دشمنان و مخالفان مردم و کشور انجام پذیرد. بر همین مبنا، ایشان می‌فرمایند: «تأکید می‌کنم و توصیه می‌کنم به جوان‌های عزیزمان که سعی کنند در داخل جامعه نفرت‌پراکنی انجام نگیرد. خب؛ اختلاف‌سلیقه‌ای وجود دارد، اشکالی هم ندارد؛ اما همه با هم برادروار در کنار هم،





از اعلام شعار سال، نسبت به برخورد شعاری صرف با آن تذکر داده‌اند.

تکرار شعار سال در رسانه‌ها و سربرگ ادارات امر نامطلوبی نیست؛ اما آسیب‌شناسی رهبر انقلاب از میزان توجه به شعار سال در سال‌های گذشته گویای این است که این نوع برنامه‌ها و اقدامات بسیار پررنگ‌تر از پیاده‌سازی شعار سال در مأموریت دستگاه‌های مسئول و تعیین وظیفه هر یک از دستگاه‌ها در قبال آن و اقدام بر این اساس است. البته هرچند رشد تولید به صورت کمی قابل اندازه‌گیری است؛ اما مشارکت مردم به دلیل کیفی بودن، سخت‌تر سنجش می‌شود که لازم است برای ارزیابی آن دقت بیشتری نمود.

۲- لزوم ورود گروه‌های جهادی و مردمی به عرصه تولید: بررسی عملکرد گروه‌های جهادی و مردمی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد اکثر این گروه‌ها از ورود به حوزه تولید

رهبر معظم انقلاب تقریباً در یک دهه اخیر، بر روی نقطه ضعف اساسی کشور یعنی اقتصاد تمرکز و از سال ۱۳۹۰ به بعد، بر این مقوله تأکید ویژه نموده‌اند. در نگاه رهبر انقلاب، «اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا کند، در همه‌ی اوضاع عمومی کشور تأثیر خواهد داشت و در دین و دنیای مردم می‌تواند اثر بگذارد».

و کارآفرینی فاصله داشته‌اند و بیشتر در حوزه خدمت‌رسانی و ساخت اماکن فعالیت داشته‌اند. با وجود اهمیت کارهای موجود گروه‌های جهادی، اما ظرفیت بالای این گروه‌ها بر حرکت به سوی اقدام جدی‌تر و اساسی‌تر مانند تولید دلالت دارد. البته مشخص است که از گروه‌های جهادی انتظار کار تولیدی بزرگ مقیاس نمی‌رود؛ اما حجم بالای فعالیت‌های تولیدی کوچک یا متوسط می‌تواند در مجموع هم به کاهش بیکاری در مناطق محروم کمک نماید و هم به افزایش تولید با حضور نقش‌آفرینی مردم یاری رساند.

۳- کم‌توجهی به تعاونی‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و تقلیل آن‌ها به تعاونی‌های مصرف و خرد. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است» و با توجه به اینکه این اصل بخش خصوصی را مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی می‌داند، نشان‌دهنده این است که بخش تعاونی در قانون اساسی بعد از بخش دولتی بیشتر مورد توجه بوده است. از سوی دیگر، براساس اصل ۴۴ «بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و

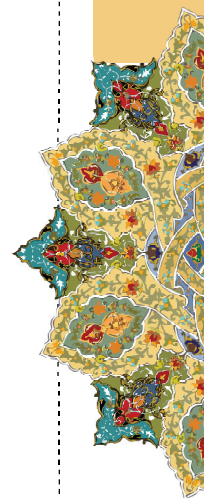
روی مسائل کلی جامعه و در مقابله و مواجهه با مخالفین کشور، مخالفین جمهوری اسلامی، مخالفین ملت ایران، یکسان بایستند و حرکت کنند».

● مسئله غزه، مسئله اول جهان؛ پر تکرارترین مسئله بین‌المللی در بیانات رهبر معظم انقلاب

مسئله فلسطین یکی از پر تکرارترین مباحث مطرح شده از سوی رهبر انقلاب، به‌ویژه در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ و بعد از طوفان الاقصی است. از نظر ایشان، «قضایای غزه نشان داد که چه ظلم و چه ظلمتی بر دنیا حاکم است. این دنیای غرب، این دنیای به‌اصطلاح متمدن که ادعای حقوق بشر و امثال این‌ها می‌کنند، نشان دادند که چه ظلمتی بر زندگی این‌ها، بر افکار این‌ها، بر عمل این‌ها حاکم است. بیش از سی هزار نفر قتل‌عام می‌شوند، از کودک نوزاد تا نوجوان‌ها، تا جوان‌ها، تا پیرها، زن، مرد، تا بیمارها؛ ظرف مدت کوتاهی سی و چند هزار نفر از این‌ها نابود می‌شوند، خانه‌هایشان خراب می‌شود، زیرساخت‌های کشورشان از بین می‌رود، دنیای متمدن نگاه می‌کند؛ نه فقط جلوگیری نمی‌کند، کمک هم می‌کند!»؛ در واقع، حادثه غزه نشان داد که تمدن غرب نتیجه‌ای جز قتل و غارت و نابودی به همراه نداشته است. البته از سوی دیگر، حوادث غزه «حقانیت تشکیل جبهه‌ی مقاومت را نشان داد». ایشان اهمیت و لزوم شکل‌گیری جبهه مقاومت در غرب آسیا را وجه دیگر قضایای غزه می‌دانند. بروز این حوادث در غزه نشان داد «حضور جبهه‌ی مقاومت در این منطقه جزء حیاتی‌ترین مسائل است؛ روزه‌روز هم باید این جبهه‌ی مقاومت تقویت بشود»؛ زیرا وقتی وجدان‌های بیدار، این حجم جنایت و ظلم صهیونیست‌ها را می‌بینند نمی‌توانند ساکت بنشینند و به فکر مقاومت می‌افتند و طبیعی است که جبهه‌ای برای مقاومت در برابر این جنایتکاران، «برای مواجهه با این ظلم مستمر دائمی جنایتکاران صهیونیست علیه ملت فلسطین و حامیان فلسطین» تشکیل دهند؛ بنابراین، دفاع مردم فلسطین امری مشروع و منطقی است و در حوادث اخیر منطقه «جبهه مقاومت از وضع واقعی خود رونمایی کرد» و این برای غرب غافلگیرکننده بود.

● آسیب‌شناسی و ارائه راهکار

۱- دوری از اقدامات نمایشی و لزوم سیاست‌گذاری جدی برای تحقق شعار سال: رهبر معظم انقلاب در اکثر سال‌ها بعد





توزیع است». در عمل، بخش تعاونی از نظر اهمیت و جایگاه در اقتصاد ایران نه تنها رتبه دوم را ندارد، بلکه سهم بخش تعاونی در اقتصاد ایران حداکثر ده درصد است که سهم قابل توجهی نیست. شایان ذکر است که اولاً، براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، باید «سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم» افزایش یابد که وضعیت کنونی به شدت با این طراحی فاصله دارد و ثانیاً، تعاونی‌های موجود بیشتر بر روی توزیع تمرکز کرده‌اند و تعاونی‌های تولید سهم بالایی از تعاونی‌های موجود ندارند. بر این اساس، برای تحقق شعار سال یعنی جهش تولید با افزایش مشارکت مردمی، باید بر روی تقویت تعاونی‌های تولیدی تمرکز ویژه‌ای نمود.

۴- سابقه نه‌چندان مثبت تعاونی‌ها نزد افکار عمومی و لزوم احیای آن‌ها نزد افکار عمومی: با توجه به سوابق نه‌چندان مثبت تعاونی‌ها نزد افکار عمومی، به‌ویژه تعاونی‌های مربوط

رهبر معظم انقلاب در بخش پایداری سخنرانی نوروزی خود، به دو مقوله «امید و ایمان» و «اتحاد ملی» به‌عنوان مسائل عمومی کشور اشاره می‌نمایند که می‌توان آن‌ها را در چهارچوب بایدهای سال ۱۴۰۳ تعریف نمود.

به مسکن، هدایت سرمایه‌های مردم به سوی تعاونی‌ها کار بسیار سختی است؛ اما برای ترویج «فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون» در میان مردم (به تعبیر رهبر انقلاب) باید از ابزارهای مختلف بهره گرفت. یکی از ابزارها یا روش‌ها که از سوی رهبر معظم انقلاب هم‌بدان اشاره شده است، پیرنگ و اثربخش تر کردن نقش افراد دارای نفوذ اجتماعی در ایجاد و هدایت تعاونی‌ها در سطح کشور است.

۵- نگاه بدبینانه بخش دولتی به بخش غیردولتی و رقیب‌پنداری آن: همان‌طور که رهبر انقلاب قبلاً تأکید نمودند، «کشور بدون فعالیت بنگاه‌های خصوصی اداره نخواهد شد»؛ اما از همان دهه ۶۰ نگاه بخش دولتی به بخش خصوصی بدبینانه بوده است. همچنین، بخش دولتی به دلیل توان فنی و مالی و سیاسی بیشتر، قدرت بیشتری نسبت به بخش خصوصی دارد و عملاً بخش خصوصی توان رقابت با بخش دولتی را ندارد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به خوبی اجرا نشد و به جای بخش خصوصی حقیقی، بخش شبه‌دولتی در حوزه‌های مختلف ایجاد شد. حمایت از بخش خصوصی حقیقی و اعتماد به آن‌ها گام اول هویت‌دهی به بخش خصوصی به‌عنوان بخش مردمی اقتصاد است.

۶- وجود اقدامات دوقطبی‌ساز در جامعه و بهره‌گیری دشمنان و جریان‌های سیاسی از این فضا: رهبر انقلاب بر اتحاد و وحدت ملی تأکید ویژه نمودند. برای تحقق این مسئله مهم و اساسی ابتدا باید از بروز حوادث تفرقه‌افکن و قطبی‌ساز در جامعه ازسوی هر گروه و جریانی ممانعت به‌عمل آورد؛ ازسوی دیگر، برای افزایش همگرایی در درون جامعه لازم است موضوعات کلان و ملی که قابلیت اجماع‌سازی در درون جامعه را دارد شناسایی و به‌نحو مناسبی در درون جامعه مطرح شوند (شناسایی امر ملی و تولید وفاق پیرامون آن). البته باید نقشه‌های دشمنان را برای ایجاد تفرقه در جامعه شناسایی کرده و به‌نحو مناسبی با آن مقابله نمود.

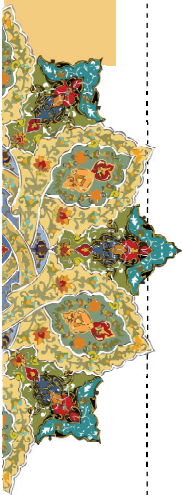
۷- برنامه‌ریزی برای افزایش امید به آینده در جامعه: امیدزدایی در جامعه به انحای مختلف ازسوی دشمنان و برخی از عناصر داخلی در حال اجراست. برای مقابله با این طرح خطرناک که نوعی جنگ ترکیبی است، لازم است طراحی ترکیبی نمود؛ به‌عبارت دیگر، هم اقدامات عینی و عملی در سطح جامعه برای افزایش اعتماد و امید به آینده انجام داد و هم اقدامات تبلیغی برای توجیه افکار عمومی.

● برآیند

با توجه به عدم بهبود وضعیت اقتصادی در سال ۱۴۰۲ باوجود بهبود در برخی شاخص‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری، رهبر انقلاب مجدداً شعار اقتصادی را برای سال ۱۴۰۳ برگزیدند. رهبر انقلاب برای تحقق اهداف اقتصادی کشور، امور مختلف مربوط به اقتصاد را در قالب شعار مطرح نموده‌اند. در سال‌هایی که تولید محور شعار سال بوده است، ایشان برای تحریک حوزه تولید ویژگی دیگری مانند دانش‌بنیان بودن را بدان افزوده است. در سال ۱۴۰۳ رهبر معظم انقلاب برای اثربخشی امر تولید و بروز جهش در آن، بر مشارکت مردمی تأکید کرده‌اند. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، حضور و نقش‌آفرینی مردم در همه عرصه‌ها امری لازم و ضروری است؛ به‌نحوی که رسیدن به اهداف نظام بدون حضور مردم غیرممکن است. بر این اساس، حوزه تولید که امری بنیادین در حوزه اقتصاد است باید با حضور و مشارکت مردم رونق یابد. ایشان برای رسیدن به این امر مهم، ضروریات و بایدهایی را نیز مطرح می‌نمایند که با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، مقوله همدلی و وحدت ملی از اهم آن‌ها به‌شمار می‌رود.

یادداشت

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).



مروری بر مهم‌ترین تحولات هویت ملی ایران در سال ۱۴۰۲

■ گروه مطالعات ایران

● درآمد

سال ۱۴۰۲ برای جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج، دربرگیرنده تحولات مهمی در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی بود که از آن جمله می‌توان به پیشرفت در صنایع دفاعی و نظامی کشور، پیشرفت‌های فناوری و هسته‌ای، پیشرفت در عرصه‌های سایبری و هوش مصنوعی، پرتاب ماهواره، افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان، تقویت زیرساخت‌های داخلی و افزایش توان تولیدات ملی در عرصه‌ی کالاهای اساسی و صنعتی و... اشاره داشت. همچنین، در عرصه منطقه‌ای با تحولات پس از «طوفان الاقصی» محور مقاومت دست برتر را در منطقه پیدا کرد و به وزن معادلات منطقه‌ای به سود ایران افزود و نشان داد در سیر جدید تحولات منطقه‌ای و جهانی، در صورت انتخاب‌های منطقه‌ی و آگاهانه، ایران می‌تواند جایگاه مهمی در نظم نوین جهانی داشته باشد و معادلات را به سود خود تغییر دهد. سیاست همسایگی دولت سیزدهم به‌ویژه در زمینه ترمیم روابط با عربستان سعودی نیز از دستاوردهای مهم دولت سیزدهم در این سال است. البته برخی عرصه‌های داخلی نیز شاهد آسیب‌هایی بوده که تأثیرات منفی بر هویت ملی داشته است؛ از آن جمله می‌توان به برخی معضلات اجتماعی-اقتصادی مانند تورم و کاهش ارزش پول ملی و افت توان خرید مردم، تضعیف سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد مردم به مسئولان و مدیران کشور، نقش مخرب فضای مجازی و ماهواره‌های فارسی زبان، افزایش برخی مطالبات و فعالیت‌های قوم‌گرایانه و واگرایانه به‌ویژه در حوزه اهل سنت و غیره اشاره داشت. با این مقدمه، در این مقاله به برخی از مهم‌ترین تحولات هویتی ایران در سال ۱۴۰۲ پرداخته شده است.

● مروری بر تحولات

بررسی عمومی کشور نشان از حساسیت دو حوزه اقتصادی و اجتماعی دارد. در حوزه اقتصادی، به دلیل مشکلات موجود در سال ۱۴۰۱ و عدم تحقق کامل اهداف تعیین‌شده از نام‌گذاری سال، نام‌گذاری سال ۱۴۰۲ نیز با رویکرد اقتصادی انجام شد. آنچه در سال ۱۴۰۲ باید به نحوه قابل‌توجهی مدنظر مسئولان کشور قرار می‌گرفت کاهش تورم و رشد تولید بود روند کاهش

تورم هرچند نویدی برای بهبود این شاخص اقتصادی دارد؛ اما هنوز با رسیدن به یک نقطه قابل‌اتکا و رضایت‌بخش فاصله دارد. در حوزه تولید، به عنوان پیشران تغییر در وضعیت اقتصادی نیز هرچند شاهد رشد هستیم؛ اما این مسئله در زندگی روزمره مردم نمود قابل‌توجهی نیافته است. بخشی از ابزارهای تولید، تأمین مالی است که با فرهنگ‌سازی برای سوق دادن منابع مالی به تولید و بازار سرمایه قابل‌اتکا در کنار مدیریت مناسب بورس برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، می‌تواند روند روبه‌رشدی را تجربه نماید. در این بین، استفاده از ظرفیت اقتصاد دریامحور به‌عنوان نسخه ارتقا یافته توسعه سواحل مکران می‌تواند این حوزه را تقویت نماید و ظرفیت جدیدی به روند بهبود وضعیت اقتصادی کشور بیفزاید. در عین حال، سال ۱۴۰۲ از نظر اجتماعی نسبت به سال گذشته آرام‌تر و کم‌چالش‌تر بود؛ هرچند مقوله حجاب کماکان به‌عنوان اصلی‌ترین چالش این حوزه خودنمایی می‌نماید. فضای فرهنگی کشور نیز که در سال ۱۴۰۱ دچار چالش شده بود، سال ۱۴۰۲ را با آرامش سپری نمود. برگزاری نسبتاً مناسب جشنواره فیلم فجر از یک‌سو، نمود رشد فعالیت‌های فرهنگی و هنری هنرمندان در سطح رسانه ملی و جامعه است و از سوی دیگر، نشان از آرامش نسبی این حوزه در سال ۱۴۰۲ دارد. این سال برگزاری مراسم ملی و دینی نیز رشد قابل‌توجهی داشت.

تداوم سیاست همسایگی و توسعه آن نیز می‌تواند هم‌اکنون از نظر اقتصادی زمینه شکوفایی اقتصاد کشور را فراهم سازد و هم‌اکنون از نظر سیاسی، فشارهای سیاسی کشورهای غربی را کاهش دهد. این سیاست در دوره تغییر نظم نوین جهانی، می‌تواند به جایابی مناسب ایران در نظم جدید در عین حفظ هویت و ماهیت خود کمک شایانی نماید. در عرصه ادبی، کم‌توجهی به ایران فرهنگی هزینه‌ای را به کشور تحمیل نموده است؛ بنابراین، باید در سال ۱۴۰۳ به تقویت ایران فرهنگی از طریق رفع موانع موجود به‌ویژه در حوزه ساختاری و بودجه‌ای تمرکز ویژه نمود.

موضوع دیگر در رابطه با ادامه مذاکرات هسته‌ای برای لغو تحریم‌ها است که پس از آغاز ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در داخل، سنگ‌اندازی‌های طرف‌های اروپایی و سپس امریکایی برای به هم زدن توافق متوقف شد. البته



ضدانقلاب نیز در تحریک

طرف‌های توافق نقش بسزایی داشت.

این مسئله باعث شد روند سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و ورود برخی اقلام حیاتی به کشور مانند دارو با اختلال مواجه شود. هرچند مذاکرات تا پیش از عملیات الاقصی در قالب تبادل زندانیان ادامه پیدا کرد که در نهایت، به آزادسازی برخی پول‌های بلوکه‌شده ایران نیز انجامید.

نکته دیگر در مورد تحولات ملی مربوط به مبحث امنیت ملی است. متأسفانه در سال ۱۴۰۲ شاهد چند حادثه امنیتی مانند

سال ۱۴۰۲ برای جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج، دربرگیرنده تحولات مهمی در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی بود که از آن جمله می‌توان به پیشرفت در صنایع دفاعی و نظامی کشور، پیشرفت‌های فناوری و هسته‌ای، پیشرفت در عرصه‌های سایبری و هوش مصنوعی، پرتاب ماهواره، افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان، تقویت زیرساخت‌های داخلی و افزایش توان تولیدات ملی در عرصه کالاهای اساسی و صنعتی و... اشاره داشت.

حمله تروریستی در شاهچراغ و بمب‌گذاری تروریستی در مراسم سالگرد شهید سردار قاسم سلیمانی در کرمان بودیم که تاحدی امنیت و اقتدار ملی کشور را به چالش کشید. به‌ویژه وقایعی مانند هک سامانه‌های مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه و انتشار برخی اسناد محرمانه علاوه بر عزم دشمن بر خرابکاری، نشان‌دهنده دامنه نفوذ در داخل کشور نیز است. امیدواریم با هوشیاری مسئولان مربوطه، از این پس دیگر شاهد چنین حوادثی نباشیم. بدون شک تأمین اقتدار و امنیت داخلی در طول چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران، یکی از نکات قوت این نظام است که با رشادت‌های سربازان این مرزوبوم عملی شده است.

وضعیت انتشارات نیز در حوزه مسائل قومی مثبت ارزیابی نمی‌شود؛ به‌نظر می‌رسد این عرصه نیاز به توجه بیشتری دارد. جریان‌های قومی در داخل از این عرصه نرم برای تقویت گفتمان و تاریخ‌نگاری مطابق با اهداف خود بهره می‌برند و حساسیتی کمتر در این رابطه در عرصه نظارتی کشور مشاهده می‌شود.

مسائل و چالش‌های حوزه زبان فارسی نیز در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال گذشته، از شدت کمتری برخوردار بود. این موضوع در داخل کشور بیشتر در قالب اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی مطرح شده است. متأسفانه، استفاده برخی نخبگان از تعبیر زبان مادری به جای زبان‌های محلی و قومی (براساس آنچه اصل ۱۵ گفته است) نشان می‌دهد فهم دقیقی از مسئله در میان پیگیری‌کنندگان نیست؛ زیرا تعبیر زبان مادری از نظر لغوی،

ادبیات حقوق بشری است و انطباقی با مفهوم زبان مادری در فرهنگ عامه ایرانیان ندارد. بر همین اساس است که رسانه‌های بیگانه با استفاده از این تعبیر، درباره وضعیت زبان‌های محلی و قومی در ایران گزارش تهیه می‌نمایند.

در شرایط کنونی، زبان فارسی و ضرورت حراست از آن در عصر جهانی‌شدن و دورانی که یورش‌ها علیه زبان فارسی در جریان است، بحثی مهم در سیاست‌گذاری هویتی است. بدین ترتیب، سیاست‌ها و طرح‌های حساسیت‌برانگیزی همچون تدریس ادبیات محلی، در صورت عدم ارزیابی و نظارت مستمر، ممکن است ضربات جدی بر پیکر زبان فارسی وارد آورد.

اما مهم‌ترین موضوع ضدهویتی در بحث تحولات داخلی به ضدانقلاب بازمی‌گردد. ضدانقلاب که با مشاهده جو نسبتاً نابسامان اقتصادی اجتماعی در داخل، فضا را برای موج سواری فراهم دید، از هر فرصتی، از دیدار و مذاکره و همراهی با کشورهای متخاصم گرفته تا برگزاری نشست و همایش مجازی و استفاده از تریبون‌های رسانه‌های معاند، بهره برد تا به تخریب و سیاه‌نمایی وضعیت جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج بپردازد. در این میان، منافقین و سلطنت‌طلبان بیشترین تحرکات را داشتند و تلاش کردند خود را به‌عنوان بازیگران مهم به حامیان خارجی و داخلی خود معرفی کنند. همچنین، نباید از نقش افرادی که تلاش داشتند خود را به اصطلاح به‌عنوان رهبر اعتراضات به مردم معرفی کنند از جمله رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون و همچنین، رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال به‌سادگی عبور کرد. در این رابطه، گفتمان‌گذار از جمهوری اسلامی در میان ضدانقلاب استفاده و به ابزاری برای همگرایی بیشتر طیف‌های مختلف تبدیل شد و تلاش داشتند فضای کشور را فضای انقلابی توصیف کنند. البته پرواضح است که این نیروها در داخل پایگاه مردمی ندارند و تلاش‌های آن‌ها بیشتر در راستای جلب حمایت خارجی است.

هرچند در جامعه‌ی زنان مطالبات‌ی در ارتباط با حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ اما معضل‌انگاری و لاینحل‌تصویر کردن مشکلات و بازنمایی تصویر زنان به‌عنوان ستم‌دیدگان تحت ظلم در نظام اسلامی، مواردی است که ضدانقلاب و بیگانگان در پروژه زنان بدان اهتمام دارند؛ از این رو، انتظار می‌رود مسئولان با ارائه طرح‌های کارشناسی و توجه ویژه به ظرافت‌ها و حساسیت‌های حوزه‌ی زنان نسبت به مدیریت این حوزه اقدام کنند و مانع جداسازی این قشر عظیم از جامعه اسلامی و در نتیجه، پیشبرد منافع گروه‌های ضدانقلاب شوند.

موضوع مهم دیگر در رابطه با تحولات فرقه‌گرایی در کشور است. به‌نظر می‌رسد روندها و فرایندهای فرقه‌گرایی و معنویت‌گرایی در کشور به‌طور مشخصی تحول یافته و اگرچه



تقویت سرمایه اجتماعی

است. به علاوه، در کشور ایران نقاط قوت سرمایه اجتماعی مانند دین داری و وطن دوستی وجود دارد و یکی از راه‌های تقویت و ترمیم سرمایه اجتماعی، اتکا به همین نقاط قوت و تقویت آن‌ها است.

در رابطه با تحولات زیست محیطی نیز باید گفت که آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی نهادهای متولی همچون شرکت مدیریت منابع آب، سازمان محیط زیست، وزارت کشاورزی، مرکز آمار ایران و... حاکی از آسیب پذیری استان‌های مختلف کشور از چالش‌های زیست محیطی متعددی است که بخشی از آن برآمده از تغییرات اقلیمی و مخاطرات طبیعی است و بخشی به مدیریت نامناسب مرتبط بوده و خطاهای عامل انسانی آن را تقویت کرده است. بحران تأمین و توزیع منابع آب، ریزگردها، از بین رفتن تالاب‌ها، از بین رفتن تنوع زیستی، وابستگی به منابع آبی کشورهای بالادست و ایجاد تنش‌های دوجانبه در کنار اشتراک منابع آبی با فرودست، همه بخشی از مجموعه چالش‌های زیست محیطی هستند که کشور با آن‌ها مواجه بوده و در سال ۱۴۰۲ نمونه‌های عینی از آن مشاهده شده است.

مسئله ریزگردها و کمبود آب دو چالش عمده‌ای هستند که به دلیل در اختیار داشتن داده‌ها و آمار دقیق‌تر، قابلیت

به رغم آنکه میانگین نمره سرمایه اجتماعی در ایران روند نزولی دارد، در برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند دل بستگی به کشور، معنویت خواهی یا احترام به مقدسات دینی، از سطح نسبتاً خوبی برخوردار است.

بیشتری را برای ارزیابی دارند. درباره منابع آبی مشترک نیز در مورد کشورهای ترکیه و عراق، اوضاع چندان وخیم به نظر نمی‌رسد؛ اما تحولات سال ۱۴۰۲ این مسئله را در هیرمند پیچیده کرده و بیم آن می‌رود که به تنش جدی تری تبدیل شود. در رابطه با پدیده آلودگی هوا و به ویژه ریزگردها و بادهای ۱۲۰ روزه سیستان نیز طی سال ۱۴۰۲ وضعیت مساعد به نظر نمی‌رسد و نیازمند سیاست گذاری جدی و شناسایی کانون‌ها و رفع چالش است.

یکی دیگر از موضوعات مهم سال ۱۴۰۲، برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان است. روندشناسی تحولات میزان مشارکت در انتخابات گذشته نشان می‌دهد نرخ مشارکت انتخاباتی در کشور روند سینوسی توأم با رشد منفی را طی نموده است. عواملی که شهروندان را در مواجهه با انتخابات در چندراهی قرار می‌دهد به متغیرهایی همچون اثربخشی، هزینه-فایده میزان اعتماد آنان به نامزدها، احساس محرومیت، رعایت حقوق

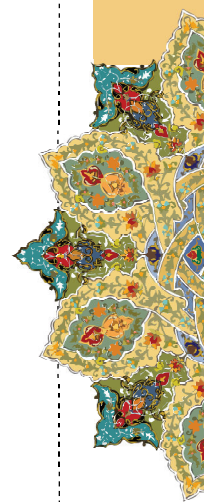
اشکال سنتی فرقه‌گرایی در کشور سیر نزولی خود را طی می‌کند، معنویت‌های سیال و فرقه‌های نوظهور رشد داشته و احتمالاً در آینده نیز رشد خواهد داشت. هر چند این فرقه‌ها متأثر از فضای کلی دین داری در جامعه ایران، قادر نخواهند بود در کشور موج‌سازی کرده یا جریان ویژه‌ای به راه بیندازند؛ اما نباید از رشد خزننده این تحولات غافل شد.

البته میزان اقبال به هریک از آن‌ها تناسب چندانی با بازنمایی‌ها و سروصداهای رسانه‌ای پرشماری که حول آن‌ها شکل گرفته است ندارد. به بیان دیگر، فرقه‌های مذکور در کشور رشد قابل ملاحظه‌ای ندارند؛ اما اخبار و مواضع رهبران ایشان به واسطه وضعیت درحاشیه‌بودگی و توجه بیگانگان به آنان، بیش از سایر مسائل برجسته می‌شود. در این زمینه، همکاری‌های احتمالی یا سوءاستفاده‌های جریان‌های ضدانقلاب نیز اهمیت دارد. جریان تبشیری نیز بیش از پیش عزم خود را برای فعالیت در کشور جزم نموده و سرمایه‌گذاری و بالطبع، استراتژی‌های میان و بلندمدتی برای نسل‌ها و اقشار مختلف جامعه ایرانی تدارک دیده است.

موضوع مهم دیگر در رابطه با تضعیف سرمایه اجتماعی در کشور است. واقعیت این است که در کشور ما، برنامه‌ای راهبردی برای کمک به افزایش سرمایه اجتماعی نقصان دارد. برخی حوادث و هیجانات ناشی از آن، معدل سرمایه اجتماعی را به صورت موقت افزایش و یا کاهش می‌دهد. به رغم آنکه میانگین نمره سرمایه اجتماعی در ایران روند نزولی دارد، در برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند دل بستگی به کشور، معنویت خواهی یا احترام به مقدسات دینی، از سطح نسبتاً خوبی برخوردار است. با این وجود، روندهای جاری حاکی از تضعیف و استهلاک سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن مانند عنصر اعتماد فردی و نهادی، امید، مشارکت، روابط اجتماعی و تعاملات در سال‌های اخیر در ایران است و پیش‌بینی می‌شود اگر برای آن فکری نشود و برنامه منسجم، هدفمند و جامع تدوین نشود، روند به سمت نزولی خواهد بود. تقویت رابطه مردم و نظام سیاسی، کاهش تعصبات اجتماعی از طریق ایجاد مدارای اجتماعی بین گروه‌ها با کمک آموزش، تقویت شناخت شهروندان از هم و ایجاد فضای مناسب بین آن‌ها برای کم

در کشور ایران نقاط قوت سرمایه اجتماعی مانند دین داری و وطن دوستی وجود دارد و یکی از راه‌های تقویت و ترمیم سرمایه اجتماعی، اتکا به همین نقاط قوت و تقویت آن‌ها است.

کردن تصورات قالبی، کاهش پنداشت‌های منفی و اصلاح نگرش به باورهای عمومی، افزایش سواد رسانه‌ای، مقابله با شایعه‌پراکنی رسانه‌های خارجی، ضدانقلاب و دشمنان، کاهش فاصله اجتماعی، برخورد قاطعانه با مفاسد اقتصادی و سیاسی از جمله راهکارهای





شهروندی، امیدواری نسبت به آینده، تحقق مطالبات رأی دهندگان، کارکردها و جایگاه مجلس در حل مشکلات کشور و جامعه، پاکدستی و سلامت نمایندگان، وضع قوانین گره گشا برای حل مشکلات و تحرکات ضدانقلاب و دشمن دسته بندی می شود. تقویت سرمایه اجتماعی و امید به آینده، رفع احساس تبعیض، بسط عدالت، تقویت عملکرد نهادها و دستگاه های اجرایی در کنار تقویت انگیزه و اقدام برنامه محور آن ها، افزایش کارآمدی حکمرانی و نهادهای اجرایی و جلوگیری از هرگونه فساد و برخورد قاطع و فراگیر با اشکال آن می تواند به نشاط سیاسی، تقویت همبستگی و هویت ملی و افزایش تمایل به مشارکت حداکثری در انتخابات منجر شود و امنیت کشور را تضمین نماید. همچنین، بررسی ها نشان می دهد خانواده و سبک زندگی در ایران دچار تحولات عمیقی شده است. رشد ۰/۷۱ درصدی جمعیت ایران کمتر از متوسط جهانی و میل به رشد منفی در آینده، ساختار غالب میانسالی و عبور از پنجره جمعیتی و میل به پیری و کهنسالی، سالخوردگی جمعیت، تأخیر در تشکیل خانواده و افزایش آمار تجرد قطعی، تغییر در الگوی همسرگزینی، افزایش طلاق، کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی، تغییر در سبک زندگی و نگرش نسبت به ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری، تغییر نگرش در زنان نسبت به خانواده و جایگاه زن در جامعه و مادر شدن، تغییرات در نگرش های جنسیتی زنان و مردان، زنانه شدن ساختار قدرت در خانواده، کاهش اقتدار مردانه، فردگرایی ناشی از مدرنیته، عرفی گرایی و دوری از شریعت و نزدیکی به دین معنوی و غلبه ارزش های مادی، کاهش اطاعت پذیری فرزندان از والدین، کاهش ارتباطات درون خانواده، سهل انگاری خانواده در تربیت اعتقادی و رفتاری فرزندان، کم رنگ شدن حریم ها در روابط دوستانه، افزایش روابط دختر و پسر، ازدواج سفید، نگهداری حیوان در منزل، بدپوششی و نمایش بدن و... نشانه هایی از این تغییرند. پیش بینی می شود در صورت عدم چاره اندیشی و تدبیر در مورد حکمرانی خانواده، روند تحولات، معضلات و چالش های مذکور شدیدتر شده و تحول در سبک زندگی ایرانی و اسلامی و پذیرش سبک زندگی مدرن با آموزه های خاص خود تقویت گردد.

افزایش مهاجرت و جابه جایی های جمعیتی به ویژه از مناطق مرزی کشور به سمت مرکز و سکونت آن ها در پیرامون شهرهای بزرگ به ویژه پایتخت نیز یکی از مسائل و چالش های اجتماعی، جمعیتی و امنیتی حال حاضر کشور است. یکی از آسیب های هویتی مهاجرت داخلی

حاشیه نشینی و افزایش جرم در کلان شهرها است. در صورت تداوم شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود، روند و میزان مهاجرت داخلی، روند مهاجرت نخبگان، سرمایه گذاران، دانشجویان و شهروندان جویای کار به خارج از کشور تشدید شده و روند بازگشت تحصیل کردگان و ایرانیان مقیم

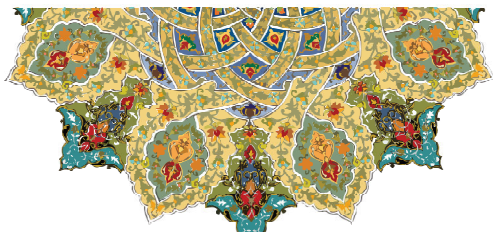
سیاست ها و طرح های حساسیت برانگیزی همچون تدریس ادبیات محلی، در صورت عدم ارزیابی و نظارت مستمر، ممکن است ضربات جدی بر پیکر زبان فارسی وارد آورد.

خارج به کشور کاهش می یابد. اعمال برنامه های مناسب اشتغال زایی در مناطق مهاجر فرست، توسعه رفاه، سلامت، بهداشت عمومی در مناطق محروم، تلاش در راستای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی روستایان و حمایت از نخبگان و تحصیل کردگان در داخل کشور و جذب آن ها در مراکز صنعتی، تولیدی مورد تأکید است.

در حالی که مهاجرت می تواند یک پدیده طبیعی و حتی مثبت از نظر اجتماعی و اقتصادی برای ایران باشد، رشد بدون ضابطه و گسترش آن چالش هایی از منظر اقتصادی (نیروی کار، جریان های مالی)، اجتماعی (بزه کاری، تغییر بافت اجتماعی شهرها، حاشیه نشینی، عدم جامعه پذیری) و امنیتی (ورود نیروهایی که می توانند به سرویس های امنیتی خارجی و یا حتی گروه های تکفیری وابسته باشند) ایجاد می کند. ورود گسترده افغانستانی ها به کشور پس از استقرار دوباره طالبان به قدرت، نگرانی هادر جامعه نسبت به افزایش جمعیت افغانستانی ها را بیشتر کرده و وقوع برخی اتفاقات و برجسته سازی آن از سوی مخالفان و معاندان باعث دامن زدن و تحریک حساسیت مردم نسبت به آنان شده است. برای مدیریت موضوع، توجه به تجارب سایر کشورها، احداث اردوگاه های اسکان موقت برای مهاجران تدوین برنامه های هدفمند و منسجم در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی برای آموزش و توانمندسازی اتباع خارجی، ایجاد سیستم پناهجویی و برخورد با افراد غیر مجاز ضروری است.

ضدیت مقامات امریکایی و رژیم صهیونیستی با نظام ایران نیز در سال ۱۴۰۲ قابل توجه بود. آن ها از هیچ فرصتی برای محکومیت ایران و حمله به مواضع جمهوری اسلامی مضایقه نکردند. اوج این شرارت ها را نیز در حمله به مواضع مقاومت در منطقه مشاهده کردیم. فشار حداکثری بر ایران که از دوره ترامپ آغاز شد، با روی کار آمدن بایدن تا حدی تخفیف یافت؛ اما این تغییرات کافی نبود و همچنان کشورمان از تحریم های ظالمانه رنج می برد.

در این رابطه، مواضع امریکا و رژیم صهیونیستی در قبال ایران در سال ۱۴۰۲ را باید به دو دوره ی قبل از عملیات الاقصی و بعد



بوده است.

نکته دیگر اینکه ایران یکی از مهم‌ترین قربانیان

تروریسم در جهان تلقی می‌شود که هم از ناحیه تروریسم محلی، هم از تروریسم تکفیری و هم از افزایش تروریسم منطقه‌ای ضربه دیده است. علاوه بر این‌ها، در ایران اقدامات تروریستی برخی دولت‌های حامی تروریسم از جمله رژیم صهیونیستی هم سال‌هاست به مسئله‌ای جدی بدل شده است. به عبارتی، در حالی که تروریسم تکفیری به دلیل کاهش قدرت تکفیری‌ها در عراق و سوریه، نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به سال‌های گذشته دارد و تروریسم محلی نیز تضعیف شده است، اکنون از مهم‌ترین تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی، رشد فزاینده قدرت جاسوسان خارجی، حمله‌های سایبری تروریسم و ترور دانشمندان ایران خواهد بود. در کنار این‌گونه از تروریسم، احتمالاً ایران همچنان تحت تأثیر رشد فعالیت‌های گروه‌های تروریستی منطقه‌ای و ناامنی در مرزهای ایران، به‌ویژه در مرز افغانستان خواهد بود. در این رابطه، داعش خراسان (با انجام چند عملیات در شیراز و کرمان) و تحریک طالبان پاکستان به‌مثابه دو گروه محلی، در حال تقویت جایگاه خود بوده و حملات و عضوگیری آن‌ها در آن‌سوی مرزهای شرقی کشور، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

● برآیند

مسئله مهمی که باید به آن اشاره کرد، مدیریت مسائل سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توسط دولت سیزدهم در سال آینده است. نگاه‌های بسیاری به میزان کارآمدی این دولت در حل مشکلات و مسائل دوخته شده است و بدون شک این روند در تیررس رصد نیروهای خارجی و عناصر ضدانقلاب نیز قرار دارد. توصیه می‌شود مسئولان محترم با تمام توان، عزم خود را برای حل کاستی‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی فراهم کنند و تبلیغات دشمنان را در زمینه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در حل بحران‌ها خنثی کنند. با توجه به اینکه مشکلات اقتصادی در کشور وجود دارد، انتظار می‌رود مسئولان محترم با تدابیر دقیق و درست، در صدد رفع مشکلات معیشتی مردم برآمده و ضمن از بین بردن زمینه نفوذ نیروهای معاند، مردم را به کارآمدی نظام اسلامی پیش‌ازپیش امیدوار سازند.

به صورت کلی، می‌توان گفت تحولات خارجی با کاهش توان اقتصادی ایران، ادامه روند تحریم‌ها و فعالیت‌های ضدایرانی دشمنان در سال ۱۴۰۲، تاحدی برای ایران چالش ایجاد کرده است؛ از این‌رو، دولت برای عبور از مشکلات نیازمند اتخاذ تدابیر هوشمندانه‌تر و عملی‌تر در عرصه جهانی و بهره‌گیری مناسب از توان داخلی برای مقابله با موانع پیش‌روست.

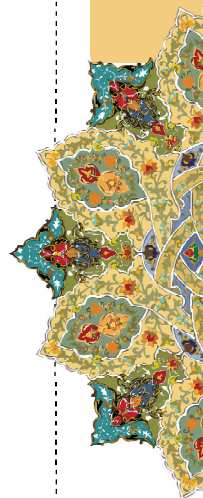
از آن تقسیم کرد. قبل از این عملیات مجموعه‌ای از تهدیدها از سوی رژیم صهیونیستی مبنی بر حمله به تأسیسات اتمی ایران مطرح می‌شد؛ حتی در کنفرانس امنیتی هرترالیا نیز کارشناسان رژیم صهیونیستی ادعا داشتند که اسرائیل باید با امریکا را متقاعد به پشتیبانی از حمله به ایران بکند و یا بدون پشتیبانی امریکا، خود مستقیماً وارد عمل شود. این رژیم که در حال محکم کردن

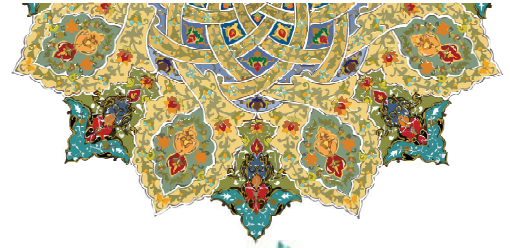
نگرانی ایران از مرزهای مشترک با افغانستان به لحاظ امنیتی، موضوع پناهندگان افغان و همچنین، آب‌های مشترک مرزی از مسائل مهم سال ۱۴۰۲ بوده است.

اتحادهای خود با اعراب بود با عملیات الاقصی اکنون مسئله‌ی دفاع از موجودیت خود را در درجه‌ی اول اولویت قرار داده و همچنین، حمله به مراکز مستشاری ایران در سوریه را افزایش داده است. در سال ۱۴۰۲ ضدانقلاب از جمله سلطنت‌طلبان بسیار مورد توجه رژیم صهیونیستی قرار گرفتند؛ به طوری که رضاپهلوی سفری را در ابتدای سال به تل‌آویو انجام داد.

برخی کشورهای منطقه، بیش از همه تلاش کردند به تحریک مسائل قومی در ایران بپردازند؛ در این راه از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی خود نیز بهره گرفتند. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری ترکیه و جمهوری آذربایجان بر آذری‌های ایران نسبت به گذشته بیشتر شده و برخی جریان‌های سلفی تکفیری نیز در خوزستان با تحریک کشورهای منطقه فعال هستند که این مسئله هوشیاری بیشتری می‌طلبد. البته پس از توافق ایران و عربستان در سال ۱۴۰۲، این تحولات تا حدود زیادی کاهش یافت.

روی کار آمدن طالبان نیز علاوه بر حوزه‌های سیاسی و فرهنگی، بخشی از جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار داد. با توجه به اینکه برخی از جریان‌های مذهبی اهل سنت در شرق کشور، نسبت به طالبان همسویی فکری و اندیشه‌ای دارند، قدرت گرفتن طالبان در افغانستان از سوی آن‌ها مورد حمایت قرار گرفت. در حالی که بیش از دو سال از بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان می‌گذرد، این کشور با مشکلات متعددی مانند فقر فزاینده، عدم مشروعیت بین‌المللی، تنش‌آفرینی در مرزهایش با پاکستان و ایران، افزایش قدرت و ظرفیت گروه‌های تکفیری مانند داعش خراسان و القاعده روبه‌روست و روابط پیچیده‌ای با گروه‌های تکفیری دارد. همچنین، در حال تشدید فشارها بر جوامع غیرحنفی و غیرپشتون است و در تعارض با تشیع، ایران فرهنگی و زبان فارسی، قوانین نوشته و نانوشته تازه‌ای را اجرایی می‌کند. نگرانی ایران از مرزهای مشترک با افغانستان به لحاظ امنیتی، موضوع پناهندگان افغان و همچنین، آب‌های مشترک مرزی از مسائل مهم سال ۱۴۰۲





تحلیل

روز قدس و هویت

■ دکتر رمضان شعبانی سارویی^(۱)

● درآمد

پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرات شگرفی بر جهان، منطقه غرب آسیا و رژیم صهیونیستی داشته است. تبدیل سفارت رژیم صهیونیستی به سفارت فلسطین، حمایت‌های همه‌جانبه از گروه‌های فلسطینی، قطع رابطه دیپلماتیک و سیاسی با رژیم غاصب، حمایت از شکل‌گیری حزب‌الله لبنان، غاصب خواندن این رژیم در افکار عمومی جهان، حمایت از کشورهای عربی حامی جریان مقاومت و اعلام روز قدس در حمایت از مردم مظلوم فلسطین و بسیج جهانی علیه رژیم صهیونیستی از جمله پیامدهای این رویداد بزرگ بوده است.

روز قدس یادگار امام خمینی (ره) رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی است که پس از ۴۴ سال، به یک باور عمیق و به شاخص و شعار تمدنی انقلاب اسلامی تبدیل شده است؛ ابتکاری که آرمان‌های دینی، انسانی، سیاسی و تاریخی امت اسلام را با قداست «شهرالله» پیوند داده و زمینه‌ساز بازیابی هویت اسلامی شده است؛ حرکت و قیام آزادگان جهان در حمایت از قدس

رویداد بزرگ و پرشتاب طوفان الاقصی در غزه و حمایت قاطع جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت در منطقه از آن، اهمیت و ضرورت حمایت از قدس و فلسطین را در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳، در اجابت به دعوت رهبران انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در گوش جهانیان طنین انداز می‌نماید.

به‌عنوان قبله اول مسلمانان و مردم مظلوم فلسطین در طول پنج دهه گذشته که با استمرار همان صلابت و تدبیر امام‌راحل از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی از مرز جغرافیا، سیاست و ملیت فراتر رفته و آن را به سرمنشأ جریانی امتی و جهانی تبدیل کرده است. رویداد بزرگ و پرشتاب طوفان الاقصی در غزه و حمایت قاطع جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت در منطقه از آن، اهمیت و ضرورت حمایت از قدس و فلسطین را در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳، در اجابت به دعوت رهبران انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در گوش جهانیان طنین انداز می‌نماید که: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند

و جمیع مسلمانان جهان رادعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان رادرحمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام‌نمایند» (صحیفه امام، ج ۹، ۲۶۷).

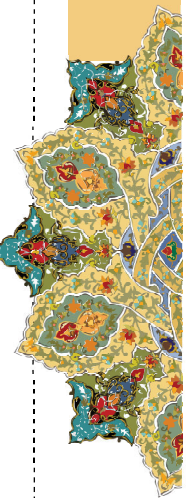
امروزه مسلمانان به‌ویژه مردم فلسطین به این باور رسیده‌اند که آخرین راه و امید برای آزادی فلسطین، همان است که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در طول سه دهه گذشته بر آن صحه گذاردند که: «در داخل فلسطین باید این شعله‌ی مقدس (انتفاضه) روز به روز پرافرورخته‌تر بشود و... پشتیبانی عمومی دنیای اسلام از بیرون و مبارزه واقعی و محسوس ملت فلسطین در داخل، این دو باهم مشکل را حل خواهد کرد و سر دشمن فلسطین را به سنگ خواهد کوبید» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۶ فروردین ۱۳۷۰).

بازخوانی و ترسیم مؤلفه‌های هویتی روز قدس، و وظیفه مستمر رهبران، نخبگان و نیروهای عملیاتی جبهه مقاومت برای حفظ اصالت و هویت اسلامی و پیشگیری از تحریف آن توسط دشمنان و رسانه‌های استکباری و راهبری جبهه مقاومت در مواجهه با رژیم صهیونیستی و نظام سلطه است. بر این اساس، این نوشتار درصدد و اکاوی ابعاد هویتی روز قدس است.

● مکتب انقلاب اسلامی و روز قدس

۱- روز قدس و امام خمینی (ره)

در مکتب امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های پرتکرار، مفاهیم فلسطین، قدس، رژیم غاصب صهیونیستی و روز قدس است. با بررسی مجموعه سخنان حضرت امام (ره) در مورد روز قدس، به‌راحتی می‌توان به فراگیر بودن و جهانی بودن این مفهوم در نظر امام پی برد. نکته‌ای که باید در اینجا بدان اشاره کرد این است که امام دست روی نقطه‌ای گذاشته‌اند که وجه مشترک همه مسلمین از همه طیف‌هاست و مسئله‌ای فرامذهبی و فراملی است که این خود باعث انسجام و وحدت کلمه در درون جامعه اسلامی می‌گردد و کسی نمی‌تواند با بومی کردن آن بقیه را از پرداختن به این مسئله منع کند.



حق از باطل است،

روز جدایی حق و باطل است».

نمود عرفان سیاسی امام در این جمله ایشان در مورد این روز دیدنی است؛ آنجا که می‌فرمایند: «در شب قدر مسلمانان با شب‌زنده‌داری و مناجات، خود را از قید بندگی غیرخدای تعالی که شیاطین جن و انس‌اند، رها کرده و به عبودیت خداوند درمی‌آیند و در روز قدس که آخرین روزهای شهرالله اعظم است، سزاوار است که همه مسلمانان جهان از قید اسارت و بندگی شیاطین بزرگ و ابرقدرت‌ها رها شده و به قدرت لایزال الله بپیوندند و دست جنایتکاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را بگسلانند».

همچنین، امام در پی بسیج کردن توده‌ها برای مبارزه با استکبار بودند و لذا از اثر شعارهای داده‌شده در این روز هم غافل نبوده‌اند و فرمودند: «مسلمین باید فریاد کنند، گمان نکنند که فریاد و شعار فایده ندارد؛ نخیر، شعار فایده دارد؛ اما اگر همه فریاد بزنند، فریاد من تنها هیچ چیز نیست، فریاد یک محله یک شهر هیچ چیز نیست».

با بررسی و تعمق در مکتب امام خمینی (ره)، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های منظومه سیاسی ایشان پیرامون روز قدس عبارت‌اند از:

- هویت اسلامی: مهم‌ترین کلیدواژه‌ها و مفاهیم دال بر هویت اسلامی روز قدس در ادبیات سیاسی امام راحل شامل برگشت به اسلام رسول‌الله، تکیه‌گاه مقاومت و ایمان اسلامی، برگشت به اسلام صدر اسلام و اسلام رسول‌الله برای حل قضیه فلسطین است.

- اتحاد امت اسلامی: ایشان شرط نجات فلسطین را بازگشت به اسلام و متحد شدن جهان اسلام اعلام می‌کنند و مشکل فلسطین را مشکل جهان اسلام دانسته و حکمفرمایی عده‌ای اندک از صهیونیست‌ها بر یک میلیارد مسلمان را ننگ و عار می‌دانند.

- دشمن‌شناسی و افشای ماهیت رژیم صهیونیستی: امام خمینی (ره) خطرات دشمن صهیونیستی و توسعه‌طلبی این رژیم و عدم اکتفا به مرزهای فعلی، شریک دانستن آمریکا و انگلیس در ددمنشی‌های رژیم صهیونیستی، افشای ماهیت پلید رژیم صهیونیستی، نیرنگ‌ها و نقاط ضعف این رژیم را از مهم‌ترین محورهای اعلام نمودند: «من همان‌گونه که بارها و در سال‌های گذشته، قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم».

همچنین، مهم‌ترین خصصیت‌های رژیم صهیونیستی از منظر حضرت امام خمینی (ره) شامل اسلام ستیزی و نابودی مسلمانان، استیلا بر سرزمین‌های زرخیز اسلامی، توسعه‌طلبی (راهبرد نیل تا فرات)، مولود استکبار و ابزار استعمار، خطری بزرگ برای اسلام و

هوشیاری دیگر امام راحل (ره) در انتخاب زمان این روز است که از ظرافت خاصی برخوردار است؛ چراکه این روز در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان است و عموم مسلمین با تأثیر پذیرفتن از آثار معنوی این ماه پربرکت، خود را تهذیب و تزکیه داده‌اند که این عامل نیز خود بر نفوذ کلام امام بر قلوب امت اسلامی افزوده است.

درباره چیستی و ماهیت روز قدس، رجوع به بیانات امام خمینی (ره) بهترین راه برای شناخت این مفهوم در اندیشه ایشان است: «روز قدس، یک روز جهانی است؛ روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، در مقابل ابرقدرت‌هاست، روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند؛ روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می‌دانند و عمل می‌کنند به آنچه باید بکنند و منافقین، آن‌هایی که با ابرقدرت‌ها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی، در این روز بی‌تفاوت هستند، یا ملت‌ها را نمی‌گذارند که تظاهر کنند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود. باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین، باید همان‌طور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید، تمام ملت‌ها قیام کنند و این جرثومه‌های فساد را به زیاله‌دان‌ها بریزند. ... روز قدس روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم...».

تا آنجا که می‌فرمایند: «روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است، روزی است که باید بپرق جمهوری اسلامی در سراسر کشورها برافراشته شود، روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که دیگر آن‌ها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند... آن‌هایی که شرکت

**بازخوانی و ترسیم مؤلفه‌های هویتی روز قدس،
وظیفه مستمر رهبران، نخبگان و نیروهای عملیاتی
جبهه مقاومت برای حفظ اصالت و هویت اسلامی
و پیشگیری از تحریف آن توسط دشمنان و
رسانه‌های استکباری و راهبری جبهه مقاومت در
مواجهه با رژیم صهیونیستی و نظام سلطه است.**

ندارند، مخالف با اسلام هستند و موافق با اسرائیل و آن‌هایی که شرکت کردند، متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام که در رأس آمریکا و اسرائیل است؛ روز امتیاز



مردم مسلمان، جرثومه فساد و یغماگری است.

بهره‌مندی از قابلیت‌های جهان اسلام شامل بهره‌گیری از متن‌ایدئولوژی اسلام برای دفاع از حقوق مظلومین فلسطین؛ اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز قدس؛ احیای حج ابراهیمی با صدر قرار دادن مسئله فلسطین؛ تأکید بر مراسم براثت از مشرکین برای بیزاری از رژیم صهیونیستی در افکار امت اسلامی است.

– راهبرد نهایی حضرت امام خمینی (ره) برای قضیه فلسطین عبارت است از: مخالفت با طرح‌ها و قراردادهای سازش که منجر به شناسایی رژیم صهیونیستی شود؛ عدم تسلیم و مماشات با رژیم صهیونیستی؛ حذف و نابودی رژیم صهیونیستی از جغرافیای منطقه که از مهم‌ترین راهبردهاست.

۲- روز قدس و مقام معظم رهبری

در مکتب سیاسی مقام معظم رهبری، از مفاهیم و کلیه‌واژه‌های پرکاربرد ادبیات قدس شریف، روز قدس و رژیم غاصب و جنایتکار اسرائیل است.

– روز نابودی اسرائیل: مهم‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۴ این جمله بود که: «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، ان‌شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت» (دیدار اقدشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸).

ایشان در مورد دیگری نیز زوال رژیم صهیونیستی را اعلام نمودند: «صهیونیسم در مقابل موج نسل‌های رو به ازدیاد فلسطینی، طاقت نخواهد آورد» (دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱). «نباید شک کرد که شجره خبیثه اسرائیل هیچ پایه و پایگاه و استمراری نخواهد داشت و بی شک نابود خواهد شد» (دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵).

«قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت؛ او هم متلاشی خواهد شد. این قدرت جهنمی ماندنی نیست؛ اسرائیل هم ماندنی نیست» (دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۷۰/۵/۳۰).

– روز فریاد امت علیه ظلم: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، در ۲۱ مهر ماه ۱۳۸۵ فرمودند: «روز قدس در پیش است؛ روز فریاد امت اسلامی بر علیه ظلم و عدوان پنجاه‌ساله دشمنان امت اسلامی است. روز قدس را باید همه امت اسلام و همه ملت‌های اسلامی گرامی بدانند و شما مردم عزیز ایران نیز مثل هر سال، به توفیق الهی این روز را گرامی خواهید داشت» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۵/۰۷/۲۱).

همچنین، مقام معظم رهبری روز قدس را روز امت اسلامی اعلام کرده و می‌فرمایند: «چقدر سعی کرده‌اند در طول این سال‌ها روز قدس را که نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل است، تضعیف کنند. روز قدس نشان‌دهنده صف‌بندی حق و باطل، صف‌بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان‌کشنده صهیونیسم است که به وسیله دست متجاوز اشغالگران،

یکی از نگاه‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب، حمایت از گروه‌های مختلف جریان مقاومت در مبارزه با رژیم تروریستی و متجاوز اسرائیل بوده است.

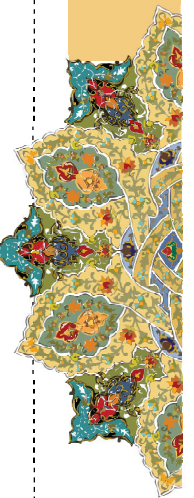
مداخله‌کنندگان، قدرت‌های استکباری به‌جان امت اسلامی افتاده است» (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۷/۰۶/۲۹).

– روز آزمایش ملت‌های بزرگ: مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملت‌های مسلمان است. روز قدس آن‌روزی است که ملت‌های مسلمان بی‌واسطه‌ی مقامات رسمی، حرفشان را در دنیا مطرح می‌کنند. ... دولت‌های اسلامی با بهانه‌های مختلف و برای خاطر شاد کردن دل امریکا، نباید ارتباطشان را با این رژیم غدار ستمگر غاصب که خطری برای همه منطقه و همه ملت‌ها و دولت‌هاست عادی کنند. نباید به خاطر امریکا، روی خوش به این رژیم نشان بدهند که این کار زشتی است. دلیل زشت بودن این کار هم این است که آن کسانی که مرتکب این عادی‌سازی

مهم‌ترین خصلت‌های رژیم صهیونیستی از منظر حضرت امام خمینی (ره) شامل اسلام‌ستیزی و نابودی مسلمانان، استیلا بر سرزمین‌های زرخیز اسلامی، توسعه طلبی (راهبرد نیل تا فرات)، مولود استکبار و از استعمار، خطری بزرگ برای اسلام و مردم مسلمان، جرثومه فساد و یغماگری است.

می‌شوند، لاقل در اوایل کار، آن را پنهان نگه می‌دارند؛ لذا کار زشتی است که پنهانش می‌کنند؛ کار زشت را نباید انجام داد، نه اینکه پنهان کرد» (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹).

– روز جلوه حقیقی اتحاد اسلامی و ملی: رهبر انقلاب اسلامی روز قدس را یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام دانسته و می‌فرمایند: «روز عید فطر تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته‌جمعی به حبل‌الله از چیزهایی است که بسیار با ارزش است. این را بایستی به‌عنوان یک درس رمضانی برای خودمان حفظ کنیم که این هم محصول همان معانی معنوی ماه رمضان است. به‌خصوص که ماه



می دانند: «یکی از آثار

این حرکت‌ها، ضعف و انزوای رژیم

صهیونیستی است؛ که این هم خیلی مهم است. چون رژیم صهیونیستی در این منطقه حقیقتاً غده‌ی سرطانی است و باید قطع شود و قطع خواهد شد؛ بنابراین، بر اثر این حرکت‌ها دچار ضعف و انزوای بیشتر از همیشه شد. جوانان فلسطینی

طراحی روز قدس و تبیین شعار مرگ بر اسرائیل به‌عنوان یک شعار عقیدتی و سیاسی، عنصر وحدت‌بخش و انسجام‌آفرین آحاد جامعه ایرانی در مواجهه با دشمن مشترک است.

نشاط پیدا کردند، امید پیدا کردند، به مبارزات خودشان و آینده‌ی خودشان امیدوار شدند. ملت‌ها امیدوار شدند».

- حمایت از الگوی مقاومت و جهاد دفاعی: رهبر معظم انقلاب الگوی پیروزی را مقاومت و جهاد می‌داند. «اگر همه امکانات جهان اسلام و حتی بخشی از آن در مسیر مقاومت اسلامی به کار گرفته شود، یقین بدانید رژیم صهیونیستی به زوال و نابودی کشیده خواهد شد.» «الگوی پیروزی، مقاومت و مبارزه البته با تحمل خسارت است.» «جهاد مردم فلسطین و جهان اسلام، جهادی علمی، سیاسی و اخلاقی است که دشوار و بلندمدت است.» «فلسطین پرچم جهاد و شرط اصلی موفقیت در جهاد، پای فشردن بر اصول است.» «استمرار مقاومت مردم فلسطین حق مشروع آنان است.» «پیروزی صرفاً در گرو مقاومت است».

- جنگ غزه: مقام معظم رهبری جنگ غزه را نماد جنگ سرنوشت‌ساز و تمدنی می‌داند: «میدان، میدان غزه و اسرائیل نیست، میدان، میدان حق و باطل است.» «عملیات طوغان الاقصی شکست غیرقابل ترمیم ... و ضربه فنی بود.» «مبارزه با اسرائیل بدون مبارزه با آمریکا نیست. جنگ در غزه کاملاً فلسطینی است.» «جنگ با رژیم صهیونیستی، جنگ سرنوشت است.» «پیروزی ملت فلسطین نشان داد که امت اسلامی می‌تواند از خود دفاع کند.» «مبارزان جهاد و حماس باید بر تلاش و عزم و همت خود بیفزایند.» «همه‌ی مسلمانان موظف‌اند با صهیونیست‌ها مقابله و معارضه کنند.» «دولت‌های اسلامی برای تأمین نیازهای حیاتی فلسطین با هم همدست شوند.» «مجرمین نسل‌کشی غزه و پشتیبانان آن‌ها باید محکوم و مجازات شوند.» «لزوم محاکمه سران دولت غاصب صهیونیستی.» «ماهیت واقعی رژیم صهیونیستی مبتنی بر خشونت و وحشی‌گری است.» «رژیم مستکبر آمریکا را بشناسید؛ اخلاق و انسانیت در منطق لیبرال‌دموکراسی بی‌ارزش است.» «حادثه تاریخ‌ساز

رمضان، برای ما مسلمان‌ها، به‌خصوص ما ملت ایران، به برکت امام بزرگوارمان شامل روز قدس است که روز قدس یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است» (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۷/۰۷/۱۰).

همچنین، رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «راهپیمایی بیست‌ودو بهمن و راهپیمایی روز قدس؛ این راهپیمایی‌ها مربوط به نظام است؛ مربوط به هیچ دولتی، مربوط به هیچ جریان خاصی نیست؛ مال نظام است. شما ببینید مردم در این حرکت عظیم چه می‌کنند! در سرمای بیست‌ودوم بهمن، در ماه رمضان، با دهان روزه؛ چه اوقاتی که هوا سرد بود، چه حالا که هوا گرم است. ان‌شاءالله خواهید دید روز قدس باز مردم چه عظمتی را از خودشان نشان می‌دهند. این نشان‌دهنده علاقه‌مندی و دل‌بستگی مردم به نظام است» (دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶).

- مخالفت با صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و روند سازش: «سازش خیانت و مبارزه وظیفه است؛ هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد.» «از راه دولت اسرائیل نمی‌شود فلسطین رانجات داد.» «دشمنی با غاصبان اسرائیلی، با دوستی با پشتیبانان همه‌جانبه صهیونیست‌ها نمی‌سازد.» «هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعاً یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ است.» «آن کسانی که با صهیونیست‌ها مذاکره می‌کنند، در جبهه اسرائیل قرار دارند.» «الگوی شکست، دل بستن به روش‌های سازش کارانه و کاسه‌گدایی صلح در دست گرفتن است.» - حمایت از مبارزه با رژیم صهیونیستی: یکی از نگاه‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب، حمایت از گروه‌های مختلف جریان مقاومت در مبارزه با رژیم تروریستی و متجاوز اسرائیل بوده است. «مادر قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی‌وسه روزه و پیروزی جنگ بیست‌ودو روزه بود. بعد از

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با الهام از تعالیم حیات‌بخش اسلام و در امتداد انقلاب اسلامی با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام روز قدس، آرمان‌رهای قدس شریف از جنگال تروریسم صهیونیستی را به دست ملت‌های جهان اسلام و سایر ملل آزاده سپردند و روح جدید را در کالبد جهان اسلام دمیدند.

این‌هم‌هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است.»

ایشان پیامد حمایت از مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل را ضعف و انزوای این رژیم و نشاط و امیدواری ملت فلسطین



طوفان الاقصی

علیه رژیم صهیونیستی است؛ اما امریکازدایی است؛ «طوفان الاقصی توانست جدول سیاست‌های امریکا در منطقه را به هم بریزد و انشاءالله ادامه پیدا کند؛ جدول را محو خواهد کرد»؛ «دنیای آینده، دنیای فلسطین است... دنیای آینده، دنیای رژیم غاصب صهیونیستی نیست»؛ «فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلام است».

- راهبردهای نهایی: راهبردهای نهایی مقام معظم رهبری در موضوع فلسطین عبارت‌اند از: «همه فلسطین برای همه مردم فلسطین، فلسطین از نهر تا بحر»؛ «هر یک و جب از خاک فلسطین، خانه مسلمین است»؛ «مدعای ما آزادی فلسطین است نه بخشی از فلسطین»؛ «همه‌پرسی از ملت فلسطین اعم از مسلمان»؛ «طرح دو دولت یعنی پذیرش مشروعیت دولت صهیونیستی»؛ «هدف در مسئله فلسطین، محو دولت اسرائیل است».

• نسبت روز قدس و هویت

ابتکار گران قدر، بی نظیر و راهبردی حضرت امام خمینی (ره) در نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس، مسئله فلسطین و قدس شریف را با سطوح مختلف هویت در مقیاس ملی، امتی و جهانی پیوند زده و در طول ۴۴ سال گذشته این مناسبت را به مثابه رسانه‌ای برای بازتاب و پژواک فریاد مظلومیت مردم فلسطین و ستمکاری صهیونیسم غاصب قرار داده است.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با الهام از تعالیم حیات‌بخش اسلام و در امتداد انقلاب اسلامی با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام روز قدس، آرمان‌رهای قدس شریف از چنگال تروریسم صهیونیستی را به دست ملت‌های جهان اسلام و سایر ملل آزاد سپردند و روح جدید را در کالبد جهان اسلام دمیدند.

ثمرات ارزشمند روز قدس از همان ابتدا با شکل‌گیری پراثت و نفرت از رژیم صهیونیستی اسرائیل در عرصه افکار عمومی و فضای ملی ایران مشخص و سپس، با شکل‌گیری نفرت عمومی در جهان اسلام و جنبش‌های جهادی مردم‌پایه برای مقاومت علیه تجاوزگری صهیونیسم آشکار و با توسعه مقاومت اسلامی معادلات سیاسی و امنیتی غرب آسیا در طول بیش از چهار دهه گذشته دستخوش تحول شده است. همچنین، در سطح جهانی متناسب با جنایات رژیم صهیونیستی، بیداری جهانی و نفرت از ظلم و تجاوز به مردم فلسطین علیه رژیم غاصب اسرائیل و حمایت

از مردم فلسطین در سال‌های اخیر گسترش یافته است؛ بنابراین، رابطه روز قدس و هویت را می‌توان در سه سطح زیر مورد بررسی قرار داد.

۱- سطح ملی

اولین سطح هویتی روز قدس یک پیام سیاسی به‌شمار می‌آید؛ به این معنا که اسرائیل همانند یک غده سرطانی است که به

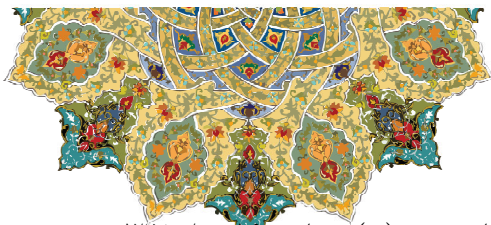
هویت انقلاب اسلامی از یکسو در پیوند با امت اسلامی و ازسوی دیگر، در تعامل و هم‌افزایی با آحاد جامعه بشری در تقابل با صهیونیسم جهانی است.

دنبال تفرقه در جهان اسلام است و موجودیت خود را با انقلاب اسلامی و سرپنجه‌های ایران قوی در منطقه غرب آسیا در تعارض هویتی و راهبردی می‌بیند؛ بنابراین، برای حفظ حیات و استحکام رژیم نامشروع و غاصبانه خود، در صدد طراحی تهاجم‌ها و فشارهای گوناگون به نظام جمهوری اسلامی است. حمایت از عملیات‌های تروریستی و ترور چهره‌های هسته‌ای ایران مانند شهید شهر یاری، شهید علیمحمدی، شهید احمدی‌روشن و شهید فخری‌زاده تا انواع فشارهای اقتصادی، جنگ روانی و تهاجم ترکیبی با بهره‌گیری از شیوه‌ها و راهبردهای گوناگون برای ضربه زدن به مهم‌ترین دشمن خود در جهان یعنی جمهوری اسلامی با حمایت و پشتیبانی نظام سلطه غرب است.

روز قدس از یک منظر، روز پشتیبانی از امنیت کشور در برابر تهاجم‌های سگ‌هار دست‌پرونده تمدن غرب علیه جمهوری اسلامی است. در این مقیاس ملی، طراحی روز قدس و تعیین شعار مرگ بر اسرائیل به‌عنوان یک شعار عقیدتی و سیاسی، عنصر وحدت‌بخش و انسجام‌آفرین آحاد جامعه ایرانی در مواجهه با دشمن مشترک است. بسیج ملی در ایجاد اتحاد در برابر دشمن صهیونیستی و تولید و تقویت نفرت از چنین رژیم پلید و مخمل امنیت ملی، ضمن حفظ انسجام و وحدت ملی، از عناصر بازدارندگی در مقابله یک رژیم تروریستی است. مقام معظم رهبری نیز روز قدس را پشتوانه امنیت کشور دانسته و می‌فرماید: «روز قدس پشتوانه امنیت کشور ما هم هست. این را همه آحاد مردم عزیز ما بدانند؛ هر یک نفری که روز قدس توی خیابان می‌آید، به سهم خود دارد به امنیت کشور و امنیت ملت و حفظ دستاوردهای انقلابش کمک می‌کند. روز قدس، روز بزرگی است» (دیپار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

۲- سطح امتی

دومین مقیاس هویتی روز قدس نشان دادن مخالفت همگانی جهان اسلام با موجودیت رژیم نامشروع اسرائیل است. ابتکار



● برآیند

صلور پیام امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۵۸ و دعوت از عموم مسلمانان و مستضعفان جهان برای حمایت از مردم فلسطین در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس، ابتکاری حکیمانه و راهبردی بود که با وجود گذشت بیش از ۴۴ سال از صدور آن، همچنان توسط ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان در جهت رهایی فلسطین از اشغال صهیونیست‌ها دنبال می‌شود.

از مهم‌ترین اهداف جهانی رهبران مکتب انقلاب اسلامی در نام‌گذاری روز قدس، بسیج عمومی مسلمانان و آزادگان جهان، آزادی قدس شریف و پیوند بین مستضعفان جهان است. مهم‌ترین کارویژه‌های نام‌گذاری روز قدس در مکتب انقلاب اسلامی شامل اعلام همبستگی مسلمانان و مستضعفان جهان، تبدیل مسئله فلسطین به گفتمانی اسلامی، زنده نگه داشتن و در اولویت قرار دادن مسئله فلسطین، مقابله با صهیونیست‌ها و مستکبران، ترویج روحیه مقاومت و ایستادگی در مقیاس ملی، امتی و جهانی است.

واژه‌سازی، گفتمان‌سازی، جریان‌سازی و شبکه‌سازی، تدوین نقشه راه، تربیت چهره‌ها و رهبران و مدیران و تقویت انگیزه‌ها و توانمندی‌های بینشی، گرایشی و رفتاری از جمله راهکارهای راهبردی و عملیاتی در جهت نهادینه‌سازی روز قدس در سطوح ملی، امتی و جهانی است که می‌تواند به احیا و اعاده سرزمین فلسطین و قدس شریف و افول رژیم صهیونیستی منجر شود. قطعاً «جهاد تبیین» و «جهاد روایت» هفت دهه ظلم و تجاوز و جنایت رژیم صهیونیستی و غرب وحشی و درعین حال، ایستادگی، مقاومت و مبارزه مردم فلسطین و جبهه مقاومت، یکی از میدان‌های اصلی «جهاد کبیر» و ناکام گذاشتن دشمن در مواجهه جنگ ترکیبی و تمدنی غرب علیه قدس شریف و تمدن اسلامی است.

یادداشت

۱- مدرس، دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی و پژوهشگر معارف انقلاب اسلامی.

ماندگار امام خمینی (ره) در انتخاب روز قدس، ضمن نشان دادن مخالفت همگانی ملت‌های مسلمان و دنیای اسلام با موجودیت رژیم اشغالگر قدس، مایه تألیف قلوب و نوعی همگرایی در جهان اسلام شده که گام دوم برای وحدت اسلامی و تشکیل وحدت کلمه

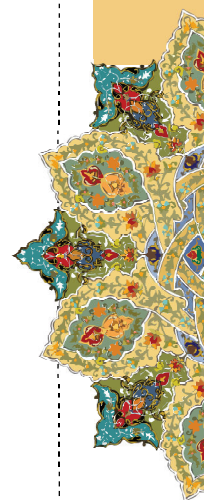
مهم‌ترین کارویژه‌های نام‌گذاری روز قدس در مکتب انقلاب اسلامی شامل اعلام همبستگی مسلمانان و مستضعفان جهان، تبدیل مسئله فلسطین به گفتمانی اسلامی، زنده نگه داشتن و در اولویت قرار دادن مسئله فلسطین، مقابله با صهیونیست‌ها و مستکبران، ترویج روحیه مقاومت و ایستادگی در مقیاس ملی، امتی و جهانی است.

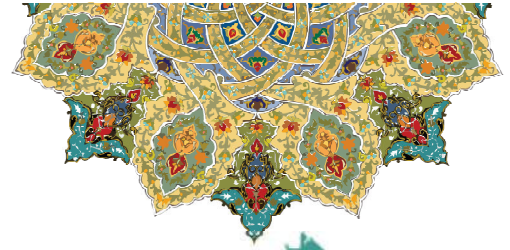
و راه برای رسیدن به امت واحده فارق از ملیت و نژاد و مذهب است. خارج کردن مسئله فلسطین از بعد ملی و تبدیل آن به بعد اسلامی از جلوه‌های برجسته بعد امتی هویت روز قدس است. دشمن صهیونیستی سعی داشت که این نبرد را به یک منازعه قومی و نژادی بین اعراب و اسرائیل تبدیل کند؛ اما با اعلام مواضع امام به عنوان یک مرجع بزرگ دینی در جهان اسلام، روحی تازه به بعد اسلامی فراموش شده و نیمه‌جان مبارزه با اسرائیل دمیده و باعث شد مبارزان فلسطین به جای انتخاب گزینه‌های چپ‌گرایی، ملی‌گرایی و ناسیونالیستی و حتی گرایش به غرب و سازش به گزینه مقاومت اسلامی ببیند. شکل‌گیری گروه‌های جهاد اسلامی به دست فتحی شقاقی و نیز جنبش مقاومت اسلامی (حماس) به دست شیخ احمد یاسین و رویگردانی مردم فلسطین از جنبش فتح در انتخابات مجلس ملی که جنبشی سکولار فاقد گزینه فوق بود و نیز حمایت و ایستادگی بیش از پنج ماهه از حماس در برابر جنایات رژیم صهیونیستی مؤید این نظر است.

۳- سطح جهانی

سطح سوم روز جهانی قدس در مقیاس هویتی تمدنی و جهانی است. هویت انقلاب اسلامی از یکسو در پیوند با امت اسلامی و از سوی دیگر، در تعامل و هم‌افزایی با آحاد جامعه بشری در تقابل با صهیونیسم جهانی است.

افکار عمومی جهان، انقلاب اسلامی را در مقابله با رژیم جنایتکار صهیونیسم می‌شناسد؛ از این منظر، نظام جمهوری اسلامی که مبدع روز قدس و بستر ساز ظهور است، همواره باید در تعامل با ملت‌ها و دولت‌های جهانی از نظر هویتی با قدرت نرم خود به شبکه‌سازی و جریان‌سازی بیداری ملت‌ها در جهت مقابله با اهداف صهیونیست‌ها حرکت کند.





تحلیلی بر دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران

■ دکتر داوود میرمحمدی^(۱)

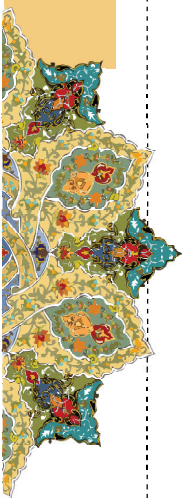
● درآمد

مشارکت سیاسی و انتخاباتی نمودی از کنش سیاسی مدنی و نمادی از مشارکت سیاسی مردم در اثرگذاری بر سرنوشت جامعه خویش است. یکی از ابزارها و راهکارهای عمده نظام‌های مردم‌سالار برای جلب مشارکت سیاسی و اجتماعی و تحقق عملی اراده جمعی مردم در ارکان نظام، مشارکت سیاسی و به تبع آن، انتخابات و برگزیدن افراد لایق برای تصدی مسئولیت‌ها است. صرف نظر از اینکه مردم به چه کسی رأی می‌دهند و چه کسی کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی را در انتخابات به دست آورد، انتخابات واجد جنبه‌های دینی، حقوقی، سیاسی و ملی و نمایش‌دهنده وجه مهم «مشارکت‌پذیری» است. اصولاً در انتخابات افراد با توجه به هویت فردی و اجتماعی و نگرش و شناخت خود، به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق سازوکارهای مدنی به بیان مطالبات و خواسته‌های خویش می‌پردازند و با گزینش شخص یا جریان سیاسی فکری مطلوب خود، دیدگاه خود را درباره نحوه اداره امور جامعه اعلام می‌نمایند. جدی قلمداد نمودن فرایند انتخابات و مشارکت در آن دلالت بر آن دارد که نیروهای اجتماعی به جای مقابله و انفعال سیاسی، راهبرد مشارکت در سیستم سیاسی را انتخاب نموده‌اند؛ علاوه بر این، مشارکت سیاسی و انتخاباتی قادر است تقاضاها و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان را تبیین نموده و دیدگاه‌های آن‌ها را به کاندیدها تفهیم نماید. مطالعه انتخابات و رفتار انتخاباتی، رابطه متقابل جامعه و حکمرانی را تبیین کرده و برای همین، از اساسی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی تلقی می‌شود. متأثر از عوامل و زمینه‌های مختلف، رفتار انتخاباتی شهروندان در هر انتخابات می‌تواند تغییرات چشمگیری داشته باشد. ضمن اینکه شاخص‌های اجتماعی متنوعی همچون تعلق به هویت محلی و ملی، رسانه‌ها، اثربخشی سیاسی، اعتماد سیاسی و غیره می‌توانند در تغییر

الگوهای رفتار انتخاباتی شهروندان تأثیر بسزایی داشته باشند. این موضوع به دلایل متعدد مستلزم بررسی بیشتری است تا معلوم شود چه عوامل اجتماعی در تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان تأثیرگذار بوده و اینکه از بین عوامل اجتماعی مختلف، کدام بعد از آن‌ها سهم و نقش بیشتری در تعیین نوع رفتار مذکور داشته است. هدف این مقاله بررسی و توصیف وضعیت و نرخ مشارکت در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور و کم و کیف آن در استان‌ها است. بررسی دقیق و عالمانه علل و عوامل مؤثر بر ماهیت و نوع رفتار انتخاباتی شهروندان، چرایی کاهش و یا افزایش آن در سطح ملی و برخی استان‌ها با توجه به اینکه نیازمند انتشار آمار و یافته‌های پیمایش جدید می‌باشد زود هنگام است بنابراین، سؤال اصلی این مقاله این است که میزان رأی در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور چگونه و واجد چه ویژگی‌هایی بوده است؟

● توصیف و تحلیل نرخ مشارکت انتخاباتی در کشور

هر انتخاباتی به تناسب شرایط و موقعیت زمانی و روند تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره، حائز اهمیت است. انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ایران، با توجه به اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای، وضعیت تحریم‌های بین‌المللی، صف‌بندی جریان‌ها و کشورهای غربی و منطقه و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. شکست‌ها و ناکامی‌های امریکا و متحدان او در منطقه غرب آسیا ایالات متحده و برخی دیگر از کشورهای غربی را درباره تحولات سیاسی منطقه و جهان در آینده نگران ساخته و این تحولات روزبه‌روز بر عمق راهبردی ایران در منطقه و جهان افزوده و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی متکی بر قدرت نظامی امریکا را در منطقه با شکست مواجه ساخته





جدول شماره ۱: مقایسه نرخ مشارکت انتخابات مجلس یازدهم و دوازدهم به تفکیک استان

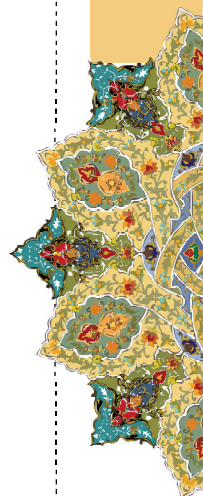
نرخ مشارکت مجلس دوازدهم	نرخ مشارکت مجلس یازدهم	نام استان
۴۹	۷۱	کهگیلویه بویراحمد
۴۴	۶۶	خراسان جنوبی
۵۲	۶۱	یزد
۴۴	۶۱	سیستان و بلوچستان
۵۵	۵۷	خراسان شمالی
۵۵	۵۷	گیلان
۵۷	۵۳	مریزان
۵۳	۵۱	چهارمحال و بختیاری
۴۹	۵۱	کرمان
۴۶	۴۸	آذربایجان غربی
۴۷	۴۸	خراسان رضوی
۵۰	۴۷	بوشهر
۴۷	۴۷	لرستان
۴۸	۴۷	سمنان
۴۵	۴۴	بوئنهر
۴۲	۴۵	مازندران
۴۳	۴۵	انزلی
۴۵	۴۴	اصفهان
۵۰	۴۲	فی
۴۴	۴۱	هرمزبان
۴۱	۴۱	کرمانشاه
۴۱	۴۱	آذربایجان شرقی
۴۰	۴۱	آردلان
۴۱	۴۱	کربلا
۴۴	۳۱	مرکزی
۲۷	۲۴	اصفهان
۳۰	۲۴	کردستان
۳۸	۲۴	لریز
۴۲	۲۴	تهران
۴۱	۴۳	سیستان و بلوچستان

وزیر کشور طی مصاحبه‌ای، میزان مشارکت در کل کشور را ۴۱ درصد اعلام کرد که ۸ درصد آن آرای باطله است. استان کهگیلویه و بویراحمد همان‌طور که در انتخابات مجلس یازدهم بیشترین میزان مشارکت در کل کشور را داشت، در این دوره هم با ۶۴/۳ درصد است؛ با این تفاوت که نرخ مشارکت این استان در این دوره از انتخابات مجلس کاهش ۶ درصدی داشته است. استان خراسان جنوبی هم مانند انتخابات پیشین مجلس، دومین استان از لحاظ میزان مشارکت است که نسبت به دوره قبل افت ۲ درصدی داشته است. کمترین میزان مشارکت ۲۸ درصد و متعلق به استان البرز است که آمارش نسبت به انتخابات دور پیشین مجلس تغییری نکرده است. پس از آن، کردستان و تهران قرار دارند. بیشترین ریزش نسبی مشارکت متعلق به استان سیستان و بلوچستان است که از مشارکت ۶۰ درصدی در انتخابات مجلس یازدهم، ۱۷ درصد کاهش داشته و به رقم ۴۳ درصد

است. با این رویکرد، انتخابات دوازدهم به لحاظ اوضاع زمانی که در آن روند خصومت‌ها و تحریم‌ها از سوی استکبار جهانی تشدید شده، از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار بود. شایان ذکر است که درصد مشارکت مردم در انتخابات برای تمام حکومت‌ها مهم است، هراندازه درصد مشارکت بالاتر باشد، دولت و مجلس منتخب به همان اندازه پرقدرت وارد اداره امور و وضع قوانین

عقلانیتی در جامعه وجود دارد که با وجود نارضایتی از وضع مدیریت کشور و نابسامانی‌های موجود، همچنان مایل به بهبود مشکلات از طریق صندوق رأی است.

می‌شود و اگر میزان مشارکت پایین باشد ضمن اینکه مشروعیت و مقبولیت دولت‌ها خدشه دار می‌شود، منتخبان از پشتوانه کافی نیز برای پیشبرد برنامه‌هایشان برخوردار نخواهند بود. دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری در روز جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ با رأی‌گیری در ۱۲۱۸ حوزه انتخابیه اصلی و فرعی در سراسر کشور برگزار شد. براساس اعلام وزارت کشور، ۵۹ هزار شعبه اخذ رأی در ۳۱ استان مستقر بود که ۱۵ هزار شعبه آن سیار و ۴۴ هزار شعبه آن ثابت و همچنین، ۳۵ هزار شعبه شهری و ۲۴ هزار شعبه روستایی بود. مجموع واجدان شرایط اخذ رأی در کل کشور، ۶۱ میلیون و ۱۷۲ هزار و ۲۹۸ نفر بودند. ۳۰ میلیون و ۲۲۷ هزار و ۱۶۵ نفر از این تعداد را زنان و ۳۰ میلیون و ۹۴۵ هزار و ۱۳۳ نفر را مردان تشکیل داده‌اند. در این انتخابات، ۱۵ هزار و ۲۰۰ نفر (۱۲ درصد زن و ۸۸ درصد مرد) تأیید صلاحیت شده و برای کسب ۲۹۰ کرسی مجلس با یکدیگر به رقابت پرداختند. براساس اعلام خبرگزاری دولت، از مجموع واجدان شرایط رأی دادن، حدود ۲۵ میلیون نفر معادل ۴۱ درصد در انتخابات مشارکت کردند. برای نمایش بهتر نرخ مشارکت انتخاباتی در سطح کشور، روند مشارکت در دو دوره یازدهم و دوازدهم مجلس شورای اسلامی به تفکیک استان در جدول زیر ارائه می‌شود.





رسیده است. استان ایلام در رتبه بعدی قرار دارد که با کاهش ۷ درصدی به میزان ۵۳ درصد رسیده است. آمار مشارکت چهار استان افزایش داشته است که از این دسته، استان قم از ۴۳ درصد به ۵۰ رسیده است. استان یزد هم با افزایش سه درصدی به مشارکت ۵۰ درصد رسیده است. دو استان همدان و اصفهان نیز با صعود یک درصدی نسبت به دوره قبلی انتخابات مجلس، نرخ مشارکتشان افزایش پیدا کرده است. ۶ استان در انتخابات کمتر از ۴۰ درصد مشارکت داشته‌اند. در مجموع، از ۳۱ استان، ۹ استان ۵۰ و بیش از ۵۰ درصد، ۶ استان کمتر از ۴۰ درصد و ۱۶ استان بین ۴۰ تا ۴۹ درصد مشارکت داشته‌اند. تحلیلگران معتقدند این انتخابات ضمن شکستن پروژۀ تحریم‌کنندگان انتخابات، پیام قاطعی به «پدرخوانده‌های» جریان‌های سیاسی داشت.

جدول شماره ۲: نرخ مشارکت انتخاباتی در دوازده دوره مجلس شورای اسلامی

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
۵۱/۱	۴۹/۶	۵۸/۸	۵۷/۸	۷۱/۱	۶۱/۴	۵۱/۲	۵۵	۶۴	۶۱/۸	۶۶/۶	۶۱

برگزاری دوازده دوره انتخابات ریاست جمهوری، یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، مجلس خبرگان و همه‌پرسی نشان از عزم ساختار سیاسی برای اخذ رأی و نظر مردم در شئون مختلف دارد. در این رابطه، برای تفسیر دقیق‌تر روند مشارکت انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در زیر تلاش می‌شود نرخ مشارکت انتخاباتی در دوازده دوره انتخابات ارائه و مورد مقایسه قرار گیرد. براساس آمارهای ستاد انتخابات کشور، نرخ مشارکت انتخاباتی در دوازده دوره مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲ - ۱۳۵۸) به شرح زیر بوده است.

بررسی دوازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور نشان می‌دهد که بیشترین میزان مشارکت به پنجمین دوره از انتخابات باز می‌گردد که در تاریخ ۱۸ اسفندماه سال ۱۳۷۴ برگزار شد. در این دوره، میزان مشارکت ۷۱/۱ درصد و دومین مشارکت بالا نیز مربوط به مجلس ششم است که ۶۷/۴ درصد رأی دادند. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در سال ۱۳۹۸ که انتخابات مجلس یازدهم برگزار شد، میزان مشارکت برای اولین بار به زیر ۵۰ درصد رسید و در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای سال ۱۴۰۰ نیز این مشارکت زیر ۵۰ درصدی (۴۸/۸ درصد) ادامه یافت و اکنون در سال ۱۴۰۲، بار دیگر شاهد مشارکت زیر ۵۰ درصدی در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان هستیم. روندها مؤید آن

است که درصد مشارکت بعد از مجالس ششم و دهم کاهش داشته است. به همین دلیل لازم است حکمرانی انتخاباتی عوامل و موانع کاهش مشارکت ۵۰ درصدی را شناسایی و برطرف سازد. از زمان انتخابات مجلس اول تا مجلس دوازدهم، کمترین میزان مشارکت به مجلس اول و هفتم، یازدهم و دوازدهم به ترتیب با ۵۲/۱ و ۵۱/۲ درصد، ۴۲/۶ و ۴۲ درصد و بیشترین آن هم به دوره پنجم انتخابات با مشارکت ۷۱/۱ درصدی اختصاص داشت. تجربه برگزاری دوازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان از آن دارد که مشارکت‌ها در هر دوره نوساناتی داشته که البته این نوسانات در میزان مشارکت‌ها تابع عوامل مختلفی بوده است. تغییر قانون انتخابات در مؤلفه‌هایی چون میزان حدنصاب آرا برای ورود به پارلمان، تغییر سن رأی‌دهندگان در دوره‌های مختلف و... از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش میزان مشارکت است؛ اما تغییرات در میزان مشارکت تابع عوامل دیگری همچون انگیزه بدنه رأی برای حضور در انتخابات و میزان رد و تأیید صلاحیت کاندیداها و... نیز است. سن رأی‌دهندگان نیز براساس مصوبه شورای انقلاب و نخستین قانون انتخابات مجلس در سال ۱۳۶۲ که تا انتخابات مجلس پنجم حاکم بود، شانزده سال در نظر گرفته شده بود؛ اما با اصلاحیه سال ۱۳۷۸، سن رأی‌دهندگان به پانزده سال تغییر پیدا کرد و انتخابات مجالس ششم و هفتم با این شرایط برگزار شد؛ اما براساس اصلاحیه‌ای که سال ۱۳۸۵ در مجلس هفتم بر قانون انتخابات صورت گرفت، سن رأی‌دهندگان متناسب با اصلاحات قوانین انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای هجده سال افزایش یافت تا به گفته نمایندگان «تعقل» در انتخاب بیشتر شود. به همین دلیل بود که شمار کسانی که حق رأی داشتند در انتخابات مجلس هشتم، کمتر از انتخابات مجلس هفتم شد و میزان مشارکت نیز کاهش یافت.

● مقایسه تطبیقی میزان مشارکت در برخی کشورهای اروپایی
مقایسه نرخ مشارکت انتخاباتی در ایران و برخی کشورهای اروپایی نشان می‌دهد در ایران درصد مشارکت‌ها به‌رغم گذشت، بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، به‌مراتب بیشتر از کشورهای غربی است. برای نمونه، نرخ مشارکت در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در امریکا هیچ‌گاه از ۵۰ درصد عبور نکرده و به‌مراتب، کمتر از انتخابات ریاست جمهوری بوده است. میزان مشارکت در این انتخابات در سال ۲۰۰۶، حدود ۴۰/۱ درصد، در سال ۲۰۱۰، ۴۱ درصد، در سال ۲۰۱۴، ۳۶/۷ درصد و در سال ۲۰۱۸ به ۴۹/۶ درصد رسید و نتوانست از ۵۰ درصد عبور کند. در فرانسه نیز انتخابات



را تصویب کرده‌اند؛
در آرژانتین، استرالیا،

برزیل، بلژیک، بولیوی، لوکزامبورگ،

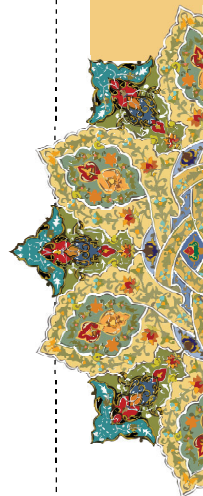
یونان، کره شمالی، پرو، سنگاپور و اروگوئه و بخش‌هایی از سوئیس، رأی‌دهی اجباری به صورت جدی اجرا می‌شود و در این کشورها، در صورت عدم شرکت فرد در انتخابات، مجازات‌هایی برای وی اعمال می‌شود. در بلژیک، استرالیا، بولیوی، سنگاپور، یونان، برزیل، ترکیه، پرو، مصر، آرژانتین نیز سیاست رأی اجباری اعمال می‌شود.

• تحلیل و ارزیابی نتایج انتخابات مجلس دوازدهم

در سال‌های اخیر و در انتخابات عمومی و محلی کشورهای مختلف، چیزی که بسیار مشهود است کاهش مشارکت مردم بوده و آمار مشارکت نسبت به دوره‌های قبل کمتر شده است. انتخابات مجلس دوازدهم به رغم مشارکت ۴۱ درصدی که در نوع خود و در مقایسه با متوسط نرخ جهانی قابل توجه است و در تمام طرف‌های دخیل در ماجرا، تعجب را رقم زد؛ اما باید به دقت به سؤال غامض و خطیر تأمل کرد که چرا این دوره از انتخابات در جدول میزان مشارکت بین تمام ادوار انتخابات مجلس، در رده آخر نشست؟ سهم عوامل مختلف در شکل‌گیری شرایط کنونی چقدر بود؟ کدام قصورها، تقصیرها، سوءتدبیرها و سوءمدیریت‌ها به چنین وضعیتی انجامید؟ چرا برای تحقق راهبردی که مقام معظم رهبری از ابتدای سال جاری برای انتخابات مقرر کردند و چهار ویژگی مشارکت، رقابت، امنیت و سلامت را برای آن مطالبه نمودند تلاش کافی صورت نگرفت؟ کنش مشارکتی از طریق سه شاخص محوری داوطلبانه بودن، آگاهانه بودن و مسئولیت‌پذیری از کنش غیرمشارکتی تفکیک می‌شود. عنصر اساسی در مشارکت اجتماعی و سیاسی، آگاهی و رغبت است؛ به طوری که برخی آن را تقبل آگاهانه انسجام‌بخشی امور در شکل همیاری و همکاری از روی رغبت به قصد بهبود و بهسازی زندگی اجتماعی می‌دانند. در کنار آن، درک اینکه چه عواملی بر مشارکت رأی اثر می‌گذارد و تحلیل محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، یک کشور نیازمند تجزیه و بررسی تمام عوامل احتمالی در دو سطح خرد (فرد) و کلان (نهادهای و تعامل فرد با ساختار) است که بر رفتار رأی‌گیری - رأی‌دهی مؤثر خواهند بود. برخی از متغیرها که بر میزان مشارکت تأثیر گذارند عواملی هستند که به زمینه سیاسی که رقابت در آن شکل می‌گیرد ارتباط دارد. افزایش مشارکت مردم در انتخابات متأثر از متغیر سیاسی اعتماد عمومی، توجه به مسائل حیاتی، قطعی شدن جامعه، جایگاه نهاد سیاسی و احزاب، ادراک فساد،

مجلس قانون‌گذاری در سال ۲۰۲۲ برای انتخاب ۵۷۷ نماینده این مجلس به دور دوم کشیده شد و به ترتیب با مشارکت ۴۷/۵ و ۴۶/۲ درصدی مردم این کشور همراه بود. در انتخابات پارلمانی انگلستان در سال ۱۹۵۰ میزان مشارکت مردم ۸۳/۶۱ درصد بود و هیچ‌گاه تکرار نشد و همین موضوع سیاستمداران انگلیسی را دچار نوعی یأس و چالش کرد. به همین جهت، آن‌ها درصدد برآمدند تا راه‌هایی را بررسی و اعمال نمایند. در کشورهای مثل چک، دانمارک، سوئد و سوئیس مشارکت‌ها پایین بوده؛ به طوری که در انتخابات پارلمان سوئیس در سال ۲۰۱۹ نرخ مشارکت به ۴۵/۱۲ درصد رسید. در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ۴۵ سال گذشته، ۳۹ دوره انتخابات در کشور برگزار شده است و به رغم اینکه رأی‌دهی در ایران اجباری نبوده؛ اما همواره درصد مشارکت‌ها بالا بوده است. در سال ۱۳۵۸، انتخابات خبرگان بررسی قانون اساسی، همه‌پرسی تأیید قانون اساسی، ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی برگزار شد و سال ۱۳۵۸ به‌عنوان سالی که بیشترین تعداد انتخابات در آن برگزار و از مردم نظر خواسته شد، در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت گردید. نخستین انتخابات پس از انقلاب اسلامی در فروردین سال ۱۳۵۸ بود که مردم در همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی شرکت کردند و با مشارکت ۹۸ درصدی در این همه‌پرسی، به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند. در تاریخ انقلاب اسلامی، مردم سه‌بار برای همه‌پرسی، یک‌بار برای خبرگان قانون اساسی، ۱۳ بار برای انتخاب رئیس‌جمهوری، دوازده بار برای انتخاب نمایندگان مجلس، پنج بار برای انتخاب نمایندگان خبرگان رهبری و شش بار برای انتخاب اعضای شوراهای اسلامی به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند و چهل و یکمین انتخابات تاریخ انقلاب اسلامی نیز برگزار شد. بیشترین درصد مشارکت مردم در این انتخابات به همه‌پرسی سال ۱۳۵۸ با ۹۸/۲ درصد و کمترین مشارکت نیز به انتخابات مجلس دوازدهم با ۴۱ درصد اختصاص دارد.

در برخی کشورهای اروپایی برای جلوگیری از کاهش نرخ مشارکت اقدام به وضع رأی اجباری نموده‌اند. رأی اجباری اقدامی است که به صورت قانونی در برخی کشورها به دلیل پایین آمدن نرخ مشارکت و همچنین، نابرابری‌های سیاسی در جامعه تجویز شده است. آنان استدلال می‌کنند رأی دادن مانند پرداخت مالیات یک وظیفه و مسئولیت است و با توجه به نقش مشارکت سیاسی در دموکراسی و مشروعیت حکومت‌ها، رأی اجباری در دموکراسی‌ها قابل توجیه است. این اجبار موجب ایجاد این سؤال شده که آیا رأی دادن حق یا یک وظیفه است. در ۲۲ کشور قانون رأی‌دهی اجباری





متغیر نهادی، نوع نظام انتخاباتی، تسهیل رأی دادن و وسعت حوزه انتخابیه و متغیر اجتماعی و عملکرد رسانه است. به نظر می‌رسد در ریشه‌یابی چنین وضعیتی به برخی علل و دلایل می‌توان اشاره کرد. برای مداخله در یک کنش جمعی، پیش‌نیاز اصلی، تعهد اجتماعی و انگیزه عمومی است. فعلیت یافتن چنین انگیزه‌ای مشروط به احساس رضایت عمومی از کفایت، کارآمدی و مردم‌داری نهادهای رسمی است. تنگناهای معیشتی و فروبستگی‌های اقتصادی،

مقایسه نرخ مشارکت انتخاباتی در ایران و برخی کشورهای اروپایی نشان می‌دهد در ایران درصد مشارکت‌ها به‌رغم گذشت بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، به مراتب بیشتر از کشورهای غربی است.

مردم را چشم‌به‌راه نسخه‌های ضربتی و اثربخش کرده است. مردم در آن بخش از مشکلات معیشتی که به مدیریت‌ها برمی‌گردد، خلاقیت و نوآوری خاصی که لازمه شرایط پیچیده کنونی است، نمی‌بینند. عدم توجه لازم به راهبرد کلان نظام که توسط رهبری بیان گردید نیز نقش مهمی در وقوع شرایط کنونی داشته است؛ بی‌برنامگی نامزدها و جریان‌های سیاسی شاخص‌ترین ویژگی این دور از انتخابات بود. برای شهروندانی که تمایل داشتند از انتخاب‌های فهرستی پرهیز کنند، مطالعه برنامه‌ها و اهداف نامزدها اصلی‌ترین عامل برای حضور است. در این دور از تبلیغات، نامزدها اساساً به چیزی تحت عنوان «برنامه اقدام» توجه نداشتند و از غالب آن‌ها چیز چندانی در این مسیر مشاهده نمی‌شد. رسانه‌ها خصوصاً صداوسیما در این دور از انتخابات با تدارکی ویژه - به لحاظ کمی - وارد صحنه شدند؛ اما این حجم از برنامه‌سازی نتوانست ماریج سکوت را بشکند و شهروندان را متناسب با این حجم هنگفت تبلیغات راهی صندوق‌ها کند. به خط کردن تمامی شبکه‌های رادیو و تلویزیون در موضوع انتخابات و استفاده از همه ظرفیت‌های هنری و ورزشی و دینی و... برای نفوذ در ذهن مخاطب، راهکاری اثربخش نبود. رسانه ملی نتوانست در سیاست‌های اقناعی و تبلیغی خود بازاندیشی کند و به این نکته توجه داشته باشد که در عصر دنیای مجازی و شبکه‌ای‌شده، زبان دعوت و لهجه فراخوان دادن برای انتخابات از اساس تغییر کرده است. از سوی دیگر، فضای ذهنی مردم در مقیاس کلان و بنیادین تغییراتی کرده است. ابعاد زندگی مردم طول و عمق و عرض متفاوتی یافته و «زیست جهان» متحولی برای مردم ظاهر شده است. مواججه با چنین شهروندانی، محتاج مردم‌داری از نوع دیگر است. چنانچه مردم تصور و احساس

کنند که میان آن‌ها و حاکمیت، اشتراکات قابل اتکایی نیست، طبعاً به بازی‌های برد - برد یا به پذیرش متقابل یکدیگر روی خوش نشان نمی‌دهند.

● برآیند

نگاهی واقع‌گرایانه به انتخابات نشان می‌دهد که از اولین دور انتخابات مجلس که ۵۲ درصد در انتخابات شرکت کردند تا مجلس دوازدهم که میانگین مشارکت به ۴۱ درصد رسید، میانگین شرکت در انتخابات‌های مجلس ۵۷ درصد بوده و به‌طور مطلق ۳۰ درصد مردم هرگز در انتخابات‌های مجلس شرکت نمی‌کردند و این لزوماً سیاسی نبوده و طیف وسیعی از کنشگران و شهروندان از بیماران بدحال و خانه‌نشینان، افراد گرفتار و در راه‌مانده، مسافران و ناراضیان گرفته تا معاندان و براندازان و دیگران که فهرستی طولانی دارد را دربرمی‌گیرد. بهتر آن است که مقایسه و نسبت‌سنجی هم با میانگین ۵۷ درصدی و هم با کل واجدان شرایط انجام شود. انتخابات مجلس دوازدهم برای آنکه تحلیلی جامع به دست دهد، نیاز است تا ترکیب آرای همه صندوق‌ها و مکان صندوق‌ها و میزان رأی کامل یا ناقصی که هر مشارکت‌کننده داده است و نیز آرای غیرصحیح مشخص باشد. علاوه بر این، چنانچه نظرسنجی‌های مفهومی پس از انتخابات انجام شود، به تحلیل بهتر کمک خواهد کرد. می‌توان استدلال کرد که مشارکت ۴۱ درصدی در شرایطی که هم باد ناموافق سیاه‌نمایی می‌وزد و هم گرانی و برخی سوءمدیریت‌ها نارضایتی‌هایی ایجاد کرده است، یک موفقیت برای نظام و تصمیم مردم در این انتخابات «ترجیح مشارکت به انتخاب نماینده» و خالی‌نکردن کامل صحنه سیاسی کشور است. رأی خوب برخی چهره‌های جوان فسادستیز و در مقابل، رأی نیاوردن کهنه‌کاران که شاید مردم اعتمادی به آنان برای کار جهادی و روحیه انقلابی فسادستیز نداشتند، نشانه‌ای از ظهور اراده تغییر در مردم است. به‌علاوه، مسئولیت دعوت به مشارکت نباید صرفاً توسط نهادهای رسمی منتسب به نظام و رسانه‌های رسمی حکومت انجام شود و باید کار انتخابات را به خود مردم سپرد. در کنار همه تفاسیر صورت‌گرفته از انتخابات می‌توان گفت عقلانیتی در جامعه وجود دارد که با وجود نارضایتی از وضع مدیریت کشور و نابسامانی‌های موجود، همچنان مایل به بهبود مشکلات از طریق صندوق رأی است.

یادداشت

۱- مدرس دانشگاه پیام نور تهران.

انقلاب اسلامی و تجدید حیات هنر در ایران

■ مریم یاری^(۱)

● درآمد

انقلاب اسلامی تغییرات عمیق و منحصر به فردی در هنر ایران ایجاد کرد. بعد از انقلاب، بسیاری از هنرمندان وابسته به رژیم پهلوی با گرایش‌های غربی، از صحنه‌ی هنری کنار رفتند. فضای جامعه به شدت متحول شد و ذائقه‌ی جامعه دچار دگرگونی اساسی گردید و از این رو، تعهد به انقلاب و اسلام به عنوان معیار اصلی ارزیابی آثار هنری در نظر گرفته شد. این امر باعث ظهور هنر انقلابی شد. هنر انقلابی با مضامین مذهبی، ضد استکباری و ملی در این دوره رونق گرفت. پوستر، دیوارنگاری، نقاشی و مجسمه‌سازی با پیام‌های مستقیم سیاسی و اجتماعی رواج یافت. با حاکم شدن فضای متحول انقلابی و تغییرات ایجاد شده در طبع هنری مردم دگرگونی‌های زیادی در زمینه فعالیت‌های هنری ایجاد شد. بسیاری از آثار هنری به دلیل عدم انطباق با معیارهای جامعه‌ی اسلامی نه تنها از طرف حکومت، بلکه از سمت مردم طرد شدند و زمینه برای ظهور هنر متعالی و انقلابی فراهم شد. هنر متعالی، برخلاف هنر رایج در جوامع غربی، از مفهوم «هنر برای هنر» پیروی نمی‌کند؛ بلکه هنر با این تفسیر ابزاری ارزشمند برای نیل به اهداف والا و متعالی گردید. هنر پس از انقلاب اسلامی به سمت این سبک سوق داده شد؛ هرچند در این مسیر فرازونشیب‌های زیادی را تجربه کرده است؛ اما با وجود این چالش‌ها، در حال حاضر هنر ایران از تنوع و پویایی قابل توجهی برخوردار است. هرچند در ابتدا عده‌ای ادعا می‌کردند فضای هنری بعد از انقلاب، محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌های هنری ایجاد کرده است؛ اما با گذشت زمان و به تدریج، فضای جامعه‌ی هنری و آثار متعاقب آن به نوعی بلوغ و ابتکارات ویژه رسیدند که هنری اصیل با ماهیتی ایرانی-اسلامی به وجود آمد و گرایش به نوگرایی و خلاقیت در آثار بسیاری از هنرمندان جوان مشاهده شد؛ از این رو، در حال حاضر هنر ایران در بستری از تنوع و کثرت به حیات خود ادامه می‌دهد. هنرمندان از سبک‌ها و گرایش‌های مختلف هنری بهره می‌برند و به مسائل و موضوعات متنوعی در آثار خود می‌پردازند. هنرمندان ایرانی حتی در بسیاری از

عرصه‌های بین‌المللی نیز به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. در ادامه به انقلاب اسلامی به عنوان نقطه‌ی عطفی در هنر ایرانی و همچنین، به مهم‌ترین عرصه‌های درخشش هنری بعد از انقلاب پرداخته می‌شود.

● انقلاب اسلامی نقطه‌عطف هنر ایرانی

باید به این نکته توجه داشت که هنر در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشته است؛ به طور خلاصه می‌توان گفت هنر در این دوره، ابزاری مؤثر برای آگاهی‌رسانی و تبلیغات بود؛ هنرمندان با استفاده از ابزارهای مختلف هنری مانند نقاشی، پوستر، کاریکاتور، شعر، موسیقی و تئاتر، پیام انقلاب را به مردم منتقل می‌کردند. آثار هنری در تظاهرات و راهپیمایی‌ها به عنوان ابزار تبلیغاتی و تهییج مردم به کار می‌رفتند. برخی از هنرمندان از هنر به عنوان ابزاری برای نقد و اعتراض به عملکردها و سیاست‌ها استفاده می‌کردند و آثار هنری به عنوان ابزاری برای بیان نظرات و دیدگاه‌های مختلف در جامعه به کار می‌رفتند. هنرمندان با به تصویر کشیدن ظلم و ستم

دفاع مقدس موجب شد تا جوانان هنرمند برای ثبت حماسه‌ها به هنر عکاسی، نقاشی، خوشنویسی و... گرایش یابند که آثار به جا مانده از ایشان سندی تاریخی (بر مظلومیت ملت ایران) محسوب می‌شود.

رژیم پهلوی و آرمان‌های انقلاب، مردم را به مبارزه و پیوستن به انقلاب تشویق می‌کردند؛ درحقیقت، آثار هنری روحیه‌ی امید و مقاومت را در مردم تقویت می‌کرد. هنرمندان با پرداختن به مضامین مشترک و ملی، حس همبستگی و وحدت را در مردم تقویت می‌کردند. از طرفی، هنرمندان با خلق آثار هنری، وقایع انقلاب را ثبت و ضبط می‌کردند. آثار هنری به عنوان اسنادی از تاریخ انقلاب برای نسل‌های آینده باقی ماندند و در واقع امر، هنر در این دوره به عنوان ابزاری قدرتمند در جهت پیشبرد اهداف انقلاب عمل کرد و این تغییر کاربری موجب به وجود آمدن نقطه‌عطفی در تاریخ هنر ایران شد و هنر از ابزاری صرفاً هنری و در اختیار



هنرمندان درباری و هنرمسلک

به ابزاری برای تحقق اهداف انقلابی و انسانی

تبدیل شد که این تغییر رویه موجب به وجود آمدن سبک خاصی از هنر در تمام زمینه‌ها و عرصه‌ها شد.

جنگ تحمیلی نیز نقش مهم و حیاتی در پیشرفت هنر در ایران ایفا کرد. هنرمندان با خلق آثار هنری، در تلاش بودند روحیه امید و مقاومت را در مردم تقویت کنند و آثار هنری به‌عنوان ابزاری برای ایجاد همبستگی و وحدت در جامعه و جلب حمایت مردم از جنگ و رزمندگان به کار می‌رفت. در این

انقلاب به احیای هنر ملی و مذهبی ایران کمک کرد؛ و از این رو، هنرمندان به خلق آثاری با مضامین انقلابی، مذهبی و ملی روی آوردند.

دوره نیز هنرمندان با خلق آثار هنری، وقایع جنگ را ثبت و ضبط می‌کردند و آثار هنری به‌عنوان اسنادی از تاریخ جنگ برای نسل‌های آینده باقی ماندند. دفاع مقدس موجب شد تا جوانان هنرمند برای ثبت حماسه‌ها به هنر عکاسی، نقاشی، خوشنویسی و... گرایش یابند که آثار به‌جامانده از ایشان سندی تاریخی (بر مظلومیت ملت ایران) محسوب می‌شود. هنرمندان با خلق آثار هنری، فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه ترویج می‌کردند. آثار هنری به‌عنوان ابزاری برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا به کار می‌رفتند؛ از این رو، جنگ تحمیلی نیز تأثیرات فزاینده‌ای بر عرصه هنر گذاشته است و هنر بعد از انقلاب را با تغییر و دگرگونی مواجه ساخته است. دفاع مقدس موجب شکل‌گیری سبک خاصی در هنرهای تجسمی شده است. به طوری که چهار دوره جشنواره بین‌المللی ویژه تولیدات هنری مقاومت در عرصه تجسمی برگزار شده است و همچنین، هزاران نمایشگاه آثار تجسمی و صداها جشنواره داخلی توسط هنرمندان بسیجی و انقلابی در کشور برگزار شده است. عکاسی دفاع مقدس هنر عکاسی ایران را بین‌المللی کرد. درحقیقت، دوران انقلاب و دفاع مقدس موجب تحول در هنر ایران و معرفی هنرمندان ایرانی به جهان شد.

● **عرصه‌های درخشش هنر ایرانی بعد از انقلاب اسلامی**

انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ تحولات عمیقی در عرصه هنر ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین ابعاد تحول توجه به هنر ملی و مذهبی بود. انقلاب به احیای هنر ملی و مذهبی ایران کمک کرد؛ و از این رو، هنرمندان به خلق آثاری با مضامین انقلابی، مذهبی و ملی روی

آوردند. هنرهای سنتی ایرانی مانند نگارگری، خوشنویسی و موسیقی مقامی مورد توجه و حمایت قرار گرفتند. از ابعاد دیگر این تحول گسترش دسترسی به هنر در میان تمام اقشار جامعه بود؛ انقلاب به گسترش دسترسی به هنر در سطح جامعه کمک کرد. تأسیس مراکز فرهنگی و هنری در مناطق مختلف کشور، زمینه را برای فعالیت‌های هنری مردم فراهم کرد و آموزش هنر در مدارس و دانشگاه‌ها گسترش یافت. این امر موجب ظهور نسل جدیدی از هنرمندان متعهد و انقلابی شد. این هنرمندان با خلق آثاری خلاقانه و جسورانه، به تحولات هنری در ایران کمک کردند. آثار این هنرمندان در سطح بین‌المللی نیز به نمایش گذاشته شد و مورد توجه قرار گرفت.

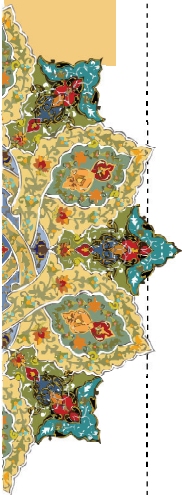
بسا این اوصاف، درخشش هنر ایران بعد از انقلاب در عرصه‌های مختلفی قابل مشاهده است که در این زمینه به‌طور کلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

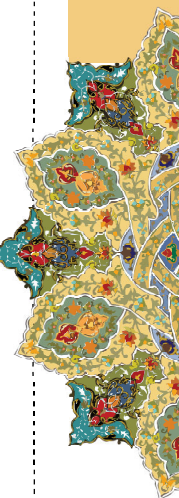
۱- موسیقی

با وجود ادعای محدودیت‌ها در زمینه‌ی موسیقی بعد از انقلاب، باید گفت انقلاب اسلامی، موسیقی بی‌هویت را به هنری هدفمند و مبتنی بر بنیان‌های اجتماعی و اصول اصیل هنری تبدیل کرد. انقلاب، موسیقی را از انحصار اهداف بی‌مایه خارج کرد و به عرصه‌ی عدالت‌خواهی و کرامت انسانی وارد نمود. سیاست‌های

تأسیس مراکز فرهنگی و هنری در مناطق مختلف کشور، زمینه را برای فعالیت‌های هنری مردم فراهم کرد و آموزش هنر در مدارس و دانشگاه‌ها گسترش یافت. این امر موجب ظهور نسل جدیدی از هنرمندان متعهد و انقلابی شد.

رژیم پهلوی موجب شده بود که موسیقی وارداتی در کشور رواج پیدا کند که انقلاب اسلامی، روند غلبه دادن موسیقی‌های وارداتی به موسیقی ملی و نواحی ایران را متوقف کرد. انقلاب اسلامی موسیقی نواحی و مقامی ایران که پایه و مادر موسیقی ملی است را احیا کرد. موسیقی سنتی ایرانی بعد از انقلاب در قالب ردیف دستگامی و موسیقی نواحی مختلف ایران دوباره به طرز چشمگیری احیا شد و در عین حال، شاهد نوآوری و خلاقیت در این زمینه بودیم. حتی موسیقی پاپ ایرانی نیز، هم در داخل و هم در خارج از کشور، به محبوبیت رسید و خوانندگان ایرانی به شهرت جهانی دست یافتند. در زمینه موسیقی کلاسیک نیز شاهد ظهور آهنگسازان و نوازندگان برجسته ایرانی بودیم. درحقیقت، انقلاب اسلامی هنر موسیقی را از ابتذال نجات داد و موسیقی در خدمت امیال نفسانی را به موسیقی حماسی و مجاهدپرور تبدیل کرد.





۲- شعر و ادبیات

بعد از انقلاب، نویسندگان ایرانی در ژانرهای مختلف داستانی، رمان، شعر و نمایشنامه به خلق آثار برجسته‌ای پرداختند. آثار ادبی ایرانی به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در سطح جهانی به مخاطبان معرفی شدند. نویسندگان ایرانی در جوایز ادبی بین‌المللی نیز به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند. در این زمینه، سهم نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان از جایزه‌های جهانی بیشتر از دیگر نویسندگان ایرانی است.

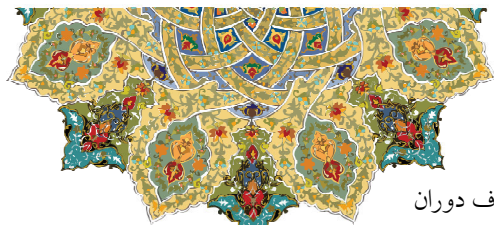
در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی بر جریان شعر ایران نیز باید خاطر نشان کرد نسل شاعران انقلاب با نبوغ ادبی خویش قالب‌های فراموش شده‌ی ادب پارسی را با توانمندی تمام و

انقلاب، موسیقی را از انحصار اهداف بی‌مایه خارج کرد و به عرصه‌ی عدالت خواهی و کرامت انسانی وارد نمود.

مطابق با ذوق و ذائقه مخاطبان امروزی شعر بازسازی کردند و باعث شدند که این قالب‌ها، با وجود همه چالش‌ها، به‌عنوان محوری‌ترین قالب‌های ادبی، بار دیگر به حیات خویش ادامه دهند. این ابتکار عمل باعث شد که در کنار جریان شعر نو، قالب‌های ادبی سنتی نیز از انزوای بیرون بیایند و به‌خاطر انطباق با مؤلفه‌های شعر نیمایی (انطباق مضمونی و محتوایی) و همراهی شاعران انقلاب با جریان شعر معاصر، شاهد ظهور جریانی به نام «غزل نیمایی» باشیم. شعر انقلاب اسلامی ادامه‌ی منطقی سیر تکوینی و روند تکاملی ادبیات پارسی است. شاعران فراوانی با مضامین دینی، حماسی و... شعر سرودند و کتاب‌های زیادی در این زمینه منتشر شدند.

۳- هنرهای تجسمی

بعد از انقلاب، هنرمندان ایرانی در رشته‌های مختلف نقاشی، مجسمه‌سازی، نگارگری، خوشنویسی و عکاسی آثار خلاقانه و بدیعی خلق کردند. هنرمندان ایرانی در نمایشگاه‌های بین‌المللی متعددی حضور یافتند و جوایز متعددی کسب کردند و هنر ایرانی در موزه‌ها و گالری‌های معتبر جهان به نمایش گذاشته شد. انقلاب اسلامی شکوفایی خلاقیت‌های هنرمندان و تولد سبک‌های جدید در هنرهای تجسمی به‌ویژه در نقاشی و گرافیک را به دنبال داشت. انقلاب اسلامی به هنرهای تجسمی هویت بخشید و آن را از پوچ‌گرایی و تعهدگریزی به سوی هنر آرمان‌خواه انسان‌ساز و مسئولیت‌پذیر سوق داد. تفکر انقلاب اسلامی سبک خلاقانه گرافیک مبتنی بر ظلم‌ستیزی و مظلوم‌نوازی را ایجاد کرد. پس از انقلاب اسلامی، آثار تجسمی انقلابی با نقش بستن بر پوسترها، نمایشگاه‌های سیار و خیابان‌ها، پیوندی نو با جامعه پیدا



کردند. برخلاف دوران

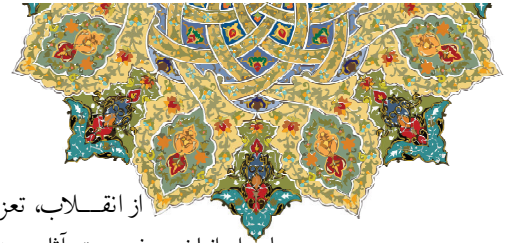
قبل از انقلاب اسلامی که مضامین غالب آثار، آلوده به بداخلاقی و افسردگی و بیهودگی بود، با پیروزی انقلاب، مضامینی عالی دینی و ملی همچون از خودگذشتگی، شهادت، اتحاد، عدالت‌خواهی و آزادی و آزادگی تجلی یافت. هنرمندان تجسمی با آثار خود برای حل بحران‌ها و مشکلات جامعه کوشش کرده‌اند. درحقیقت، از تحولات انقلاب اسلامی در حوزه هنرهای تجسمی افزایش سواد بصری جامعه است؛ از این رو، افزایش چندین‌برابری مراکز آموزش عالی هنر بعد از انقلاب و همچنین، افزایش تعداد نگارخانه‌های تجسمی کشور بعد از انقلاب از دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه هنرهای تجسمی است. موزه هنرهای معاصر با ۵۰۰۰ متر، تنها مرکز ارائه آثار تجسمی قبل از انقلاب بود که بیشتر در اختیار هنرمندان خارجی قرار داشت؛ اما پس از انقلاب، بیش از ۱۷۰۰۰ متر فضای نمایشگاهی در کشور ایجاد شده است. افزون بر موارد ذکر شده، زنان هنرمند در پیشرفت هنر بعد از انقلاب نقش عمده‌ای داشته‌اند. روند فزاینده حضور زنان متعهد در جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها، موجب افزایش کسب مقام و رتبه در عرصه هنرهای تجسمی شده است.

۴- تئاتر

درحقیقت، انقلاب اسلامی تئاتر را از تباهی و انحطاط نجات داد و به آن رفعت و جایگاه بخشید. انقلاب اسلامی تئاتر را که قبلاً مختص طبقه خاصی بود از انحصار خارج کرد و با مردمی کردن مضامین، آن را در دسترس عموم قرار داد؛ از این رو، پس از انقلاب اسلامی، مخاطبان تئاتر به تعداد چشمگیری افزایش داشته است. انقلاب اسلامی با تمرکززدایی و عدالت در توزیع،

شعر انقلاب اسلامی ادامه‌ی منطقی سیر تکوینی و روند تکاملی ادبیات پارسی است. شاعران فراوانی با مضامین دینی، حماسی و... شعر سرودند و کتاب‌های زیادی در این زمینه منتشر شدند.

تئاتر را در سراسر کشور گسترش داد. افزایش حدود ۲۰ برابری اعتبارات تئاتر کشور در دوره انقلاب اسلامی نشان از جایگاه والای هنر نمایش در تفکر اسلامی دارد. توسعه مؤسسات آموزشی بخش خصوصی در سراسر کشور از افتخارات حوزه تئاتر انقلاب اسلامی و نماد مشارکت هنرمندان در این عرصه است. سازمان‌دهی و تأسیس کانون نمایش‌های خیابانی به دست هنرمندان پس از انقلاب و اختصاص اعتبار ویژه در اداره کل هنرهای نمایشی به آن، از دستاوردهای تئاتر انقلاب است. بعد



از انقلاب، تعزیه به عنوان هنر ملی ایرانیان در فهرست آثار معنوی یونسکو به ثبت رسید. همچنین، بعد از انقلاب، جشنواره‌های متعدد آیینی و سنتی با هدف حمایت و رشد این هنر پرمخاطب، به طور مرتب برگزار می‌گردد. نمایش‌های آیینی و سنتی که به دستور رژیم سابق به انزوا رفته بود در دوران انقلاب اسلامی احیا شد و رونق ویژه یافت. همچنین، حضور چشمگیر و شکوفایی توانمندی‌های بانوان پس از انقلاب در رشته‌های گوناگون تئاتر نشان از اهمیت

انقلاب اسلامی به هنرهای تجسمی هویت بخشید و آن را از پوچ‌گرایی و تهددگری به سوی هنر آرمان‌خواه انسان‌ساز و مسئولیت‌پذیر سوق داد.

انقلاب اسلامی به حضور بانوان در عرصه‌های هنری دارد. رشد ۱۰۰ برابری حضور بانوان در عرصه‌های گوناگون تئاتر از جمله نویسندگی و کارگردانی و بازیگری و درخشش آن‌ها در جشنواره‌های تئاتری، مرهون نگاه انقلاب اسلامی به این رشته هنری است. بیش از ۴۰ درصد از فارغ‌التحصیلان تئاتر کشور را بانوان تشکیل می‌دهند. پاکي، سلامت و امنیت فضای تئاتر پس از انقلاب اسلامی موجب اعتماد خانواده‌ها و حضور چشمگیر زنان در این رشته هنری شد. در حقیقت، تئاتر ایران بعد از انقلاب با قدرت به حیات خود ادامه داد و شاهد ظهور کارگردانان و بازیگران برجسته‌ای بودیم. نمایش‌های ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی متعددی حضور یافتند و جوایز متعددی کسب کردند؛ تئاتر ایران با تئاتر ملل دیگر نیز تعامل و تبادل فرهنگی برقرار کرد.

درواقع، درخشش هنر ایران بعد از انقلاب، علی‌رغم چالش‌های موجود، نشان‌دهنده پویایی و خلاقیت هنرمندان ایرانی است. هنر ایران در این دوره به واسطه مضامین جسورانه، خلاقیت و نوآوری، به مخاطبان جهانی معرفی شد و جایگاه ویژه‌ای در عرصه بین‌المللی کسب کرد. هنرمندان ایرانی در عرصه‌های مختلف هنری به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند و نام خود را در تاریخ هنر جهان ثبت کردند.

۵- سینما مهم‌ترین عرصه‌ی هنر ایرانی بعد از انقلاب اسلامی

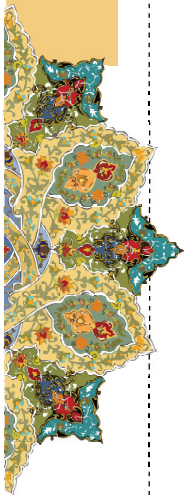
بعد از انقلاب، سینما دستاوردهای گوناگونی را تجربه کرد. سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی به واسطه جسارت، خلاقیت و نوآوری، به خصوص در ژانرهای اجتماعی و سیاسی، به شهرت جهانی دست یافت. قبل از انقلاب، سینمای ایران بیشتر به ژانرهای فیلم فارسی، کم‌دیی و ملودرام محدود بود؛ اما پس از انقلاب، شاهد تنوع ژانری چشمگیری در سینمای ایران هستیم.

ژانرهایی مانند دفاع مقدس، اجتماعی، سیاسی، معناگرا، کودک و نوجوان، مستند و پویانمایی در این دوره رونق گرفتند. پس از انقلاب، نسل جدیدی از فیلم‌سازان خلاق و نوآور ظهور کردند که با آثار خود، سینمای ایران را به سطح جهانی ارتقا دادند. پس از انقلاب، زمینه برای فعالیت فیلم‌سازان جوان و خلاق در سینمای ایران فراهم شد. جشنواره‌های فیلم کوتاه و دانشجویی فرصتی برای معرفی این فیلم‌سازان به جامعه سینمایی است. سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی، با حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کسب جوایز معتبر، افتخارات زیادی را برای کشورمان به ارمغان آورده است. در حقیقت، سینما پس از انقلاب اسلامی، حضوری فعال در عرصه بین‌الملل داشته است. حضور در جشنواره‌های خارجی، برگزاری هفته‌های فیلم ایران در سایر کشورها و عقد قراردادهای بین‌المللی، از جمله فعالیت‌های سینمای ایران در عرصه بین‌الملل است؛ از این رو، سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی با ارائه آثار فاخر و ارزشمند، بر سینمای جهان نیز تأثیر گذار بوده است. فیلم‌سازان ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی به‌عنوان داور و عضو هیئت انتخاب حضور دارند و سینمای ایران به‌عنوان یکی از الگوهای سینمای مستقل در جهان شناخته می‌شود.

سینمای ایران پس از انقلاب، به ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی مانند عدالت، صلح، معنویت و خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. این موضوع باعث شده تا سینمای ایران در جهان به‌عنوان

زنان هنرمند در پیشرفت هنر بعد از انقلاب نقش عمده‌ای داشته‌اند. روند فزاینده حضور زنان متعهد در جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها، موجب افزایش کسب مقام و رتبه در عرصه هنرهای تجسمی شده است.

سینمایی اخلاق‌مدار و انسان‌دوست شناخته شود. سینما پس از انقلاب، همواره به‌عنوان یک رسانه اجتماعی، به انعکاس مسائل و مشکلات جامعه پرداخته است. از این رو، سینمای ایران پس از انقلاب، از نظر تکنیکی و بصری نیز پیشرفت چشمگیری داشته است. استفاده از تجهیزات مدرن، تکنیک‌های نوین فیلمبرداری و جلوه‌های ویژه، به ارتقای کیفیت فیلم‌های ایرانی کمک کرده است. به‌طور کلی، در مقایسه سینمای قبل با بعد از انقلاب اسلامی باید گفت به لحاظ محتوا، سینمای قبل از انقلاب بیشتر به سرگرمی و مسائل جنسی می‌پرداخت؛ در حالی که سینمای بعد از انقلاب به موضوعات اجتماعی، سیاسی، مذهبی و دفاع مقدس توجه می‌کند. به لحاظ ژانر متنوع و ایجاد نسل جدیدی از فیلم‌سازان و افتخارات بین‌المللی نیز سینمای بعد از انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد.





ادبیات، هنرهای تجسمی،

موسیقی و تئاتر و به‌ویژه سینما دچار تحول و دگرگونی شد. پس از انقلاب، نسل جدیدی از هنرمندان خلاق و نوآور ظهور کردند که با آثار خود، هنر ایران را به سطح جهانی ارتقا دادند. هنر ایران به‌ویژه در حوزه سینما، پس از انقلاب اسلامی با حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کسب جوایز معتبر، افتخارات زیادی را برای کشورمان به ارمغان آورده است. هنر و سینما بعد از انقلاب به ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی مانند عدالت، صلح، معنویت و خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه همواره دارای سابقه‌های طولانی و غنی در زمینه هنرهای مختلف از جمله نقاشی، مجسمه‌سازی، خوشنویسی، موسیقی، شعر و ادبیات بوده است. این سابقه طولانی به هنرمندان ایرانی عمق و ظرافتی منحصر به فرد داده است. هنر ایران از تنوع بالایی برخوردار است و در

سینمای ایران پس از انقلاب، به ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی مانند عدالت، صلح، معنویت و خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. این موضوع باعث شده تا سینمای ایران در جهان به‌عنوان سینمایی اخلاق‌مدار و انسان‌دوست شناخته شود.

هر منطقه و شهری می‌توان شاهد هنرهای خاص و بومی بود. این تنوع، هنر ایران را جذاب و دیدنی می‌کند. هنرمندان ایرانی همواره خلاق و نوآور بوده و در خلق آثار هنری جدید و منحصر به فرد پیشگام بوده‌اند. ایران سرزمینی پر از استعداد در زمینه هنر است و هنرمندان ایرانی در سطح جهانی شناخته شده هستند؛ اما با وجود این نقاط قوت، ایران در زمینه هنر دارای ضعف‌هایی نیز هست که با وجود سابقه طولانی، تنوع، خلاقیت و استعداد هنرمندان ایرانی بر این عرصه سایه افکنده است؛ ضعف مدیریت در حوزه‌ی هنر و محدودیت‌های دولتی، کمبود حمایت‌های مالی و ضعف در بازاریابی از جمله‌ی این کمبودها هستند که با رفع این چالش‌ها، ایران می‌تواند به‌عنوان قطب هنری در منطقه و جهان مطرح شود.

یادداشت

۱- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

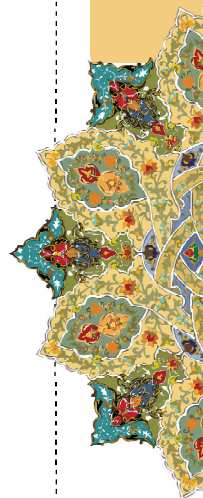
در حال حاضر باید گفت ایران با سابقه طولانی و خلاقیت در فیلم‌سازی، در رتبه بالایی در بین کشورهای منطقه قرار دارد. ترکیه و عربستان با سرمایه‌گذاری‌های کلان در حال رشد صنعت

پاکی، سلامت و امنیت فضای تئاتر پس از انقلاب اسلامی موجب اعتماد خانواده‌ها و حضور چشمگیر زنان در این رشته هنری شد.

سینمای خود هستند. امارات و پاکستان نیز در حال تلاش برای حضور در بازارهای بین‌المللی هستند؛ اما با این حال، سابقه طولانی و غنی ایران در فیلم‌سازی، خلاقیت و نوآوری در فیلم‌سازی و حضور پررنگ در جشنواره‌های بین‌المللی و همچنین، وجود تعدادی از فیلم‌سازان برجسته جهانی باعث شده تا ایران همچنان جایگاه ویژه‌ای در منطقه داشته باشد. حتی ترکیه علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های دولتی در سینما و حضور در بازارهای بین‌المللی، با تمرکز بر ژانرهای خاص و کمبود تنوع در فیلم‌ها و همچنین، وابستگی به سرمایه‌های خارجی نتوانسته به جایگاه ایران برسد. عربستان نیز هر چند به تازگی با گشایش فضای فرهنگی و حمایت از سینما و همچنین، سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنعت سینما و جذب فیلم‌سازان و بازیگران خارجی و برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی فیلم در صدد شکوفایی صنعت فیلم‌سازی خود است؛ اما همچنان با کمبود سابقه و تجربه در فیلم‌سازی و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و وابستگی به فیلم‌های خارجی مواجه است؛ از این رو، ایران باید با برطرف کردن محدودیت‌ها در تولید و نمایش فیلم مانند کمبود بودجه و ضعف در بازاریابی و توزیع بین‌المللی فیلم، در تلاش برای حفظ و ارتقای جایگاه خود بکوشد.

• برآیند

وضعیت هنر در هر کشور، به عوامل مختلفی از جمله تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد آن کشور بستگی دارد. تاریخ ایران همواره با فرازونشیب همراه بوده است که این امر یکی از عوامل غنای هنری این سرزمین است. انقلاب اسلامی یکی از عرصه‌های تاریخ معاصر است که با ایجاد تغییرات عمده در نگرش و سبک زندگی مردم موجب ایجاد مهم‌ترین نقطه‌عطف در تاریخ هنری ایران معاصر شد؛ هنر ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگونی چون شعر و





چالش‌ها و راه‌های توسعه صنعت گردشگری در ایران

■ دکتر داوود میرمحمدی^(۱)

● درآمد

گردشگری یکی از مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری و توسعه اقتصاد پایدار است. این بخش با تاریخ، فرهنگ و آداب و آیین کشور رقم خورده و نه تنها افزایش تعاملات اجتماعی، توسعه اشتغال، اقتصاد محلی و ملی و شکل‌گیری گردشگری پایدار را در بعد داخلی به همراه دارد، بلکه در بعد خارجی نیز، مزیت‌هایی همچون انتقال فرهنگ و تاریخ، آشنایی گردشگران خارجی با آداب و رسوم آیینی و تبلیغات بدون هزینه و شناخت بیشتر جهانیان از کشور را به دنبال خواهد داشت. موقعیت جغرافیایی ویژه و تنوع پدیده‌های زیست‌محیطی زیبا و غنی (کویر، جنگل، دریا، کوهستان، گونه‌های گیاهی، جانوران و طبیعت بکر و...) و اماکن مذهبی، تاریخی، آثار تمدنی، فرهنگی و هویتی باعث شده تا ایران به‌عنوان پنجمین کشور دارای تنوع طبیعی جهان و مقصدی جذاب برای گردشگران شناخته شود. این درحالی است که علی‌رغم برخورداری از جاذبه‌های فراوان، ظرفیت‌ها و فرصت‌های بیشمار موجود، برخی مشکلات و چالش‌ها مانند تصویرسازی منفی در بازارهای توریست‌زا و تصویر و ادراک نادرست و غلط از ایران در رسانه‌های بین‌المللی، عدم سرمایه‌گذاری و تبلیغات ناکارآمد برای جاذبه‌های گردشگری و... مانع از گسترش این صنعت، رونق گردشگری داخلی و خارجی و جذب گردشگران شده و نرخ ورود گردشگری را تحت‌تأثیر قرار داده و سهم ایران را در بازار صنعت توریسم اندک و ناچیز کرده است. این مقاله تلاش دارد ضمن مروری بر ظرفیت‌ها و فرصت‌های گردشگری در ایران و بیان چالش‌ها و موانع توسعه و جذب گردشگر، راهکارهایی را برای توسعه صنعت گردشگری ارائه نماید.

● ضرورت‌های توسعه و تقویت گردشگری در ایران

گردشگری یکی از منابع عمده درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به‌شمار می‌آید؛ تاجایی که بسیاری از کشورها همچون

اسپانیا، فرانسه و ایتالیا بخش اعظمی از درآمد ارزی خود را از طریق گردشگری به‌دست می‌آورند. در سال‌های اخیر، گردشگری به‌عنوان صنعت بدون‌دود، منبع درآمد سرشار در تجارت جهانی و عنصر مهمی در بهبود و تنظیم موازنه بازرگانی و تراز پرداخت‌های بسیاری از کشورها شناخته شده است. گردشگری نقش، آثار و کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در کشورها از جمله ایران ایفا می‌کند. افزایش تولید ناخالص و تراز پرداخت‌ها که نشان‌دهنده معاملات بین‌المللی کشورهاست، جانشینی صنایع درآمدزا، افزایش درآمد، کاهش بیکاری، افزایش رفاه اجتماعی، ارزآوری، ارتقای سطح زندگی مردم، فروش خدمات، رونق کسب‌وکار، صنایع دستی هنری، کشاورزی، خدمات، توسعه و بهبود تجهیزات زیربنایی مانند جاده‌ها و سیستم‌های حمل و نقل، جلب توجه مردم، مسئولان و سازمان‌های بین‌المللی به جاذبه‌ها و تلاش در جهت محافظت از آن‌ها، ایجاد امکانات زیرساختی و اقامتی و افزایش امکانات و تأسیسات زیرساختی در بلندمدت، تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان، تعامل و روابط بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، کاهش تنش‌های سیاسی و تثبیت صلح جهانی، نزدیک‌سازی و متعادل‌سازی روابط بین‌الملل و دولت‌ها، تقویت حس میهن‌دوستی و عرضه هرچه بیشتر دستاوردهای ملی و محلی در قالب صنایع دستی، نقاشی، عکس، آثار مثبت روحی، روانی بر روحیه افراد جامعه و نشاط ملی بخشی از امتیازها و کارکردهای توسعه گردشگری است که توجه و تمرکز دولت و نظام بر حکمرانی مطلوب صنعت را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در کنار گردشگری مدرن، توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی در ایران تناسب بالایی با ویژگی‌های کشور و الگوی پایدار در توسعه کسب‌وکارهای محلی، حفظ و پایداری محیط روستا و شهرهای کوچک، احیا و نگهداری اکوسیستم‌های محلی، افزایش پیوند بین شهر و روستا به‌عنوان یکی از عوامل تثبیت جمعیت در مناطق روستایی، ایجاد درآمد و افزایش رفاه و کاهش روند مهاجرت، ایجاد اشتغال نوین، فروش محصولات کشاورزی، فروش صنایع دستی و محصولات فرآوری‌شده محلی دارد؛



خلأهایی در بخش توریسم،
ایران گردی و بوم گردی به وجود آید.

۲- کارشناسان کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی ایران در جدیدترین گزارش خود با روش کیفی و دلفی و گفت‌وگو با ده نفر از مالکان اقامتگاه‌های بوم گردی و پنج نفر از کارشناسان و فعالان حوزه گردشگری، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فعالیت اقامتگاه‌های بوم گردی را شناسایی کرده‌اند. ضعف و وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، عوامل محیط بومی و نیروی انسانی پنج چالش اصلی فعالیت‌های اقامتگاه‌های بوم گردی معرفی شده‌اند.

۳- مشکلات مربوط به تبادلات ارزی به ویژه کارت‌های اعتباری که گردشگران خارجی را با مشکلاتی در کشور مواجه می‌کند.

۴- کمبود هتل‌ها و اقامتگاه‌های استاندارد در کشور، یکی دیگر از مشکلات حوزه گردشگری در کشور است.

۵- عدم وجود ضابطه و استاندارد مشخص برای توسعه اقامتگاه‌های بوم گردی مبتنی بر استانداردها و ضوابط ویژه و بومی ایران از دیگر مسائل و مشکلات اقامتگاه‌های بوم گردی در کشور است. این امر باعث شده که عمده اقامتگاه‌ها بدون چهارچوب و هدف مشخص و بدون برخورداری از معیار و شاخص ویژه ایجاد و احداث شود و موجب تخریب و از بین رفتن مکان‌های تاریخی و میراث تاریخی کشور شود. در این خصوص می‌بایست سازمان‌های متولی و در رأس آن‌ها سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری چهارچوب و نظام استاندارد این اقامتگاه‌ها را تدوین و اجرا نمایند.

۶- ضعف آموزش از دیگر مسائل و چالش‌های حاکم بر عمده اقامتگاه‌های بوم گردی و توریستی کشور است. مدیران و کارکنان اقامتگاه‌ها باید از آموزش‌های حرفه‌ای و تخصص در خصوص چنین مکان‌هایی برخوردار باشند؛ به علاوه، روستاهای هدف و ساکنان روستاها نیز باید از آموزش‌های عمومی مرتبط برخوردار شوند؛ مسئله‌ای که در حال حاضر در اکثر اقامتگاه‌های جدید و مناطق مختلف کشور وجود ندارد و باعث پدیدار شدن مسائل و مشکلات عدیده‌ای در صنعت گردشگری می‌گردد.

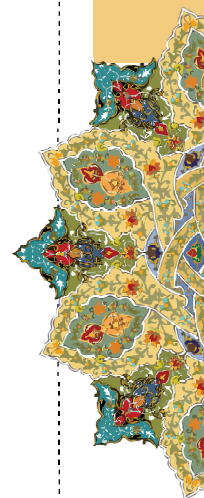
۷- چالش‌های مرتبط با حوزه قوانین و مقررات، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران این حوزه و به خصوص سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که شامل توجه بیش از حد به توسعه کمی بدون توجه به توسعه کیفی، نبود آموزش در این حوزه، ضعف نظارت اصولی و ارزیابی صحیح، فقدان کارشناسان متخصص و آشنا با نحوه اجرای طرح‌ها و عدم درک و شناخت

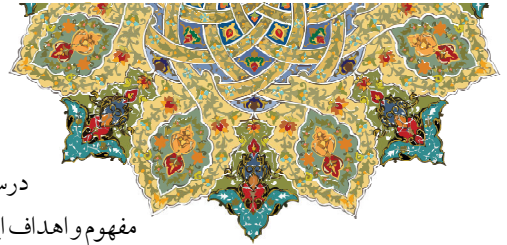
به علاوه، کشور ایران به دلیل برخورداری از اقلیم‌های متنوع و قرارگیری روستاهای مختلف در آن و همچنین، حضور میلیونی زائران و گردشگران ایرانی و خارجی، از پتانسیل بالایی در جذب و توسعه اقامتگاه‌های بوم گردی برخوردار است. وجود شهرها و روستاهای مجاور کویر، قرارگیری روستاهای استان در نواحی کوهستانی و وجود چشمه‌ها و رودخانه‌های دائمی و فصلی، برخورداری استان‌ها و مناطق مختلف از محصولات ویژه مانند پسته، زعفران، برنج، چای و... به عنوان یکی از برندهای زراعی و کشاورزی و اصلی‌ترین پتانسیل در ایجاد و توسعه اقامتگاه‌های بوم گردی هستند که لازم است از این ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها در جهت توسعه توریسم و بوم گردی استفاده حداکثری به عمل آید.

• مشکلات و چالش‌های گردشگری در ایران

به‌رغم آنکه در سال‌های اخیر، موقعیت توریسم در ایران توسعه چشمگیری داشته و رشد ده درصدی را تجربه کرده است؛ اما نمی‌توان از مشکلات و عقب‌ماندگی‌های ساختاری کشور در این حوزه چشم پوشید. براساس آمارهای موجود جهانی، به‌صورت میانگین، از هر دوازده نفر یک نفر در جهان در حوزه گردشگری اشتغال دارد. بخشی از مشکلات ساختاری در پیش روی صنعت توریسم در کشور عدم اجماع در مورد نحوه حضور رفتار توریست‌ها و گردشگران در ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی ایران با سایر کشورهای دنیا است و از سوی دیگر، بخش دیگر چالش‌ها مربوط به تفاوت در نظام هنجاری و ارزشی جامعه ایران با گردشگران خارجی و ناسازگاری بخشی از انتظارات و نیازهای گردشگران با رویکردهای سنتی و مذهبی کشور است که عدم مدیریت و چاره‌اندیشی در مورد این بخش‌ها، ورود گردشگر به کشور را با صعوبت و چالش مواجه نموده است. پیشرفت در مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود نیازمند تلاش مشترک دولت، بخش خصوصی و جوامع هدف است. علاوه بر دو عامل مهم چالش‌گر در صنعت توریسم، ذیل به دیگر موارد اشاره می‌گردد:

۱- وجود مشکلات در صدور مجوز از سوی سازمان‌ها و نهادهای مسئول به افراد در چهارچوب قواعد موجود: سرمایه‌گذاران در این واحدها باید از افراد واجد صلاحیت و تخصص و تجربه لازم در حوزه گردشگری باشند تا بتوانند با استفاده از تخصص و تجربه خود، کارایی بهتر و بالاتری داشته باشند. نبود کارشناس متخصص برای پیاده‌سازی طرح‌های اقامتگاه‌های بوم گردی موجب شده سرمایه‌گذارانی که در این بخش با اصل موضوع آشنا نیستند، استانداردهای روز دنیا را مورد استفاده قرار ندهند و ضعف‌ها و





درست مسئولان از

مفهوم و اهداف ایجاد اقامتگاه‌های

بوم‌گردی از مواردی هستند که در بخش قوانین و مقررات برای توریسم و توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی چالش‌زا بوده و لازم است تعریف دقیق و درستی از این واحدها و هدف ایجاد آن‌ها صورت پذیرد.

۸- تمرکز دولت بر افزایش کمی تعداد اقامتگاه‌ها، بدون آنکه قواعد و صورت مشخصی برای این توسعه وجود داشته باشد، حیات طبیعی و هویت اصیل مناطق توریستی و روستاها را به خطر انداخته و این جریان را که با هدف توسعه پایدار آغاز شده بود به انحراف می‌کشاند. در عین حال، این مسئله چالش‌های اقتصادی را نیز متوجه بومی‌ها می‌کند.

۹- فقدان تعریف و تعیین استانداردهای لازم و ضعف نظارت و کنترل موجود سبب شده استانداردهای لازم به صورت کامل اجرا نشود و کیفیت خدمات ارائه‌شده پایین بیاید. این درحالی است که وجود بخش نظارتی در هر کسب‌وکاری موجب پیشرفت فعالیت‌های کسب‌وکارها خواهد شد.

۱۰- یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین فاکتورها برای ورود به بخش اقامتگاه‌های بوم‌گردی، بحث آموزش افراد فعال در این حوزه است. از آنجاکه احداث اقامتگاه‌های بوم‌گردی بیشتر در مناطق

گردشگری یکی از مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری و توسعه اقتصاد پایدار است. این بخش با تاریخ، فرهنگ و آداب و آیین کشور رقم‌خورده و نه تنها افزایش تعاملات اجتماعی، توسعه اشتغال، اقتصاد محلی و ملی و شکل‌گیری گردشگری پایدار را در بعد داخلی به همراه دارد، بلکه در بعد خارجی نیز، مزیت‌هایی همچون انتقال فرهنگ و تاریخ، آشنایی گردشگران خارجی با آداب و رسوم آیینی و تبلیغات بدون هزینه و شناخت بیشتر جهانیان از کشور را به دنبال خواهد داشت.

روستایی و تاریخی صورت می‌گیرد و به دلیل اینکه زندگی در این مناطق بیشتر به صورت سنتی است و مردم نیز نسبت به فرهنگ و ارزش‌های خود حساس‌تر هستند، نیاز است سرمایه‌گذاران در این مناطق در رابطه با این مسائل آموزش ببینند و با مسائل اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی منطقه آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند حداکثر مشارکت جامعه محلی را جلب کنند.

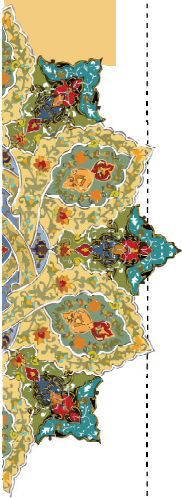
۱۱- مشکلات بازاریابی و تبلیغات: فقدان برنامه بازاریابی مشخص و تبلیغات متناسب با این اقامتگاه‌ها و توجه صرف به توسعه کمی این واحدها بدون در نظر داشتن نحوه جذب مشتریان سبب شده اکثر واحدهای اقامتی با مشکل جذب

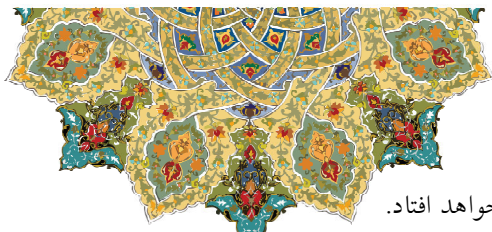
مشتری مواجه و ورشکسته شوند؛ بنابراین، نیاز است قبل از احداث و توسعه این واحدها، نسبت به نحوه جذب مشتریان این واحدها برنامه مشخصی تدوین شود.

۱۲- تأکید صرف بر بعد اقتصادی گردشگری: در حال حاضر برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای صورت گرفته که ماهیت وجودی و هدف از ایجاد و توسعه گردشگری و اقامتگاه‌های بوم‌گردی عمدتاً بر جنبه‌ها و دلایل اقتصادی متمرکز شده و معطوف به ابعاد اقتصادی بوده و سایر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن در حاشیه قرار گرفته است و بی‌توجهی به مؤلفه‌های دیگر موجب شده این اقامتگاه‌ها از مسیر و اهداف اصلی خود دور شوند. این درحالی است که توسعه گردشگری علاوه بر رفع نیازهای مشتریان و بازار، باید اهداف دیگری مانند مشارکت جامعه محلی و منتفع شدن آن‌ها، توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و حفظ آیین‌ها و سنت‌های جامعه محلی، توجه به مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار گردشگری را مدنظر قرار دهد.

۱۳- عدم درک و توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی: عدم درک و رعایت تمایزات و تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی از سوی گردشگران از موضوعات مهم دیگری است که می‌تواند چالش‌ها و آسیب‌هایی را به دنبال داشته باشد. فرهنگ و ارزش‌های گردشگران با جامعه هدف متفاوت و گاهی در تضاد است. حضور گردشگران در مناطق گردشگری موجب می‌شود جامعه محلی در معرض رفتارها و ارزش‌های جدید قرار گیرد. در شرایط تعاملی، مردم جامعه محلی بعضاً درصدد فراگیری و تقلید از رفتارهای گردشگران برمی‌آیند. این امر به مرور زمان، باعث تغییراتی در ارزش‌های جامعه هدف محلی خواهد شد. عدم توجه به فرهنگ و ارزش‌های بومیان و افراد محلی و طبقاتی شدن جامعه محلی و اثرنمایی آن دو آسیب در این حوزه است.

۱۴- عدم تعادل میان ظرفیت ادراکی و محیطی جامعه میزبان: یکی از مشکلاتی که در حوزه گردشگری وجود دارد، حضور بیش از اندازه گردشگران نسبت به ظرفیت قابل تحمل ادراکی محیطی و انسانی جامعه میزبان است که موجب بروز اختلالاتی مانند شلوغی، ترافیک و افزایش قیمت محصولات، بی‌نظمی، بروز برخی آسیب‌های اجتماعی و بعضاً ناهنجاری می‌شود. این امر به مرور زمان، موجب خواهد شد مردم محلی در برابر افزایش تعداد گردشگران واکنش منفی نشان داده و مقاومت نمایند. در این حالت، تعارضات و تنش‌های رفتاری و کنش‌های میان جامعه میزبان و گردشگران موجب کاهش تمایل و رغبت گردشگران و فرار آن‌ها به دیگر محیط‌های امن خواهد شد. از سوی دیگر، حضور گردشگران بیشتر از ظرفیت قابل تحمل زیست‌محیطی





و اشتغال مؤثر خواهد افتاد.

۴- اهمیت گردشگری در ابعاد اقتصادی،

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری از کشورها را به سرمایه‌گذاری و استفاده از همه ظرفیت‌هایشان در این حوزه ترغیب کرده است. یکی از مدل‌هایی که برخی

چالش‌ها و راهکارهای حوزه گردشگری کشور را می‌توان در حوزه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری، فرهنگی و اجتماعی، نیروی انسانی، زیرساختی، تبلیغاتی و سرمایه‌گذاری دسته‌بندی نمود.

کشورها در دو دهه اخیر، برای توسعه گردشگری پایدار خود به آن توجه کرده‌اند، بحث پرداختن به هویت و ساختارهای بومی در حوزه گردشگری بوده است که باعث شکل‌گیری پدیده بوم‌گردی شده است؛ در واقع، این نوع از گردشگری تلاش دارد تا علاوه بر بهره‌مندی از ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و بومی یک کشور در رونق گردشگری و توسعه پایدار اقتصادی، بر حفظ سایر شاخص‌های زیست‌محیطی و زیست‌انسانی نیز توجه و تأکید کند. در کشور ما نیز حدود یک دهه از شکل‌گیری بوم‌گردی در حوزه گردشگری می‌گذرد که البته، علی‌رغم ظرفیت‌های بیشماری که به دلیل تنوع تاریخی و فرهنگی کشور در این حوزه وجود دارد، فاصله بسیاری با کشورهایی که در این حوزه پیشرو بوده‌اند دارد.

۵- مشارکت جامعه میزبان و هدف در اجرای طرح‌های گردشگری و توسعه توریسم: اگر جامعه محلی نحوه برخورد، رفتار و تعامل با گردشگران را آموزش ندیده باشند، در برقراری ارتباط، روابط و تبادل فرهنگی با آنها ناتوان خواهد بود و ضمن تولید نارضایتی، واکنش منفی گردشگران را در پی خواهد داشت. آموزش جامعه محلی پیرامون اصول مهمان‌نوازی و نحوه پذیرش گردشگرانی که با ورود خود به اقتصاد، فرهنگ و پویایی اجتماعی جامعه میزبان کمک می‌کنند، امری ضروری است.

۶- اجرا و تقویت طرح‌های بوم‌گردی در مناطق و استان‌های مستعد کشور.

۷- افزایش اطلاعات گردشگران و افراد جامعه نسبت به اقامتگاه‌ها و مناطق گردشگری کشور.

۸- برنامه‌ریزی برای افزایش و توسعه مدیریت‌شده و هدفمند اقامتگاه‌های بوم‌گردی.

۹- یکی از اصول کلیدی در توسعه گردشگری، به‌ویژه

مقصد موجب آسیب دیدن گونه‌های جانوری و گیاهی این قبیل محیط‌ها شده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به محیط طبیعی وارد می‌سازد.

۱۵- ضعف زیرساخت‌های انسانی متخصص و مسلط به صنعت گردشگری: صنعت گردشگری مانند سایر حرفه‌های تخصصی، نیازمند افراد متخصص، آموزش‌دیده و حرفه‌ای و نیروی انسانی باتجربه است. کمبود و یا ضعف مفرط صنعت گردشگری کشور در حوزه نیروی انسانی آموزش‌دیده و آموزش‌دهنده و عدم آموزش و توانمندسازی جامعه هدف و میزبان در رفتار و برخورد با گردشگران از دیگر دلایل عقب‌ماندگی این صنعت است.

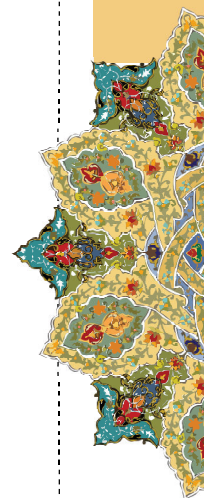
● راهکارها و پیشنهادات توسعه و تسهیل گردشگری

برای توسعه و تقویت صنعت گردشگری و بوم‌گردی در ایران مجموعه اقداماتی باید در چند سطح رویکردی، راهبردی، سیاسی، مدیریتی، فرهنگی، زیرساختی، آموزشی و اقتصادی در دو بخش سخت و نرم گردشگری کشور انجام شود. مجموعه این اقدامات می‌تواند به توسعه و تقویت گردشگری در کشور کمک کند:

۱- درک و رعایت ظرفیت‌های محیطی و ادراکی جوامع میزبان: توجه به محیط انسانی و محیط‌زیست بومی و ظرفیت قابل تحمل ادراکی و زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه گردشگری پایدار است.

۲- رویکرد به گردشگر و توریسم باید به‌عنوان فرصت در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک تبدیل شود. ایران به دلیل پیشینه تاریخی و تمدنی چند هزارساله خود، نه تنها در تعامل با دنیا آسیب نمی‌بیند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک گفتمان فرهنگی و تمدنی غالب به جهان شناسانده شود. سابقه بسیاری از کشورهای اسلامی در برخورد با توریست‌های غیرمسلمان می‌تواند به‌عنوان تجربه مؤثر در سیاست‌گذاری کارگزاران توریسم قرار گیرد.

۳- تجهیز ناوگان هوایی کشور، بهبود سیستم حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، صیانت، حفظ و احیای آداب‌ورسوم و سنن آیینی و تاریخی نواحی مختلف کشور، آموزش علمی مدیران و کارکنان حوزه گردشگری، فرهنگ‌سازی جامعه به‌منظور تقویت زیرساخت‌های کشور برای استفاده بلندمدت از مزایای صنعت توریسم، استفاده از تجارب موفق جهانی در حوزه گردشگری در تقویت جایگاه ایران در صنعت توریسم جهانی و گشایش در بسیاری از مشکلات اقتصادی





در مناطق روستایی، حفظ محیط‌زیست و توان اکولوژیکی مناطق است. ۱۰- استفاده از تجربیات سایر کشورهای موفق در امر گردشگری. ۱۱- تدوین استانداردهای بین‌المللی در زمینه گردشگری، تشکیل بخش‌های نظارتی فعال برای تقویت نظارت بر فعالیت واحدهای گردشگری و آموزش ارزیابان متخصص، زمینه را برای رشد و توسعه کیفی صنعت توریسم در کشور فراهم خواهد آورد. ۱۲- استفاده و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاران بومی و محلی برای توسعه گردشگری.

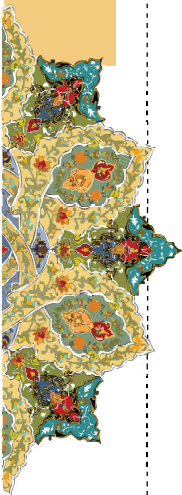
● برآیند

صنعت گردشگری یکی از بزرگ‌ترین و پربازده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در دنیاست که بالاترین میزان ارزش افزوده را ایجاد کرده و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، سایر فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که بسیاری، از آن به‌عنوان «صنعت بدون دود» و یا صنعت اول دنیا یاد می‌کنند. کشور ایران به‌رغم آنکه از غنای تاریخی و جاذبه‌های متعدد و متنوع و فراوانی برخوردار است که آن را در فهرست ده کشور تاریخی جهان و پنج کشور دارای بیشترین تنوع زیستی و جانوری و سی کشور برتر دنیا در زمینه گردشگری قرار داده؛ متأسفانه هنوز نتوانسته به جایگاه شایسته خود در صنعت گردشگری جهان دست پیدا کند. چالش‌ها و راهکارهای حوزه گردشگری کشور را می‌توان در حوزه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری، فرهنگی و اجتماعی، نیروی انسانی، زیرساختی، تبلیغاتی و سرمایه‌گذاری دسته‌بندی نمود. حوزه مدیریت راهبردی و سیاست‌گذاری گردشگری شامل چالش‌هایی می‌شود که در اختیار دولت بوده و باید از طریق سیاست‌گذاری، وضع قوانین و مقررات مناسب و هدف‌گذاری درست و اجرای دقیق و صحیح سیاست‌ها مرتفع گردد. تبیین جایگاه

گردشگری و نقش آن در اقتصاد و درآمد ملی و توجه به اقتصاد گردشگری در برنامه‌های استانی و راهبردی، حل مشکلات اخذ روادید برای گردشگران خارجی، تمرکزبخشی به سازمان‌های ذی‌ربط در حوزه گردشگری، برنامه‌ریزی برای پاسخ‌گویی به تقاضای روبه‌رشد گردشگری و ایجاد تأسیسات جدید و تجهیز زیرساخت‌های موجود، تقویت و برقراری تعامل و ارتباط سیستماتیک میان محیط، میزبان و گردشگر، توجه به دیپلماسی گردشگری و فرهنگی، طراحی سیاست‌های جذب گردشگران بین‌المللی، تدوین استاندارد اقتصادی گردشگری، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری، تعیین متولی آموزش در زیربخش‌های گردشگری، رفع چالش‌های حوزه فرهنگ میزبان و فرهنگ گردشگری، برنامه‌ریزی برای حفظ محیط طبیعی و اکوتوریسم منطقه، کمبود نیروی کار متخصص و کارآموده در صنعت گردشگری، ضعف زیرساخت‌های مربوط به حمل‌ونقل، اقامت، پذیرایی و مهمانداری و خرید و سوغات، ضعف و فرسودگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی، ریلی و زمینی، کمبود اقامتگاه‌های باکیفیت، ضعف در حوزه تبلیغات در صنعت گردشگری و ساخت و ارائه برند گردشگری در سطح جهان، عدم شناساندن فرهنگ بومی و جاذبه‌های گردشگری کشور به سایر کشورها و تبلیغات منفی درخصوص کشور ایران که منجر به کاهش تمایل و تعداد گردشگران خارجی می‌شود از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات حوزه گردشگری و بوم‌گردی در ایران است که حکمرانی گردشگری باید ضمن اصلاح رویکرد خود به گردشگری، در جهت رفع و حل آن‌ها سیاست‌گذاری و اقدام نماید.

یادداشت

۱- مدرس دانشگاه پیام نور تهران.



کریدور زنگزور و تحولات جدید در منطقه قفقاز جنوبی

■ دکتر سالار سیف‌الدینی^(۱)

همزمان با این روندها فرایندهای جهانی به‌ویژه با آغاز جنگ اوکراین و درگیری روسیه در جبهه اروپای شرقی، آغاز جنگ در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ و نیز تنش در سایر مناطق وضعیت جهانی را پیچیده‌تر کرده و به یک معمای امنیتی درخصوص آینده تحولات ژئواستراتژیک در جهان دامن زد. جنگ اوکراین، به‌عنوان یک تحول ژئواستراتژیک، روندهای جهانی را به‌نحوی پیش برد که توانست سایر تحولات کوچک‌تر ژئوپلیتیکی را زیر سایه خود ببرد؛ بنابراین، هر تحولی پس از آن در سایه نیم‌نگاهی به جنگ اوکراین قابل معنایی است. بر این اساس، احتمال هر نوع شروع مجدد جنگ در قفقاز جنوبی نیز می‌تواند تابعی از جنگ اوکراین و منافع روسیه یا ناتو باشد؛ از این رو، ابتدا آخرین مسائل جاری ناشی از جنگ اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

● چالش‌های روسیه و آماده‌باش نظامی در اروپا

از سال ۲۰۲۴ فراخوان‌های آماده‌باش نظامی در اروپا آغاز شده است؛ به‌طوری‌که به عقیده کارشناسان، به وضعیت بی‌سابقه پس از جنگ سرد انجامیده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اروپا پس از جنگ سرد، هیچ‌گاه تا به این اندازه در انتظار یک جنگ علنی به سر نبرده بود. در پی این رخدادها، برخی از مقامات نظامی در قاره سبز، هشدار آمادگی برای جنگ احتمالی را داده‌اند که به‌نظر می‌رسد این نگرانی‌ها ناشی از دو علت عمده است:

اول: انتشار اسناد محرمانه درمورد اقدامات فعال روسیه در حوزه بالتیک (لیتوانی، لتونی، استونی) جهت ایجاد ناآرامی و بحران سیاسی و در نتیجه، آماده‌سازی زمینه لازم جهت مداخله نظامی توسط مسکو. انتشار اسناد طبقه‌بندی‌شده این گزارش به نقل از وزارت دفاع آلمان در نشریه ولت به موجی از نگرانی در اروپا دامن زد. مضمون این گزارش بر این محور استوار بود که روسیه قصد دارد یک‌بار دیگر نفوذ خود را همانند دوره شوروی در کشورهای بالتیک توسعه

● درآمد

جنگ قراباغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ با محوریت باکو، ترکیه و حمایت رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی جهان در «عصر گذار» بود و مقدمات آن دستکم از اوایل دهه ۲۰۱۰ از طریق خرید سلاح، تغییر در ساختار نیروهای نظامی باکو، تقویت روحیات قومی از طریق مدارس و نظام آموزشی و همچنین، بسط نفوذ نرم در اروپا از طریق دیپلماسی خاویار فراهم شده بود. براساس اطلاعاتی که بعدها منتشر شد، معلوم گردید که در کشورهای آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایالات‌متحده، برخی هزینه‌های غیرقانونی در قالب هدایا، معاملات پولشویی و... بین شرکت‌های وابسته به خاندان مهربان علیوا (همسر الهام علی‌اف و معاون اول رئیس‌جمهور) با نمایندگان مجالس این کشورها صورت گرفته است و این معاملات در جهت‌گیری‌های سیاسی این نمایندگان در جنگ قراباغ کوهستانی مؤثر بوده است.

بنابراین، نباید اهمیت این جنگ که نتایج آن موجب از دست رفتن برخی از منافع اساسی برای ایران در منطقه شد دستکم گرفته شود. یکی از تبعات منفی جنگ قراباغ ۲۰۲۰، تحول اساسی در مرزهای شمال غرب ایران از وضعیت عادی و تجاری به مرزهای امنیتی بود. تا پیش از جنگ قراباغ، این نوار مرزی که شامل مساحتی از اصلاندوز در استان اردبیل تا پلدشت در استان آذربایجان غربی است، ماهیت تجاری - انتظامی داشت.

در اواخر سال ۱۴۰۲، تغییر موضع رسمی و اعلامی مسکو درخصوص کریدور زنگزور به چالش انباشته در این زمینه افزود و شکاف میان مواضع تهران و مسکو را افزایش داد. از سوی دیگر، ارمنستان با قطع امید از روسیه (که کوتاهی‌نیروهای حافظ صلح این کشور در تأمین امنیت دلان لاجین مشهود شده بود) رسماً از پیمان امنیت دسته‌جمعی خارج شده و با نزدیکی هم‌زمان به ایران و فرانسه، سیاست جدیدی را اتخاذ کرد.



دهد و احتمالاً آلمان هدف

بعدی این طراحی خواهد بود. از نظر

استراتژیست‌های روسیه، آلمان به‌عنوان یک کشور بری باید هم‌پیمان روسیه باشد نه کشورهای بحری؛ بنابراین، روسیه در استراتژی آفندی خود سعی دارد تا آلمان متحد را از زنجیره کشورهای متحد با آمریکا و ناتو خارج کرده و با حمایت از ناسیونالیسم جدید آلمان، این کشور را به سمت ائتلاف با خود بکشاند. از سوی دیگر، تمایل کمی در جامعه و سیاست آلمان به چنین استراتژی‌ای مشاهده می‌شود؛

یکی از تبعات منفی جنگ قراباغ ۲۰۲۰، تحول اساسی در مرزهای شمال غرب ایران از وضعیت عادی و تجاری به مرزهای امنیتی بود.

بنابراین، سطح اصطکاک بین دو قدرت روزبه‌روز در حال افزایش است. با این وجود، نیروی نظامی آلمان در حال حاضر به‌تهدایی قادر به دفاع در برابر حمله احتمالی مسکو نیست که این موضوع موجب افزایش نگرانی‌هاست. وزرای دفاع آلمان و سوئد تاکنون هشدارهای نظامی آشکاری به شهروندان خود داده‌اند و وزارت دفاع آلمان گفته است که کشورش تلاش می‌کند در عرض پنج سال، برای جنگ آماده شود.

سوئد نیز نگرانی‌های مشابهی دارد که سعی کرده است با پیوستن به ناتو بخشی از آن را تأمین کند؛ اما عضویت در ناتو، تضمین خاصی برای تأمین امنیت هیچ کشوری در برابر روسیه (دستکم در سناریویی که آمریکا بخشی از عضویت مؤثر در آن نباشد) نیست.

دوم: نگرانی دوم در واقع به موضوع اخیر یعنی سرنوشت آینده انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و سیاست‌های احتمالی ترامپ بازمی‌گردد. اعضای ناتو در هراس از تحقق این سناریو به‌سر می‌برند که در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات بعدی، آمریکا حاضر به کمک نظامی بلاعوض به اروپا در برابر حملات روسیه نباشد. ترامپ در فوریه گذشته (۲۰۲۴) به‌صورت واضح این سیاست خود را در یک سخنرانی انتخاباتی اعلام کرده و بیان داشت که به یکی از وزرای دفاع ناتو رسماً گفته است که اگر در برابر خدمات نظامی آمریکا، پولی پرداخت نکنند نه تنها ایالات متحده از امنیت اروپا در برابر روسیه دفاع نخواهد کرد بلکه به روسیه کمک خواهد کرد تا هر کاری که لازم می‌داند با آن‌ها انجام دهد!

در پی همین، دولت آلمان بودجه دفاعی خود را به‌صورت

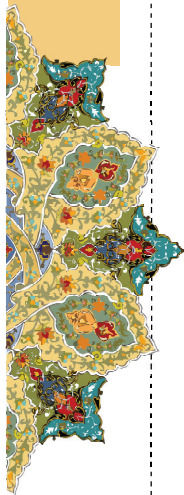
بی‌سابقه‌ای افزایش داده و به حدود ۷۰ میلیارد دلار رسانده است که معادل ۲/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. چنین بودجه‌ای در کشورهای اروپایی پیامدهای خاصی مانند کاهش بودجه تأمین اجتماعی، افزایش قدرت نظامیان، اولویت‌دهی به مقوله امنیت در برابر دموکراسی و حقوق بشر و غیره دارد. وزارت دفاع اتریش نیز از خرید ۳۰ سامانه دفاع موشکی خبر داده است. به‌طور کلی، اروپا و ناتو تخمین می‌زنند که جنگ بزرگ احتمالی در حوالی سال ۲۰۲۵ با حمله روسیه به کشورهای حوزه بالتیک آغاز شود و سپس با حمله به سوئد و آلمان ادامه پیدا کند.

● **مواضع کشورهای ذی‌نفع در خصوص کریدور زنگزور**
۱- روسیه

موضع روسیه در خصوص کریدور زنگزور تا پیش از آغاز جنگ اوکراین مبهم بود. در این مقطع زمانی دو دیدگاه در بین صاحب‌نظران پیرامون موضع مسکو وجود داشت. نخست اینکه روسیه مخالف احداث چنین کریدوری است و نظر دوم آنکه روسیه به‌صورت پنهان حامی کریدور است، به شرطی که کنترل آن را در دست داشته باشد. پس از امضای تفاهم‌نامه آتش‌بس نهم نوامبر، مسکو ۵۰۰۰ نیروی حافظ صلح در قراباغ مستقر کرد که با آغاز جنگ در اوکراین حدود نیمی از این نیروها را به جبهه غرب منتقل کرد. به موازات آن، باکو نیز به انسداد و محاصره کریدور لاپچین و ممانعت از عبور و مرور مواد غذایی، بهداشتی، سوخت و غیره به آرامنه در طول نه ماه اقدام کرد. واکنش مسکو به این اقدام باکو سکوت تأییدآمیز بود که این کنش در تضاد با تعهدات مسکو مبنی بر ضمانت امنیت مسیرهای مواصلاتی به‌ویژه در خصوص لاپچین بود. اکتبر ۲۰۲۳ نیز اشغال تمام عیار قراباغ کوهستانی با تأیید روسیه

در شرایط امروزی، مسئله کریدور زنگزور برای ترکیه به یکی از نمادهای نمایش دادن هژمونی منطقه‌ای تبدیل شده است.

همراه شد؛ در واقع، روسیه هیچ یک از تعهدات صلح‌بانی خود را در خصوص لاپچین به‌جا نیاورد و معلوم نیست که اگر ارمنستان طرح کریدور زنگزور را بپذیرد، مسکو در قبال اشغال نظامی مجدد منطقه از سوی باکو و ترکیه چه واکنشی نشان خواهد داد. در آخرین تحول لاوروف، وزیر خارجه روسیه در واکنش منفی به اظهارات پاشینیان





و بی شک ابزارهای اقتصادی، ژئواکونومیکی و سیاسی

بیشتری برای امتیازگیری از هر دو طرف در اختیار دارد. ترکیه می‌داند که بدون این ابزارها به بازیگری ارزان برای هر دو سوی منازعه تبدیل خواهد شد و امکان معامله بر سر آن وجود دارد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که تلاش ترکیه آن خواهد بود تا حداکثر استفاده را از این «فرصت» به عمل آورده و منافع بیشتری کسب کند.

در شرایط امروزی، مسئله کریدور زنگزور برای ترکیه به یکی از نمادهای نمایش دادن هژمونی منطقه‌ای تبدیل شده است. به این ترتیب، ترکیه با بزرگنمایی اتحاد ایران، ارمنستان و روسیه چنین وانمود می‌کند که قادر است علی‌رغم اتحاد این سه کشور و حتی حمایت فرانسه از ارمنستان، خواسته‌های خود را به کرسی بنشاند. به این ترتیب، این پیام را به گروه‌های هوادار سلفی تکفیری و ترک‌زبان در منطقه ارسال کند که به عنوان «برادر بزرگ‌تر» کشورهای ترک‌زبان و همچنین، جانشین غیررسمی دستگاه «خلافت» از جمعیت‌های ترک‌زبان و مسلمان حمایت خواهد کرد؛ امری که هم‌اکنون در خصوص ترکمان‌های سوریه و عراق نیز وجود دارد. به این ترتیب، احساسات افراط‌گرایانه نیز در کنار تمایلات پان‌ترکیستی در منطقه تحریک و پروراند می‌شود.

۳- باکو

باکو به‌عنوان بازیگر ناحیه‌ای برای کسب قدرت و منزلت بیشتر چاره‌ای ندارد جز اینکه در سایه ترکیه سیاست خارجی خود را دنبال کند؛ بنابراین، هیئت حاکمه این کشور عملاً رهبری ترکیه را در جهان اسلام و جهان به اصطلاح ترک پذیرفته و فرض را بر این قرار داده‌اند که در صورت تغییر نظم جهانی پس از عصر گذار، می‌تواند در کنار ترکیه به رشد منطقه‌ای دست پیدا کند. از نظر زمامداران باکو، توسعه قلمرویی در ابتدا از مسیر قراباغ و سپس اشغال مناطقی از ارمنستان میسر می‌شود.

علی‌اف و اردوغان هم‌زمان اعلام کرده‌اند که هدف نهایی آن‌ها باز کردن کریدور زنگزور است. اردوغان از ارمنستان خواسته است که این سرزمین‌ها را فوراً در اختیار باکو قرار دهد. علی‌اف نیز طی سخنانی، ارمنستان به‌ویژه نواحی سیونیک را به‌عنوان خاک «آذربایجان غربی» شناسایی کرده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد در سکوت جهانی، همه‌چیز به‌جز مقاومت جدی از جمهوری اسلامی ایران برای حمله و اشغال سیونیک فراهم است و فقط باید

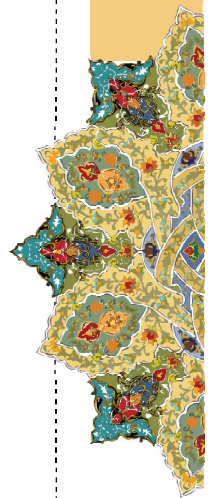
درخصوص کریدور لاچین که گفته بود ارمنستان صرفاً با گذرگاهی مشابه مسیری که سرزمین اصلی آذربایجان را از طریق ایران به نخجوان وصل می‌کند موافقت خواهد کرد، بیان داشت که «کریدور زنگزور جایگزین دیگری ندارد» که مفهوم مخالف آن به این معنا است که شرایط ایران در زنگزور قابل اجرا نیست؛ بنابراین، روسیه با تغییر موضع سستی خود که در حمایت از ارمنستان بود رسماً با مواضع آذربایجان همراهی می‌کند و این سیاست جدید به سراسر قلمرو ارمنستان نیز قابل تعمیم است؛ زیرا علی‌اف بارها اعلام کرده است که ایران نیز سرزمین تاریخی آذربایجان به‌شمار می‌رود.

۲- ترکیه

در چنین شرایطی، وضعیت احتمالاً برای ترکیه روبه بهبود است. ترکیه از طریق چانه‌زنی در مورد رأی مثبت به عضویت سوئد در ناتو، موفق به جلب نظر دولت امریکا و کنگره جهت فروش هواپیماهای جنگنده اف ۱۶ شد که از سال‌های پیش به دنبال آن بود. همچنین، برخی از تحریم‌ها علیه صنعت پهپاد ترکیه که از جنگ قراباغ به این سو عملی شده بود برداشته شده است. توسعه دغدغه امنیت در اروپا، موجب کاهش فشار حقوق بشری به حکومت اردوغان خواهد شد و مقوله‌هایی مانند دموکراسی، شفافیت و آزادی‌های مدنی یا حقوق اقلیت‌های دینی، مذهبی و قومی که همواره محل چالش ترکیه با اروپا بوده است،

باکو به‌عنوان بازیگر ناحیه‌ای برای کسب قدرت و منزلت بیشتر چاره‌ای ندارد جز اینکه در سایه ترکیه سیاست خارجی خود را دنبال کند؛ بنابراین، هیئت حاکمه این کشور عملاً رهبری ترکیه را در جهان اسلام و جهان به اصطلاح ترک پذیرفته و فرض را بر این قرار داده‌اند که در صورت تغییر نظم جهانی پس از عصر گذار، می‌تواند در کنار ترکیه به رشد منطقه‌ای دست پیدا کند.

برای مدتی مرتفع خواهد شد. این همان وضعیت مطلوبی است که ترکیه در فاصله جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد تجربه کرد و در سایه نیاز غرب به همکاری با ترکیه در زمینه رویارویی با اتحاد شوروی، توانست اقلیت‌های قومی و مذهبی را بدون فشار خارجی کنترل و محدود کند و علاوه بر آن، در برابر یونان در منطقه مدیترانه شرقی نیز قدم علم کرده و شمال جزیره قبرس را اشغال کند. با این تفاوت که ترکیه امروزی بسیار متفاوت‌تر از ترکیه جنگ سرد است





منتظر فرص مناسب

مانند که این فرصت از نظر آنکارا - باکو زمانی است که در نتیجه کشمکش بیشتر روسیه و ناتو، جنگ اوکراین به اروپای شرقی یا حوزه بالتیک کشیده شود.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد علی‌اف انگیزه‌های جدی سیاسی برای تداوم فعالیت‌های نظامی در نخجوان، قراباغ و سیونیک دارد. پیش از هر چیز به نظر می‌رسد که علی‌اف با میلناریزه کردن فضای جامعه خود، در درجه نخست به دنبال مشروعیت است و در وهله دوم، به دنبال تعویق مطالبات سیاسی از جمله حقوق شهروندی، رفاه اقتصادی، دموکراسی و برگزاری انتخابات است. نباید فراموش کرد که کشور جمهوری آذربایجان به صورت خاندانی اداره می‌شود. پس از فروپاشی شوروی، الهام جانشین پدر خود شد و اکنون همسر خود را به عنوان معاون اول انتخاب کرده و در حال آماده کردن فرزندش برای جانشینی است؛ بنابراین، در آینده نزدیک، شرایط نظامی بهترین وضعیت برای تداوم حکومت خاندانی در این کشور است. علی‌اف با استفاده از ضعف پاشینیان نه تنها در قراباغ کوهستانی، بلکه در تاوس (مرز با گرجستان) و شمال نخجوان مانند ناحیه سدرک به دنبال سرزمین‌های کوچکی خواهد رفت تا به زعم خود، تمامیت ارضی کشورش را تکمیل نماید؛ بنابراین، چونان سال‌های گذشته، شرایط نظامی در آذربایجان استمرار پیدا خواهد کرد.

۴- ارمنستان

ایروان پس از متحمل شدن شکست در جنگ ۲۰۲۰ و تغییرات ساختاری در قدرت، تعادل سیاسی خود را از دست داده است و به نظر می‌رسد قادر به تأمین مؤثر امنیت خود در مرزها نیست. پس از جنگ ۲۰۲۰ و به‌ویژه عدم

به نظر می‌رسد در سکوت جهانی، همه چیز به جز مقاومت جدی از جمهوری اسلامی ایران برای حمله و اشغال سیونیک فراهم است و فقط باید منتظر فرصت مناسب ماند که این فرصت از نظر آنکارا - باکو زمانی است که در نتیجه کشمکش بیشتر روسیه و ناتو، جنگ اوکراین به اروپای شرقی یا حوزه بالتیک کشیده شود.

پایندی مسکو به تعهدات خود در تفاهم‌نامه آتش‌بس نهم نوامبر مبنی بر حفاظت از کریدور لاجین، روند واگرایی ارمنستان از روسیه شدت بیشتری پیدا کرد. در پی پاتک‌های نظامی متعدد باکو به خاک ارمنستان در منطقه شرق، ارمنستان از پیمان امنیت دسته‌جمعی درخواست کمک کرد؛

اما این درخواست از سوی پیمان رد شد. در پی آن، ارمنستان در فوریه ۲۰۲۴ اعلام کرد که از پیمان امنیت دسته‌جمعی خارج خواهد شد که فعلاً با واکنش منفی روسیه مواجه شد. همچنین، خرید تسلیحات نظامی ارمنستان از فرانسه و هندوستان از سوی باکو با خرید جنگ‌افزار و جنگنده از ترکیه، رژیم صهیونیستی و پاکستان پاسخ داده شده است. در بُعد دیپلماتیک، درخواست باکو از ارمنستان جهت انعقاد صلح دائم بر چند محور اساسی قرار دارد. نخست اینکه ارمنستان باید تعهد به پیوستگی با قراباغ کوهستانی را در قانون اساسی خود حذف کند و دوم، توان ارتش خود را به حداقل برساند که نوعاً به معنای خلع سلاح است و سوم، اجازه بازگشایی کریدور زنگزور را به صورت واگذاری ارضی بدهد.

۵- موضع ایران

ایران از سال ۲۰۲۰ موضع ثابتی را در قبال کریدور جعلی زنگزور اتخاذ کرده و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که مخالف تغییر مرزها بوده و اجازه استقرار نیروهای خارجی را در منطقه نمی‌دهند. در ادامه همین هدف، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مانورهای سالانه‌ای را در مواقع حساسی که احتمال عملیات نظامی از سوی ترکیه و باکو در منطقه می‌رفت برگزار کرده‌اند. در دو سال گذشته، ایران با راه‌اندازی کنسولگری خود در کاپان (مرکز استان سیونیک) و اجازه تأسیس کنسولگری به ارمنستان در تبریز، روابط استراتژیک خود را با ارمنستان ساختارمند کرد. همچنین، ایران تمایل دارد که در منطقه سیونیک پایگاه نظامی داشته باشد که تاکنون پاسخ مثبتی در این باره از ارمنستان دریافت نکرده است.

در رابطه با باکو باید گفت از دوران آغاز جنگ قراباغ، ایران چندین تنش ژئوپلیتیکی را با باکو تجربه کرده است که شامل اعتراض ایران به حضور نیروهای تکفیری در قراباغ، ناخرسندی از حضور نیروهای صهیونیست در منطقه برای عملیات نظامی و جاسوسی علیه ایران، حمله یک فرد به سفارت باکو در تهران و تعطیلی سفارت این کشور در تهران و تنش‌های متعدد رسانه‌ای و... می‌شود.

از نظر ایران، قطع مرز با ارمنستان موجب تهدید مسیرهای مواصلاتی و ضربه به مسیر ترانزیتی ایران به دریای سیاه در بلندمدت خواهد شد که در این صورت، وابستگی تجاری و ژئواکونومیکی ایران به آذربایجان قطعی خواهد شد. در یک پیش‌بینی دیگر که قطعی به نظر می‌رسد، با احداث کریدور زنگزور (به صورت اشغال سرزمین ارمنستان و قطع مرز) موازنه



● بوآیند

از سال ۲۰۲۰ مسئله دالان زنگزور

به یک معمای امنیتی در منطقه تبدیل شده است. از یک طرف، برخی از کشورهای عضو ناتو مانند انگلستان و ترکیه به طور شفاف خواهان برقراری آن هستند و به دلیل منافعی که در استخراج یا انتقال انرژی خزر دارند، از موضع باکو حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی هم که تأثیری زیادی بر سیاست‌گذاری در غرب دارد خواهان تحقق آن است و کشورهایمانند پاکستان و افغانستان هم که در همسایگی ایران قرار دارند به دلیل نزدیکی با ترکیه و فقدان روابط دیپلماتیک با ارمنستان از چنین طرحی حمایت می‌کنند. درعین حال، فرانسه به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار در ناتو و اتحادیه اروپا با این طرح به شدت مخالف است و تاکنون در کنار ارمنستان قرار گرفته است. در این میان، تغییر موضع تدریجی روسیه نیز رابطه نیروها را تا اندازه زیادی به ضرر جمهوری اسلامی شکل داده است.

درگیر شدن روسیه در جنگ اوکراین و به تبع آن اروپا می‌تواند آثار و پیامدهای غیرمنتظره‌ای در پی داشته باشد؛ زیرا در سیاست جدید روسیه همه تحولات عمده با عینک مسئله اوکراین مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. خروج ارمنستان از میدان جاذبه روسیه در منطقه، موجب واکنش‌های منفی در مسکو شده است؛ اما پابندی ارمنستان به ادامه مناسبات با مسکو و خطوط قرمز آن نیز تاکنون آورده‌ای برای روسیه نداشته است و بنابراین، رابطه یک طرفه مسکو - ایروان که منافع ایروان در آن رعایت نمی‌شود فضایی کاملاً سرد بین دو کشور ایجاد کرده است. در حال حاضر، به نظر می‌رسد همه چیز به حرکت‌های بعدی روسیه در شرق اروپا بستگی دارد؛ اگر روسیه درگیری جدیدی در اروپای شرقی و حوزه بالتیک در سال ۲۰۲۵ آغاز کند و بحران‌های جهانی به مرحله بالاتری ارتقا یابد، حمله به استان سیونیک ارمنستان احتمال بیشتری پیدا کند و حتی ممکن است روسیه نیز به چنین حمله‌ای چراغ سبز نشان دهد. در این بین، هنر دیپلماسی ایران اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا تهران می‌تواند معادله و رابطه نیروها را از طریق دیپلماسی و اقتناع تغییر داده و یک بار دیگر روسیه را به جمع مخالفان کریدور زنگزور بکشد.

یادداشت

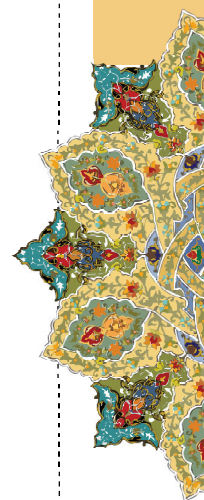
۱- دکترای دانشگاه تربیت مدرس.

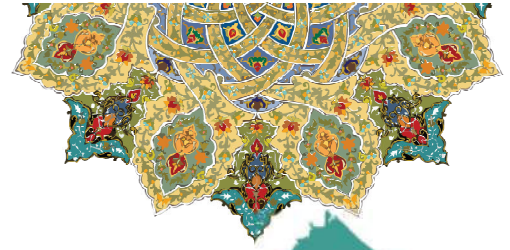
روابط تجاری با باکو به ضرر ایران دگرگون خواهد شد؛ زیرا در حالی که پس از فروپاشی شوروی، جمهوری آذربایجان برای رسیدن به جمهوری خودمختار نخجوان وابسته به مسیر ایران بود، در نظم جدید آینده نه تنها این وابستگی حذف خواهد شد، بلکه این بار ایران برای دسترسی به بازارهای تجاری روسیه و قفقاز جنوبی وابسته به باکو خواهد شد. بدیهی است که هم افکار عمومی ایران و هم نظام سیاسی به شدت در برابر این تهدیدات ژئوپلیتیکی تاکنون موضع‌گیری کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی گروه‌های مخالف و برانداز با توجه به حساسیت مسئله در فضای ملی و بین‌المللی بر روی باخت جمهوری اسلامی در معادله امنیتی قفقاز جنوبی محاسباتی را انجام داده‌اند تا در صورت پیروزی احتمالی رقبا از یک طرف حکومت را به تضییع منافع ملی متهم کنند و از سوی دیگر، ناتوانی آن را در تأمین این مصالح به رخ بکشند.

جنبه دیگر تهدیدآمیز در موضوع کریدور زنگزور، نبرد ایدئولوژی‌های سیاسی است که چند سالی است در پس پرده مسائل سیاسی ظاهر شده است. از نظر اندیشه سیاسی، پیروزی محور باکو-تلاویو - آنکارا در مسئله کریدور زنگزور نوعاً به حساب پان‌ترکیسم گذاشته خواهد شد؛ زیرا پیروزی در میدان جنگ برای ایدئولوژی‌ها مشروعیت ایجاد می‌کند. تا جایی که به مصالح ایران مربوط می‌شود، کشور ما همواره از داخل و خارج

ایران از سال ۲۰۲۰ موضع ثابتی را در قبال کریدور جعلی زنگزور اتخاذ کرده و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که مخالف تغییر مرزها بوده و اجازه استقرار نیروهای خارجی را در منطقه نمی‌دهند.

از سوی پان‌ترکیسم مورد تهدید قرار گرفته است و اجازه دادن به بازیگری کشورهای دیگر با توسل به پان‌ترکیسم در منطقه، دیر یا زود دامن ایران را نیز خواهد گرفت. به‌ویژه که بر اثر پیروزی این دولت‌ها، تولید چنین مشروعیتی برای پان‌ترکیسم در داخل تبعات خاص خود را خواهد داشت و به موج جدیدی از پان‌ترکیسم دامن زده و چالش‌های بیشتری ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر، به عقیده بسیاری از کارشناسان، دامنه قلمرو گسترتری پان‌ترکیسم به ارمنستان محدود نخواهد ماند و در میان مدت، متوجه ایران نیز خواهد شد؛ کمالینکه رسانه‌های متعدد رسمی و نیمه رسمی در باکو پس از جنگ قراباغ بارها اظهار کرده‌اند که پس از قراباغ، نوبت تبریز فرا خواهد رسید.





دیدگاه اندیشه‌های بین‌المللی به محور مقاومت

■ مریم یاری^(۱)

● درآمد

محور مقاومت که به‌نوعی از ابتکارات سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، علاوه بر اینکه توانسته رژیم صهیونیستی، به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان منطقه را مهار کند، مزایایی نیز برای امنیت ملی ایران دارد که عموماً به‌سبب جوسازی‌های رسانه‌ای مغفول می‌ماند؛ از جمله کاهش هزینه‌های نظامی، جلوگیری از درگیری مستقیم، ایجاد عمق استراتژیک، حفظ توان نظامی برای شرایط درگیری احتمالی مستقیم. هرچند که پروپاگانداي رسانه‌های دشمن به‌ویژه رسانه‌های وابسته به صهیونیست‌ها در تلاش است دستاوردهای محور مقاومت را سیاه‌نمایی کند و آن را تنها هزینه‌ای برای مردم ایران توصیف کند؛ اما درحقیقت بنابر ادعان کارشناسان، هزینه‌ی حمایت از محور مقاومت بسیار کمتر از ارتش‌های کلاسیک است.

درحقیقت، استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه به ایران اجازه می‌دهد تا در تنش‌های منطقه‌ای که دشمنان علیه ایران ترتیب می‌دهند بدون درگیر شدن مستقیم شرکت کند، می‌تواند خطر تلفات جانی و مالی برای ایران را نیز کاهش دهد و از هزینه‌های نظامی ایران به‌طور قابل توجهی بکاهد. این امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با تحریم‌های اقتصادی روبه‌روست، اهمیت دارد. کاهش قدرت دفاعی و منطقه‌ای ایران همواره یکی از اهداف تحریم‌های امریکا و غرب علیه ایران بوده است. تاریخچه تحریم نظامی طولانی ایران به سال‌های پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد. پس از اشغال لانه‌ی جاسوسی امریکا در تهران، ایالات متحده اولین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرد که شامل ممنوعیت صادرات تجهیزات نظامی به ایران بود. در پی جنگ ایران و عراق، امریکا تحریم تسلیحاتی کاملی را علیه ایران وضع کرد. دولت ریگان ایران را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد و محدودیت‌های بیشتری برای صادرات

و فروش تجهیزات نظامی به ایران اعمال شد. در دهه ۱۳۷۰ با تصویب قانون منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق، امریکا تلاش کرد تا از برتری نظامی ایران در منطقه جلوگیری کند. در سال ۱۳۸۴ با ادعای تشدید نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد اولین قطعنامه تحریم تسلیحاتی را علیه ایران تصویب کرد. با تصویب قطعنامه‌های بیشتر توسط شورای امنیت، تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران گسترش یافت و شامل ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین و موشک‌ها و همچنین، محدودیت در ارائه خدمات مالی و فنی مرتبط با فعالیت‌های نظامی شد. با توافق برجام، تحریم‌های تسلیحاتی ایران به‌طور موقت لغو شد؛ اما با خروج امریکا از برجام، تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران دوباره بازگشت. با انقضای محدودیت‌های تسلیحاتی برجام، ایران از نظر فنی مجاز به خرید و فروش آزادانه تسلیحات شد؛ اما علی‌رغم آن، بسیاری از کشورها به دلیل ترس از تحریم‌های امریکا، از معامله تسلیحاتی با ایران خودداری می‌کنند؛ از این رو، ایران با اتکا به صنعت دفاعی بومی خود توانسته است این تحریم‌ها را خنثی کند.

واقعیت آن است که مهم‌ترین استراتژی ایران در برابر محدودیت‌های نظامی تحمیلی بر کشور، علاوه بر اتکا به صنایع بومی، پشتیبانی از محور مقاومت بوده است. حمایت از نیروهای مقاومت که اکنون به‌نوعی برند سیاست خارجی جمهوری اسلامی است؛ توانسته منافع ملی کشور را در حوزه‌ی نظامی با توجه به شرایط تحریمی و لزوم حفظ تمامیت ارضی با وجود دشمنان و رقبای منطقه‌ای تأمین کند. هرچند برخی رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های فارسی‌زبان می‌کوشند حمایت جمهوری اسلامی از این نیروها را مغایر با منافع ملی ایران معرفی کنند و این حمایت‌ها را هزینه‌ساز برای مردم ایران توصیف کنند؛ اما برخی از اندیشه‌سازان و کارشناسان مسائل سیاسی و نظامی غربی استراتژی ایران



امریکا این بود که پس از افول داعش گمان برد که دیگر جنبش‌های

سنی نیز از محبوبیت کمی در خاورمیانه برخوردار هستند و می‌تواند بدون نگرانی از واکنش جنبش‌های فلسطینی، عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل را پیش ببرد؛ در حالی که اگر به پیروزی حزب‌الله در نبرد ۲۰۰۶ رجوع می‌کرد، متوجه می‌شد که هم شیعیان و هم اهل سنت منطقه از پیروزی این جنبش بر رژیم صهیونیستی خشنود بودند.

۲- خودکفایی نظامی

همان‌طور که ذکر شد، ایران همواره مورد تحریم نظامی قرار داشته است؛ اما ایران با تکیه به فناوری‌های بومی توانسته است اکنون به پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌ی نظامی دست یابد و امکان فروش تسلیحات را فراهم نماید. این امر موجب توجه و تمایل برخی از کشورها به سلاح‌های ایرانی شد و قیمت پایین و کارآمدی آن از مزایای سلاح‌های ایرانی برشمرده شد؛ تا جایی که حتی خشم برخی تحلیلگران صهیونیست را برانگیخت. دنیس سیتینوویچ، مسئول سابق واحد تحلیل «میز ایران» در «سازمان اطلاعات دفاعی» ارتش اسرائیل و کارشناس کنونی «اندیشکده مطالعات امنیت ملی» وابسته به دانشگاه تل‌آویو، طی یادداشتی در

محور مقاومت که به نوعی از ابتکارات سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، علاوه بر اینکه توانسته رژیم صهیونیستی، به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان منطقه را مهار کند، مزایایی نیز برای امنیت ملی ایران دارد که عموماً به‌سبب جوسازی‌های رسانه‌ای مغفول می‌ماند؛ از جمله کاهش هزینه‌های نظامی، جلوگیری از درگیری مستقیم، ایجاد عمق استراتژیک، حفظ توان نظامی برای شرایط درگیری احتمالی مستقیم.

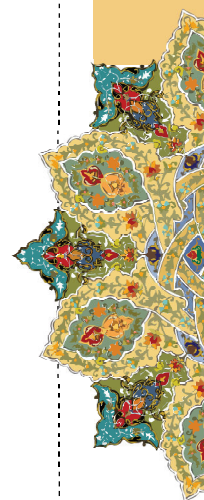
«اندیشکده شورای آتلانتیک» نسبت به غفلت از توسعه‌ی صادرات پهپادهای ایرانی به سایر کشورها، به دولت امریکا هشدار داد. نویسنده بیان داشته است که «ایران در سال‌های اخیر، سرعت فروش و انتقال پهپاد به نقاط مختلف از ایتوپسی و الجزایر تا بولیوی و ونزوئلا را افزایش داده و در راه تبدیل شدن به یک صادرکننده پیشرو تسلیحات است». این امر برای ایران علاوه بر سود اقتصادی (برای مثال مبلغ خرید یک پهپاد شاهد ۱۳۶ بین ۲۰ تا ۴۰ هزار دلار برآورد شده)، یک دستاورد دیپلماتیک یعنی «تعمیق جایگاه سیاسی جمهوری اسلامی در این کشورها و ایجاد وابستگی به محصولات ایران» نیز است. به اذعان نویسنده،

درمورد محور مقاومت را دارای مزایایی می‌دانند که طی مقالات متعدد بدان اذعان داشته‌اند؛ این مقالات تاحدود زیادی مغرضانه بودن استدلال‌های رسانه‌های فارسی‌زبان درخصوص حمایت ایران از محور مقاومت را آشکار می‌سازد و بیش‌ازپیش سیاست‌های غرض‌ورزانه‌ی آن‌ها را هویدا می‌کند. در ادامه به برخی از این تحلیل‌ها اشاره شده و سه فاکتوری که در برخی از تحلیل‌های اندیشکده‌ها در ارتباط با محور مقاومت بیان شده ذکر می‌گردد.

● نگاه برخی اندیشکده‌ها به منافع محور مقاومت برای ایران

۱- کاهش شکاف‌های شیعه - سنی و افزایش قدرت نرم ایران
تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی تا پیش از فروپاشی عثمانی، نمود چندانی در منطقه نداشت و شیعیان و اهل سنت با مسالمت در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند؛ ولی «سیاست‌های استعماری و ظهور دولت‌ملت‌های نوظهور برمبنای خطوط فرقه‌ای» موجب تنش‌ها و منازعات مذهبی میان پیروان دو مذهب شد؛ زیرا بریتانیا و فرانسه، حاکمان اهل سنت را بر اکثریت شیعه در لبنان و عراق حاکم کردند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، مداخلات نابجای ایالات متحده به شدت درگیری‌های فرقه‌ای را در سراسر خاورمیانه افزایش داد و جنگ داخلی خونینی را در عراق آغاز کرد که در نهایت، منجر به پیدایش داعش شد.

توبی متیشن، استاد خاورمیانه دانشگاه بریستول طی یادداشتی در فارن‌افرز مورخ ۲۰ بهمن ۱۴۰۲، به ارزیابی پیامدهای جنگ غزه بر خاورمیانه پرداخته است. او تأکید دارد تصمیم ایران و محور مقاومت در حمایت از حماس به‌عنوان یک گروه سنی به نوعی وحدت گروه‌های شیعه با یک گروه سنی در منطقه را به نمایش گذاشته که می‌تواند در افزایش قدرت نرم ایران و محور مقاومت مورد استفاده قرار گیرد. به اذعان نویسنده، حمایت گروه‌های مقاومت شیعی لبنانی، عراقی، سوری و یمنی مورد حمایت ایران از یک جنبش سنی، تصور پیشین مبنی بر اینکه محور مقاومت برمبنای تعارض فرقه‌ای شیعیان و اهل سنت در رقابت ایران و عربستان پدید آمده را متغی ساخته است. نویسنده بیان می‌کند که اتحاد گروه‌های مبارز شیعی و افکار عمومی سنی منطقه «یک چالش راهبردی برای امریکاست که نفوذ منطقه‌ای ایالات متحده را تضعیف می‌کند و در درازمدت می‌تواند مأموریت‌های نظامی متعدد امریکا در منطقه را با مشکل مواجه کند». به نظر نویسنده، خطای محاسباتی





مزیت اولی که توان صادراتی ایران را تقویت می‌کند، قیمت کمتر این تولیدات در مقایسه با نمونه‌های مشابه غربی است. مزیت دیگر اینکه ایران ظاهراً نگران نیست که این محصولات به دست طرف‌های خارجی بیفتد. سبترینویچ سه توصیه به دولت بایدن برای جلوگیری از تقویت توان صادرات ایران دارد: اول، اعمال تحریم‌های بیشتر بدین ترتیب که شرکت‌های خارجی را از ارسال قطعات با کاربرد دوگانه به ایران که می‌تواند در صنعت تولید هواپیماهای بدون سرنشین استفاده شود بازدارد؛ دوم، خریداران تسلیحات ایرانی را از ادامه معامله با تهران بازداشته و «موجب تقویت ثبات و افزایش وابستگی آن‌ها به امریکا» شود؛ اقدام سوم اینکه با فضا سازی رسانه‌ای، تصویری که از اعتبار و توانمندی تسلیحات ایرانی ترسیم شده را خدشه‌دار کند و انگیزه خرید این تسلیحات را کاهش دهد.

۳- کسب قدرت منطقه‌ای

بعد از انقلاب، تلاش دشمنان برای انزوای ایران به‌ویژه در منطقه همواره وجود داشته است؛ اما ایران با ابتکارات خود توانسته همچنان جایگاه خود را در منطقه حفظ کند و حتی به اذعان بسیاری از کارشناسان، بر نقش منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر محور پیرامونی افزوده است؛ از این رو، نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای با عنوان محور شیعی بر این استراتژی ایران صحنه می‌گذارد و تأکید می‌کند که: «ایران توانسته بر سیاست، اقتصاد و سایر ابعاد کشورهای منطقه‌ای پیرامون خود مؤثر باشد. نیویورک‌تایمز ادعا دارد، جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل تلاش کرده تا قوسی از نیروهای همفکر خود را در سراسر خاورمیانه ایجاد کند. آموزش و تسلیح گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی در سراسر منطقه از ارکان سیاست خارجی و امنیتی ایران بوده است. آنچه جمهوری اسلامی آن را «محور مقاومت» می‌نامد، برخی دیگر اغلب از آن به‌عنوان «هلال شیعی» یاد می‌کنند که از یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان تا عراق، سوریه و لبنان امتداد و تا نوار غزه ادامه دارد.

این روزنامه حزب‌الله را به‌عنوان یکی از عناصر این هلال، از قدرتمندترین نیروها در منطقه توصیف می‌کند که توانسته اسرائیل را پس از تهاجم در سال ۱۹۸۲ از اکثر مناطق همسایه لبنان عقب براند. «حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ با اسرائیل جنگ ۳۳ روزه داشت و اکنون نیز از ۷ اکتبر تقریباً روزانه تبادل آتش وجود داشته است». این روزنامه مدعی

است: «اعتقاد بر این است که ایران موشک‌های قدرتمندی را به حزب‌الله داده است که می‌تواند بیشتر شهرهای اسرائیل را هدف قرار دهد؛ با این حال، جدای از اینکه حزب‌الله یک شبه‌نظامی شیعه است، همچنین، یک حزب سیاسی است که به دنبال جذابیت و محبوبیت در میان لبنانی‌ها است».

نیویورک‌تایمز درباره نفوذ ایران در سوریه معتقد است: «خانواده اسد، شیعه‌ای علوی هستند که مدت‌هاست با متحد شدن با ایران تسلط خود را در داخل کشور تقویت کرده‌اند. این اتحاد به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۱، زمانی که رئیس‌جمهور بشار اسد با یک قیام ضد دولتی و در نهایت، با یک جنگ داخلی با نیروهای افراطی مواجه شد، مفید بود. ایران از آن زمان در این کشور مستقر است و کمک‌های مستشاری و نظامی به سوریه ارائه می‌کند.

عراق به‌عنوان دیگر منطقه مورد نفوذ محور مقاومت و ایران توصیف می‌شود و امریکا به سبب حمله به عراق و ایجاد فرصت برای ایران، بسیار مورد انتقاد تحلیلگران

مهم‌ترین استراتژی ایران در برابر محدودیت‌های نظامی تحمیلی بر کشور، علاوه بر اتکا به صنایع بومی، پشتیبانی از محور مقاومت بوده است. حمایت از نیروهای مقاومت که اکنون به نوعی پرند سیاست خارجی جمهوری اسلامی است؛ توانسته منافع ملی کشور را در حوزه‌ی نظامی با توجه به شرایط تحریمی و لزوم حفظ تمامیت ارضی با وجود دشمنان و رقبای منطقه‌ای تأمین کند.

قرار می‌گیرد. این مقاله نیز می‌نویسد: «یکی از پیامدهای ناخواسته حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ این بود که ایران توانست نفوذ خود را در عمق دشمن سابق خود گسترش دهد؛ شبه‌نظامیان وفادار خود را تقویت کند، نفوذ سیاسی گسترده‌ای به دست آورد و از منافع اقتصادی بهره‌مند شود. عراق و ایران دو کشور بزرگ خاورمیانه با اکثریت مسلمان شیعه هستند، تلاش برای بیرون راندن ابتدا نیروهای امریکایی و سپس گروه تروریستی داعش به ایران و متحدانش اجازه داد تا نفوذ (محبوبیت) خود را افزایش دهند».

در ارتباط با موقعیت ایران در عراق رنج علاءالدین، فارغ‌التحصیل دکترای حقوق بین‌الملل از مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن و کارشناس «اندیشکده بروکینگز» مؤلفه‌های مؤثر بر موقعیت برتر ایران در عراق را معطوف به نقش حشدالشعبی برشمرده است. به نظر نویسنده، ایران



را در ارتباط با نیروهای مقاومت مطرح ساخت که بر مبنای آن،

نیروهای محور مقاومت و تسلیحات و تجهیزات آن‌ها به‌ویژه در سوریه هدف قرار داده می‌شد. به‌تازگی و پس از جنگ غزه، اقدامات سخت علیه این گروه‌ها نه تنها از سوی رژیم صهیونیستی، بلکه به‌ویژه از سوی متحدان غربی رژیم صهیونیستی نیز افزایش یافته است. در این زمینه، اندیشکده‌ها به‌ویژه در ارتباط با انصارالله که به‌تازگی در حمایت از مردم فلسطین اقدامات مؤثری انجام داده‌اند؛ راهکارهایی را به سیاستمداران پیشنهاد کرده‌اند که نشان‌دهنده شدت مقابله با این محور است. در این راستا، جوزف ووتل، فرمانده سابق سنتکام؛ مایکل پاتریک، معاون سابق و دستیار وزیر دفاع امریکا در امور خاورمیانه؛ کوین دونگان، فرمانده سابق ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در خاورمیانه؛ سام موندی فرمانده سابق نیروی دریایی سنتکام و بلال صعب، از پژوهشگران سابق دفتر معاون سیاسی پتاگون طی گزارشی منتشر شده در «اندیشکده خاورمیانه» به امریکا توصیه کرده‌اند که با جدیت با انصارالله برخورد نظامی کند.

در این گزارش راهبردی اذعان شده که «حملات هوایی ایالات متحده به هدف کاهش توانایی‌های نظامی حوثی‌ها، ضروری اما ناکافی است». بازدارندگی باید شامل «مقابله با تأمین یا تجهیز مجدد این گروه توسط ایران یا سازمان‌های دیگر به سلاح‌ها و اجزای تسلیحاتی قابل استفاده برای حمله به کشتی‌های بین‌المللی و مقابله با استفاده حوثی‌ها از کمک‌های آموزشی و اطلاعاتی یا سایر ابزارهای ایران» باشد. به نظر نویسندگان «توقف خصومت‌ها در غزه، تنش‌ها را در سراسر منطقه کاهش داده و روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل را پیش می‌برد، ولی بعید است چشم‌انداز راهبردی ایران را تغییر داده یا متوقف کند؛ زیرا «عنصر اصلی رویکرد ایران، اخراج تدریجی ایالات متحده از خاورمیانه است و ترجیح می‌دهد با استفاده از شبکه منطقه‌ای خود، ضمن پیگیری اهدافش، نقش خود را انکار کند و هزینه‌های خود را به حداقل برساند».

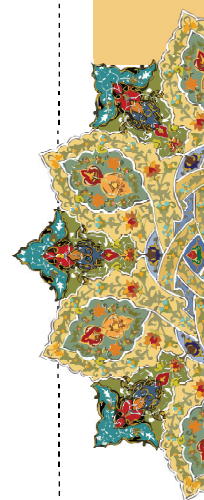
آن‌ها پیشنهادهایی را ارائه کرده‌اند از جمله محدودسازی تجهیز انصارالله از مرزهای دریایی، توانمندسازی سنتکام برای افزایش پروازهای ضربتی، جلب و توسعه مشارکت متحدان عرب و اروپایی برای تشکیل یک گروه ضربت بین‌المللی. در ادامه نویسندگان این گزارش اقرار می‌کنند که این اقدامات ممکن است به تشدید تنش بینجامد. به

با استفاده از روابط نزدیک با حشدالشعبی توانسته هم در قدرت سیاسی و هم اقتصادی عراق موقعیت مناسبی داشته باشد. او معتقد است: «علی‌رغم همه حوادث، حشدالشعبی با انعطاف‌پذیری توانسته روابط مساعدی با نهادهای قدرت اعم از ارتش، دادگاه عالی و وزارت کشور داشته باشد. پیروزی فهرست‌های وابسته به حشدالشعبی در انتخابات استانداری‌ها در دسامبر ۲۰۲۳ نیز نشانی از تداوم قدرت سیاسی آن است. تضعیف اقلیم به دلیل نزدیکی به بازیگران غربی و روابط رو به رشد با کشورهای عربی خلیج فارس، یک هدف راهبردی است». در ارتباط با قدرت اقتصادی این گروه بروکینز معتقد است: «قرارگیری حشدالشعبی ذیل چتر ارتش، مانع تحریم آن از سوی قدرت‌های غربی شده و این امر انعطاف‌پذیری این گروه برای دسترسی به بودجه دولتی را افزایش داده است؛ علاوه بر این، با تأسیس یک شرکت عمرانی در نوامبر ۲۰۲۲، توانست بسیاری از شرکت‌های خارجی به‌خصوص شرکت‌های وابسته به قطر و عربستان را از دسترسی به پروژه‌های سرمایه‌گذاری محروم کند».

در ارتباط با یمن نیز نیویورک‌تایمز موقعیت برتر جنگجویان حوثی در صنعا، یمن، پس از قیام بهار عربی در سال ۲۰۱۵ را به سود ایران ارزیابی می‌کند و آن را موجب تقویت موضع ایران در قبال عربستان در این منطقه می‌داند. علاوه بر نیویورک‌تایمز برخی دیگر از اندیشکده‌ها نیز به هژمونی ایران در منطقه با برشمردن محور مقاومت و فعالیت‌های آن‌ها اشاره کرده‌اند از جمله اندیشکده هودسون، اندیشکده مرکز استراتژی و مطالعات بین‌الملل و همچنین، مؤسسه خاورمیانه.

● استراتژی دشمن در قبال نیروهای محور مقاومت

همان‌طور که اشاره شد، دشمنان به هر ترتیبی خواهان منزوی ساختن ایران و کاهش توان دفاعی کشور هستند. بعد از آشکار شدن توان محور مقاومت در مهار رژیم صهیونیستی و احساس خطر در قبال آن، این رژیم از مدت‌ها قبل، پروپاگاندا گسترده‌ای به منظور تخریب چهره‌ی این نیروها در میان افکار عمومی کشورهای منطقه به راه انداخته است. این تبلیغات محور مقاومت را عامل بی‌ثباتی و افزایش تنش در منطقه توصیف می‌کنند؛ سپس این نیروها به انواع فعالیت‌های غیرقانونی متهم شدند و اتهاماتی مانند نقض حقوق بشر در ارتباط با آن‌ها مطرح شد. هم‌زمان با این اقدامات، رژیم صهیونیستی استراتژی جنگ میان جنگ‌ها





همین دلیل، به امریکا توصیه می‌کنند برای انحراف ایران از توانمندی‌های متحدانش در منطقه، بر آسیب‌پذیری‌های احتمالی داخلی ایران تمرکز کند.

• برآیند

یکی از مهم‌ترین ابتکارات جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب در مقابله با تحریم نظامی و کاهش توان دفاعی ایران حمایت از محور مقاومت بوده است. این سیاست علی‌رغم ادعاهای رسانه‌های فارسی‌زبان، نه‌تنها هزینه‌ی نظامی ایران را افزایش نداده است، بلکه به اذعان اندیشکده‌های غربی، این سیاست هزینه را کاهش داده و توانسته موجب منافع اقتصادی و همچنین، افزایش قدرت نرم و هژمونی و پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مهار دشمنان و رقبای منطقه‌ای با هزینه‌ی کمتر شود؛ اما به سبب دستاوردهای این محور در به چالش کشیدن رژیم صهیونیستی، این رژیم از مدت‌ها قبل علاوه بر تلاش برای سیاه‌نمایی با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، اکنون توسط متحدان غربی خود در حال انجام اقدامات سخت و نظامی بیشتر در برابر این محور است تا آسیب‌پذیری‌های خود در قبال این محور را

کاهش دهد. نمونه‌ای از تدارکات گسترده برای مهار محور مقاومت در گزارشی در «اندیشکده خاورمیانه» منتشر شده است که در آن مجموعه اقدامات گسترده و حتی استفاده از برخی آسیب‌پذیری‌های ایران پیشنهاد شده است؛ از این رو، به نظر می‌رسد پس از اقدامات ضد تبلیغی که دستاوردهای محور مقاومت را بر ضد منافع ملی ایران معرفی می‌کرد و همچنین، تحریم‌های گسترده‌ی این محور و حملات گاه‌وبی‌گاه نظامی به آن، اکنون اندیشمندان غربی به فکر ضربات اساسی‌تر به این محور هستند و سیاستمداران به اقدامات سخت‌تر در قبال این نیروها توصیه می‌شوند. به نظر می‌رسد این تغییر رویه نشان از کارآمدی این محور در ضربه زدن به دشمن خود (رژیم صهیونیستی) و سیاست صحیح ایران در این زمینه باشد که با واکنش تحلیلگران و اندیشکده‌های خارجی برای چاره‌جویی در این زمینه مواجه شده است.

یادداشت

۱- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.



هویت دیجیتال

■ دکتر علی اشرف نظری^(۱)

● در آمد

هویت یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های زندگی روزمره است. اینکه چگونه هویت ما از طرف دیگران درک می‌شود، در عصر دیجیتال، به مسئله‌ای چالش برانگیزتر بدل شده است؛ زیرا بیشتر زندگی روزمره ما شامل انجام فعالیت‌هایی است که به احساس هویت مربوط می‌شود. مسئله اصلی اثبات این امر است که ما همان کسی هستیم که می‌گوییم؛ ما به خانواده تعلق داریم و بیشتر اوقات با نام‌هایی (از جمله نام خانوادگی) که به ما داده‌اند شناسایی می‌شویم. در نتیجه این پرسش برای ما مهم شده است که: آیا می‌توانم ثابت کنم که چه کسی هستم؟

اینترنت و گسترش امکانات جدید مجازی منجر به شکل‌گیری انواع جدیدی از جوامع «مجازی» شده که در آن افراد در گروه‌های خبری، انجمن‌ها، وب‌سایت‌ها، برنامه‌های چت و ایمیل عضویت دارند که تأثیر مهمی بر رابطه بین تعلق و هویت دارد؛ زیرا پیش از این، جوامع به از افرادی که تماس واقعی با یکدیگر داشتند با محدودیت‌های جغرافیایی مانند یک روستا یا شهر محدود می‌شدند؛ مفهومی که رسانه‌های دیجیتال را از سایر اشکال سنتی تر مانند چاپ، فیلم، رادیو، روزنامه و تلویزیون متمایز می‌کند. این امر در درجه اول به این دلیل است که تنظیمات دیجیتال حول امکان تعامل از طریق محتوای تولیدشده توسط کاربر (پست‌ها، آپلودها)، دستکاری متون موجود (ویرایش، استفاده مجدد، فتوشاپ، میکس) و همکاری با دیگران (نظرات رسانه‌های اجتماعی، دوستان)، برچسب‌گذاری، خواندن فیدهای خبری، چت‌های بزرگنمایی گروهی و غیره ساخته شده است.

هرگاه به چگونگی شکل‌گیری هویت‌ها به دقت نگاه می‌کنیم، این احتمال را در نظر می‌گیریم که آنچه برای خودمان اصیل و ضروری به نظر می‌رسد، همیشه آن قدر امن نیست و با یک بررسی بسیار دقیق، تمام لغزش‌های کوچک در هویت را شناسایی می‌کنیم. با به دست آوردن مهارت‌های فکری و مفهومی برای بازگشایی معنای هویت، نحوه تلاقی آن با فرهنگ معاصر، نحوه چهارچوب‌بندی شیوه‌های تعلق و احساس «عادی» ما و

نحوه ساخت آن در اشکال ارتباطی و زبان‌هایی که برای توصیف خود استفاده می‌کنیم، اهمیت بیشتری می‌یابد. نکته قابل توجه این است که در حالی که رسانه‌های اجتماعی و سایر جنبه‌های تعامل دیجیتال به ما امکان می‌دهند هویت خود را به صورت برخط به روش‌هایی متفاوت از نحوه بیان و بازنمایی خودمان در تنظیمات چهره‌به‌چهره و بدنی متفاوت امانه کاملاً مجزا بیان کنیم، رسانه‌های اجتماعی نیز ابزاری برای نقد دیگران، تجسس، نظارت و گاهی اوقات «مضطرب کردن» هویت‌ها هستند؛ بنابراین، از برخی جهات، رسانه‌های اجتماعی نه تنها به محیطی برای عملکرد هویت، بلکه برای اضطراب‌های هویتی نیز تبدیل شده‌اند.

در دهه گذشته و به ویژه در دوران پساکرونا، شاهد رشد روزافزون استفاده شهروندان، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و دولت‌ها از فضای مجازی و به تبع آن، اهمیت یافتن هویت دیجیتال هستیم. هویت دیجیتال یا شناسه دیجیتالی، نمایش دیجیتالی اطلاعات شناخته‌شده و به تعبیری، نسخه و رونوشتی دیجیتال از هویت و موجودیت افراد، سازمان‌ها، گروه‌ها و نهادهاست که ابعاد فیزیکی و مادی اوراق هویتی (نظیر شناسنامه و گذرنامه و کارت ملی، کارت شناسایی، اثر انگشت، سیستم شناسایی بیومتریک، شبکه چشم) به صورت برخط، مجازی و سیال درآمده است. از فناوری‌ها و شیوه‌های ارتباطی دیجیتال به عنوان «رسانه‌های جدید» یاد می‌کنند که از دهه ۱۹۹۰ (web ۱.۰) و در اوایل دهه ۲۰۰۰ (web ۲.۰) توسعه یافتند، به اشکال موجود مانند رادیو و تلویزیون افزوده شدند و برخی از آن‌ها را تغییر دادند یا اقتباس کردند.

هویت دیجیتال اطلاعاتی (در باره محتواها، مقالات، تصاویر، نظرات و غیره) است که توسط رایانه‌ها برای نشان دادن هویت یک سوژه (شخص، سازمان، نهاد یا دستگاه) استفاده می‌شود؛ در واقع، هویت دیجیتال معرف خود واقعی یک فرد است که اینک به صورت برخط، امکان حضور و تعامل پیدا کرده است و اطلاعات شخصی، سابقه فعالیت‌های برخط نظیر رفتارهای اجتماعی (میزان قانونمندی، تخلف یا جریمه‌های راهنمایی و



رانندگی و...)، افتتاح حساب یا تأیید تراکنش (امکان نظارت مالی و مبارزه با فساد و ارتشا و پولشویی)، الگوی مصرف و خریدهای اینترنتی و... را شامل می‌شود. مشخصه‌های هویت دیجیتال را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: ذاتی (نظیر سن، تاریخ تولد و اثر انگشت)، جمع‌آوری‌شده (علاقه و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی) و اختصاص یافته (کد ملی، شناسه دیجیتال)، هویت دیجیتال به بازنمایی و

آنچه می‌نویسیم، پست می‌کنیم، در رسانه‌های اجتماعی آپلود می‌کنیم یا اینکه چگونه با رسانه‌های اجتماعی درگیر می‌شویم، فعلی هویتی است؛ بنابراین، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار یا مکانیسم تلاش برای مؤثر بودن در بیان آن هویت منسجم و قابل درک در دسترس هستند.

موجودیت یک فرد، گروه، سازمان و نهاد در حوزه دیجیتال (در مقابل دنیای واقعی) اشاره دارد. این مقوله مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اعتبارنامه‌هایی را دربرمی‌گیرد که به‌طور منحصربه‌فرد یک شخص یا نهاد را به‌صورت برخط، شناسایی و نسبت به بقیه متمایز می‌کند. در نتیجه، سیستم‌های رایانه‌ای با مقایسه مجموعه‌ای از مسائل موجود و رویدادهای گذشته، یک الگوی همگرا برای درک و پیش‌بینی‌پذیری رفتاری براساس داده‌های قبلی ارائه می‌کنند.

تغییرات سریع حاصل شده در امکان شرکت ناشناس در چت برخط راه‌های جالبی برای تفکر درباره هویت به‌ویژه ایده‌هایی درباره سیالیت هویت باز کرد. از طریق بازی متنی، تظاهر، امکان ناشناس ماندن، شکل‌گیری روش‌های جدید تعلق و اجتماع، ایده یک زندگی «مجازی» و امید به غلبه بر نابرابری‌های هویتی مرتبط با جنس، جنسیت، نژاد، شکل گرفت. به‌عنوان مثال، مارک پوستر، نظریه‌پرداز، رویکردی را برای گفتار ناشناس ارائه شده به کاربران اینترنت پیشنهاد کرد که بدون محدودیت‌های جنسیتی، مذهبی، قومی یا ملی، راه‌های کاملاً جدیدی را برای انجام امور و خودابرازی ایجاد می‌کند. شری ترکل، نظریه‌پرداز اولیه سایبری با بحث در مورد مفاهیم مشابه و تجزیه و تحلیل شیوه‌های برخط، استدلال ظریف‌تری را با پیشنهاد اینکه احتمالات جدید برای هویت برخط که از این نوع تفکر پدید می‌آید ممکن است در مخالفت با نظریه‌های قدیمی‌تر هویت به‌عنوان ثابت و تجسم یافته مفید باشد، ارائه کرد.

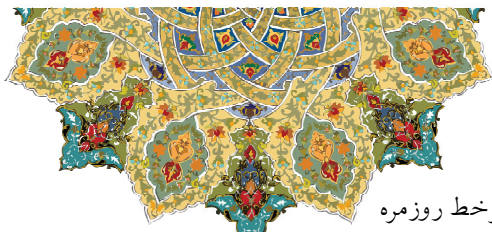
البته پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی یکی از تنظیمات اصلی

هستند که در آن به‌طور هم‌زمان، تعامل برخط انجام می‌دهیم و هویت خود را معرفی می‌کنیم. گفتن روایت‌هایی از زندگی روزمره، نشان دادن نگرش‌ها و ترجیحات ما نسبت به سیاست یا فرهنگ عامه، ارتباط با افراد دیگر، آپلود سلفی‌ها و تصاویر دیگر و غیره، بخشی از تمرین انجام یک هویت هستند و در تعامل با رسانه‌های اجتماعی است که ما نه تنها به یک گروه اجتماعی گسترده‌تر نشان می‌دهیم که چه کسی هستیم، بلکه به‌طور مؤثر، هویت خود را تولید می‌کنیم. حسی که ما از هویت درونی داریم، تنها اثر آن اجراها و کنش‌هاست. از این نظر، آنچه می‌نویسیم، تنها اثر آن اجراها و کنش‌هاست. از این نظر، آنچه می‌نویسیم، پست می‌کنیم، در رسانه‌های اجتماعی آپلود می‌کنیم یا اینکه چگونه با رسانه‌های اجتماعی درگیر می‌شویم، فعلی هویتی است؛ بنابراین، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار یا مکانیسم تلاش برای مؤثر بودن در بیان آن هویت منسجم و قابل درک در دسترس هستند.

● تجربه امر دیجیتال و مسائل هویتی برآمده از آن؛ درک وضعیت موجود

هویت دیجیتال ظرفیت‌های جدیدی را پیش روی ما ایجاد کرده است که آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- امکان تجمع داده‌ها و ایجاد نوعی نگاه دقیق پیوستار و منسجم در رابطه با سوابق افراد؛
- ۲- دسترسی آسان به امکانات و خدمات مورد نیاز در کوتاه‌ترین زمان ممکن؛
- ۳- کاهش هزینه‌های ذخیره فایل‌ها، اسناد و مدارک فیزیکی و امکان ذخیره و فشرده‌سازی داده‌ها به‌صورت مجازی؛
- ۴- امنیت بیشتر اسناد، مدارک و اوراق هویتی و تعیین رمز عبور با هدف جلوگیری از دسترسی افراد دیگر به آن؛
- ۵- امکان به اشتراک‌گذاری اطلاعات؛
- ۶- دسترسی راحت‌تر به خدمات: بر اساس گزارش بانک جهانی، یک میلیارد نفر در جهان هویت ندارند. این بدان معناست که آن‌ها نمی‌توانند به خدمات مهم مرتبط با توانمندسازی اقتصادی، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و غیره دسترسی داشته باشند؛ که منجر به کیفیت پایین زندگی برای بسیاری از افرادی می‌شود. هویت دیجیتالی می‌تواند به‌تمامی این افراد امکان دسترسی به خدمات حیاتی و بهبود سلامت کلی و کیفیت زندگی بدهد. به همین دلیل است که حدود ۱۶۱ کشور در حال حاضر فناوری شناسایی دیجیتال مورد نیاز را برای تولید شناسه‌های منحصربه‌فرد برای مردم خود ایجاد کرده‌اند. از طریق این شناسه دیجیتال، همه می‌توانند به برنامه‌های رفاهی دولتی، بیمه و غیره دسترسی داشته باشند.



در فضاهای برخط روزمره به‌طور قابل توجهی در سال‌های اخیر افزایش یافته است و نتایج آن بر سلامت روان کاربران ایرانی شناخته شده است. اشکال جدید خصومت دیجیتال، فراتر از آزار و اذیت سایبری آشناتر، نشان‌دهنده حرکت جدیدی برای ارتباطات دیجیتالی است که دلیل آن شکل «انبوه» خصومت است که در اینترنت «انباشته» و تجربه شده است.

● تحولات هویتی عصر دیجیتال و درک روندهای موجود

مسئله شناسایی هویت‌ها در فضای مجازی بسیار حساس و چالش‌برانگیز است. به‌ویژه در شرایطی که اطلاعات نادرست و کاذبی در رابطه با افراد، نهادها، گروه‌ها و سازمان‌ها ثبت و ارائه شده باشد و تعیین دقیق هویت در فضای مجازی را اگر نگوئیم غیرممکن، بلکه سخت و دشوار کند. حساسیت این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که از طریق ربات‌ها و ابزارهای نرم‌افزاری و قابلیت‌های هوش مصنوعی، نوعی دستکاری و تحریف صورت گرفته باشد و هویت کاذبی برای افراد ساخته و پرداخته باشد.

کات وودوارد درباره مفاهیم فضای مجازی و هویت این پرسش را مطرح می‌کند که آیا هویت‌ها همچنان به بدن (جسمانیت) نیاز دارند یا خیر؟ این پرسش یک پرسش مهم در رابطه با هویت و ارتباطات دیجیتالی است که براساس آن، سیطره «ذهن» را بر «بدن» تقویت می‌کند. روایت‌های تخیلی سایبری از ذهنیت به‌عنوان پسا‌جسمانی در دهه‌های ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ گسترش یافت و همچنان روش‌های رایج تفکر درباره هویت

متأسفانه بسیاری از رسانه‌های دیجیتال معاصر با رفتارهای خصمانه، سخنان نفرت‌انگیز و ارتباطات تهاجمی مشخص می‌شوند. تجربه خصومت، نامالایمات، پرخاشگری و سخنان تفرآمیز در چین برقراری ارتباط در پلتفرم‌ها و انجمن‌های برخط برای بسیاری از کاربران ارتباطات دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در دهه گذشته عادی شده است.

آینده‌ای است که بدن و محدودیت‌های آن را پشت سر می‌گذارد. وودوارد پیشنهاد می‌کند که ارتباطات دیجیتالی این پتانسیل را دارد که فرصت‌هایی برای فرار از بدن، به‌ویژه محدودیت‌های بدنی که با نژاد، سن، جنسیت و... مشخص می‌شود، ارائه دهد. البته احراز هویت موجودیت‌های غیرانسانی نظیر ربات‌ها، نرم‌افزار، سخت‌افزار و اشیا در فضای مجازی بسیار امر خطیری است. در ادامه گزاره‌هایی برای درک روندهای موجود ارائه می‌شود:

۷- توانمندسازی مالی: بیش از ۱/۷ میلیارد نفر در جهان حساب بانکی ندارند. این بدان معناست که آن‌ها از طریق کانال مالی رسمی به منابع مالی دسترسی ندارند. علاوه بر این، آن‌ها نمی‌توانند از طرح‌ها و مشوق‌های دولتی استفاده کنند که آن‌ها را از نظر مالی توانمند کند. هویت دیجیتال می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد. این افراد را وارد یک کانال بانکی رسمی کرده و به‌نوبه خود، فرصت‌هایی را برای کمک مالی و توانمندسازی ایجاد می‌کند.

۸- برابری و عدالت: ساختارهای پیچیده اجتماعی-اقتصادی نابرابری‌های زیادی را در جهان ما ایجاد می‌کند. ما ادعا نمی‌کنیم که هویت دیجیتال می‌تواند همه‌ی آن‌ها را حل کند، اما این یک گام مثبت به سمت برابری است. این به این دلیل است که برای هر فردی یک حضور و هویت دیجیتالی ایجاد می‌کند. هویت دیجیتالی آن‌ها را قادر می‌سازد برای بهبود زندگی خود به خدمات دیجیتال دسترسی داشته باشند، تعادلی که از هر دو طرف برابر است. اما همپای این ظرفیت‌ها، مخاطرات و آسیب‌هایی نیز پدیدار شده است:

۱- نشت داده‌ها و لو رفتن اطلاعات خاص افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها؛

۲- حملات سایبری؛

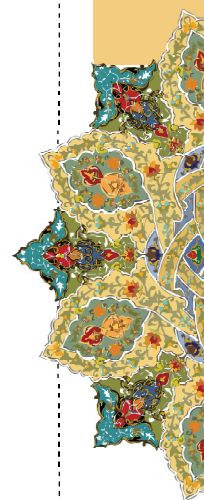
۳- جعل هویت در رسانه‌های اجتماعی؛

۴- سرقت هویت دیجیتال؛

۵- خطر گروگان‌گیری دیجیتال و اعمال فشار بر افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و دولت‌ها با هدف اخاذی و باجگیری و تهدید به انتشار اطلاعات آن‌ها. بغرنج بودن این مسئله رازمانی می‌تواند بیشتر درک کرد که اغلب اطلاعات شخصی مانند کارت‌های اعتباری، اطلاعات مالی، شناسه‌های تأمین اجتماعی، اطلاعات گواهی‌نامه رانندگی، آدرس‌های منزل، شماره تلفن‌ها، ایمیل و رمز عبور، مدارک پزشکی، داده‌های بیومتریک مثل اثر انگشت، سابقه‌ی فعالیت برخط، ... به شکل دیجیتال درآمده است و می‌تواند به روش‌های مختلفی نظیر به اشتراک گذاشتن داده‌های شخصی، فیشینگ، رمز عبورهای ضعیف و... مورد سوءاستفاده و دستبرد قرار گیرد.

۶- مکان نقض حریم خصوصی افراد، از طریق جمع‌آوری اطلاعات و برآورد ترجیحات. شرکت‌های بازاریابی، تبلیغات و خدمات برخط می‌توانند به هویت دیجیتال شما دسترسی داشته باشند. آن‌ها از هویت دیجیتالی شما برای ایجاد یک نمایه دیجیتالی از شما بر اساس تمام فعالیت‌های برخط شما استفاده خواهند کرد. به این ترتیب، آن‌ها می‌توانند محصولات و خدماتی را که برای شما جذاب هستند تبلیغ کنند.

۷- تجربه خصومت، سخنان نفرت‌انگیز و رفتارهای خصمانه





گزاره ۱: در عصر اینترنت اولیه - و شاید اغلب امروزه - ما به ارتباطات دیجیتال به عنوان بخشی از یک حرکت گسترده تر به سمت «جهانی شدن» و «دهکده جهانی» فکر می کردیم. ظرفیت برقراری ارتباط آسان در سراسر مرزهای ملی در وب ۱،۰، پلتفرم های جهانی تحت نظارت وب ۲،۰ و دسترسی وسیع رسانه های دیجیتال به تصاویر و ویدئوهای بلادرنگ از سراسر جهان، اغلب این تجربه را مترادف با جهانی شدن می دانست. درحالی که رسانه های دیجیتال، شبکه های و اینترنت در ربع قرن گذشته به عنوان نشانه های فرایند جهانی شدن شناخته شده اند (زیرا رابطه ما را با «فضا» و «زمان» ارتباطات تغییر داده اند)، به طور فزاینده ای به عنوان ابژه هایی در نظر گرفته می شوند که توسط چهارچوب های نظارتی ملی، منافع ملی و نیازهای محلی، به ویژه برای محدود کردن تهدیدات امنیت سایبری، مهار قدرت پلتفرم های اصلی و گاهی اوقات مدیریت جریان اطلاعات و محتوا محدود می شوند.

گزاره ۲: یکی از جنبه های مهم بصری معاصر ارتباطات دیجیتال این است که افراد را در معرض تبعیض غالباً براساس بصری بودن هویت قرار می دهد. رسانه های دیجیتال اغلب به عنوان محیطی در نظر گرفته می شوند که تنوع را ترویج می کنند، به ویژه در ظرفیت آن برای ارائه تصاویر، گفت و گوها و داستانها از سراسر جهان و کاربران را در معرض بیان های فرهنگی، هویتی و روایی متنوع تری قرار می دهد؛ هر چند شیوه های آن با اشکال سنتی متفاوت است.

گزاره ۳: کلیشه ها عنصر کلیدی این نگرانی هستند؛ زیرا بدن ها، هویت ها و ارتباطات را گرد هم می آورند. کلیشه ها شکلی از ارتباط هستند که تصویر مبتنی بر هویت را با مجموعه ای از ویژگی ها، رفتارها یا باورها پیوند می دهند، در سراسر فرهنگ می چرخند و آن دیدگاه را از طریق تکرار مداوم تثبیت می کنند. در همه موارد، کلیشه ها برای پیوند دادن تصویر بصری سوژه ای که توسط جنبه ای از هویت تعریف می شود، با تولید مجموعه های خاصی از مرزها کار می کنند که برخی از موضوعات را به وضوح بیشتری نسبت به سایرین بیان می کنند. کلیشه ها یک چهارچوب دانش در مورد بدن ها را در رابطه با هویت های خاص تولید و تثبیت می کنند و به آن بدن ها/ هویت ها، ویژگی هایی اختصاص می دهند. این به عنصر «دانش» مربوط می شود که با کلیشه همراه، اطلاع رسانی می کند و از طریق آن ارتباط برقرار می کند، به موجب آن، بازنمایی بصری و مفهوم خاصی را برای ارائه بدن ها و هویت ها با ویژگی ها به کار می گیرد.

گزاره ۴: در اندیشیدن به بدن ها و هویت ها در زمینه ارتباطات دیجیتال باید روشی را در نظر بگیریم که در آن دریابیم که بازنمایی

بدن ها روی صفحه بر روی کلیشه ها تکیه می کند و فرهنگی را به گردش درمی آورد و تقویت می کند که اغلب پیچیدگی واقعی زندگی انسان ها و جسمانیت انسان را تقلیل می دهد. آن ها به این دلیل پخش می شوند که برای ارائه بسته ای از اطلاعات بسیار سریع و آسان مفید هستند؛ اما اغلب غیر اخلاقی هستند، زیرا نه تنها توانایی ما را برای تشخیص تنوع در بین دیگران کاهش می دهند و فعالانه ما را تشویق می کنند تا با آن کلیشه ها نیز مطبق شویم.

● مسائل مهم

الف) در شرایط حاضر، هویت نه تنها از طریق روابط اجتماعی بیان می شود، بلکه به طور فزاینده ای، از طریق شرطی سازی آن روابط توسط پلتفرم های شبکه های اجتماعی بیان می شود. ظهور جعل عمیق، ابعاد بیشتری به مسئله هویت برخط می افزاید: دیپ فیک نرم افزاری است که بر یادگیری ماشینی تکیه می کند تا ویدیوهای جعلی بسیار قانع کننده ای از افراد تولید کند؛ خواه وارد کردن بازیگر در صحنه ای که هرگز در آن بازی نکرده است و یا ظاهر شدن یک سیاستمدار برای ایراد سخنرانی که هرگز ایراد نشده است یا یک فرد عادی که در محتوای مستهجن ظاهر می شود. اگر بخواهیم واقعاً خود برخط را در دهه ۱۴۰۰ درک کنیم، نمی توان درک آینده تصاویر و ویدیوهای تولید شده توسط رایانه برای بازنمایی خود (و برای تقلب در هویت) را نادیده گرفت. در حالی که اینترنت به عنوان محیط برتر جهانی شدن مورد استقبال قرار گرفت، اخیراً مقررات، شیوه های برخط و فرهنگ های دیجیتال برای ملی کردن مجدد فرهنگ دیجیتال، ایجاد لایه ای از خود جهانی که بار دیگر به عنوان یک شهروند یا موضوع ملی بیان می شود، کار کرده اند. در حالی که امید اولین پذیرندگان ارتباطات برخط این بود که همکاری بین فردی، هوش جمعی و ارتباطات مسالمت آمیز به ارمغان بیاورد، حضور مداوم آزار و اذیت سایبری و افزایش اخیر بی ادبی برخط (از سخنان نفرت پراکنی گرفته تا انبوهی از ترولینگ های پردکننده) ما را مجبور می کند بپرسیم وقتی برخی از کاربران به طور فعال و خشونت آمیز از مشارکت برخط کنار گذاشته می شوند، چه اتفاقی برای هویت می افتد و این ممکن است برای آینده شخصیت های عمومی، هویت ها و تأثیر گذارانی که برای تعامل با جهان به ارتباطات دیجیتال متکی هستند چه معنایی داشته باشد؟ توسعه بیشتر الگوریتم ها در شرطی سازی محتوا، مطالب، تصاویر و ایده هایی که به صورت برخط با آن ها مواجه می شویم، بر چگونگی درک هویت، خودبودن و روابط تأثیر می گذارد؛ هم راه هایی را برای درگیر کردن و مصرف کردن در دسترس قرار می دهد و هم سایر



شیوه‌ها و دانش‌ها را از دسترس خارج می‌کند.

ب) متأسفانه بسیاری از رسانه‌های دیجیتال معاصر با رفتارهای خصمانه، سخنان نفرت‌انگیز و ارتباطات تهاجمی مشخص می‌شوند. تجربه خصومت ناملازمات، پرخاشگری و سخنان تنفرآمیز در حین برقراری ارتباط در پلتفرم‌ها و انجمن‌های برخط برای بسیاری از کاربران ارتباطات دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در دهه گذشته عادی شده است. آزار و اذیت سایبری معمولاً به‌عنوان استفاده از ابزارهای ارتباطی دیجیتال برای اعمال قلدری و آزار و اذیت، مانند ارسال مکرر شایعات، تهدیدها، اظهارات منفی، القائات سخنان تحقیرآمیز درباره فرد موردنظر است که گاهی توسط یک نفر و گاهی توسط گروهی از افراد انجام می‌شود. در سال‌های اخیر، بهتر درک شده است که بین خصومت برخط و تجربه مسائل منفی سلامت روان همبستگی وجود دارد. در نتیجه، نرخ بالای خصومت دیجیتال و سخنان نفرت‌انگیز ممکن است بر هویت دیجیتال تأثیر گذارد. همچنین، مجموعه تحقیقات نشان داده است که چگونه سخنان نفرت‌انگیز و اطلاعات نادرست توسط گروه‌های افراطی در فضاهای برخط برای حمله به مخالفان سیاسی و اقلیت‌های خود در جامعه به‌کار گرفته شده است. اشکال رسانه‌های سنتی مانند چاپ، رادیو و تلویزیون شامل شیوه‌هایی از دروازه‌بانی است که اغلب از انتشار یا پخش رفتارهای غیر ملنی یا مضر جلوگیری می‌کند، مانند امتناع یک شبکه تلویزیونی از پخش مطالبی که توهین‌آمیز تلقی می‌شود. شیوه‌های دروازه‌بانی برخط و درک ریشه‌های فرهنگی خصومت برخط نیز باید در دستور کار قرار گیرد؛ پس برای آینده ارتباطات دیجیتال باید به دو چیز فکر کنیم:

۱- چگونه رفتار خصمانه و سخنان حاوی نفرت‌پرانی از طیفی از عوامل اجتماعی و فرهنگی پیچیده پدید می‌آید و چگونه می‌توان ساز و کارهایی را طراحی کرد که به آن عوامل توجه کنند.

۲- چگونه می‌توان یک رویکرد اخلاقی ایجاد کرد که به آسیب‌هایی که رفتار خصمانه به هویت کاربر وارد می‌کند، در تنظیمات برخط توجه کند. اگر می‌خواهیم از محیط دیجیتال به‌عنوان فضایی که هویت‌ها در آن شکل می‌گیرد محافظت کنیم، ممکن است لازم باشد ابتدا تعهداتی را برای همه کاربران در نظر بگیریم تا نحوه برخی از سخنرانی‌ها (مانند سخنان نفرت‌انگیز) و برخی فعالیت‌های آنلاین را تشخیص دهیم. از برخی جهات، ممکن است به این معنا باشد که آینده ارتباطات دیجیتال به‌عنوان یک جایگاه برای هویت، شکل بهتری از «شهروندی دیجیتال» را تضمین می‌کند. شهروندی دیجیتال مفهومی است که به‌طور فزاینده‌ای در آموزش استفاده می‌شود تا کاربران را تشویق کند

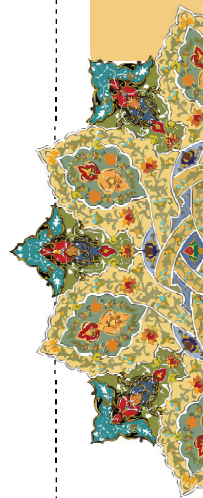
مهارت‌ها و دانش را برای استفاده از رسانه‌های دیجیتال توسعه دهند؛ با درک این موضوع که یک تجربه آنلاین امن برای مشارکت اجتماعی خوب، رفاه و اقتصاد دیجیتال باثبات مهم است.

ج) یکی از حوزه‌های توسعه فناوری که پوشش روزنامه‌نگاری قابل توجهی داشته است، متاورس یا فراجهان است. با تکیه بر رویه‌های موجود واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، فراجهان به‌عنوان یک جهان پساواقعیت تعریف شده است که فضاهای چندبعدی را با واقعیت مجازی ادغام می‌کند.

د) هویت دیجیتال به‌گونه‌ای طراحی شده است که مستقل و غیرمتمرکز باشد. این امر افراد را در کنترل اطلاعات شخصی خود یاری می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد به‌طور انتخابی، داده‌های خود را براساس ترجیحات و نیازهای خود مدیریت کنند. افراد می‌توانند از کلیدهای رمزنگاری شده و امضای دیجیتال برای احراز هویت خود استفاده کنند و از تعاملات ایمن و بدون دستکاری اطمینان حاصل کنند. این امر می‌تواند کنترل دولت‌ها و مقامات رسمی را بر شهروندان محدود و یا

ارتباطات دیجیتال همیشه باعث ایجاد حس وابستگی و احساس تعلق به هویت نشده است و گاهی اوقات برای تحریک و برانگیختن احساسات تهاجمی و خصومت مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

حتی خنثی کند. از سوی دیگر، استانداردها و پروتکل‌های هویت دیجیتال توانایی‌های ارتباطی و بین‌المللی آن، قابلیت همکاری را ارتقا می‌دهند و هویت‌های دیجیتال می‌توانند به‌طور عام و با برنامه‌های غیرمتمرکز و خارج از کشور تعامل داشته باشند و اقداماتی را در پلتفرم‌ها و سرویس‌های مختلف انجام دهند. چشم‌انداز نظارتی پیرامون هویت دیجیتال هنوز در حال تحول است. دولت‌ها و نهادهای نظارتی باید چهارچوب‌هایی را برای رسیدگی به جنبه‌های قانونی مانند حفاظت از داده‌ها، مسئولیت، حل اختلاف و انتقال داده‌های فرامرزی ایجاد کنند. فناوران، سیاست‌گذاران، رهبران صنعت و افراد باید برای ایجاد استانداردها، بهترین شیوه‌ها و چهارچوب‌های نظارتی که تعادل ظریفی بین نوآوری و حفاظت ایجاد می‌کند، با یکدیگر همکاری کنند. از طریق تلاش‌های جمعی، می‌توانیم یک اکوسیستم هویت دیجیتالی قوی و کاربرمحور بسازیم که به حقوق فردی احترام بگذارد، اعتماد را تقویت کند و مشارکت عادلانه را ترویج کند. در آینده، دولت‌ها با مسائل و مشکلات جدی تری در رابطه با هویت دیجیتال و خطر نشست و هک داده‌ها و درز گسترده اطلاعات





حساس مواجهه

خواهند شد. براساس برآوردهای موجود، به طور متوسط، ۳۰۰ میلیون نفر سالانه تحت تأثیر نقض داده‌ها قرار می‌گیرند.

۵) ارتباطات دیجیتال همیشه باعث ایجاد حس وابستگی و احساس تعلق به هویت نشده است و گاهی اوقات برای تحریک و برانگیختن احساسات تهاجمی و خصومت مورد سوء استفاده قرار گرفته است. شیوه‌های فرهنگی گسترده‌تر برای هویت بخشیدن به فریدیست و آزادی به این امر دامن می‌زند و گاهی اوقات، زمینه را برای توسل به راه‌های غیراخلاقی تسهیل می‌کند که در نتیجه آن، بتواند نابرابری‌ها را حفظ کند و باعث می‌شود برخی از سبک‌های زندگی به حاشیه رانده شده و یا حتی فراموش شوند.

نمی‌توان انکار کرد که در دهه ۱۴۰۰، ما در دنیایی مملو از رسانه و پیام‌های متناقض ناشی از آن زندگی می‌کنیم. رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی که با آن‌ها درگیر هستیم (فیلم، تلویزیون، رسانه‌های اجتماعی، بزرگ‌نمایی، اخبار، کتاب‌ها، فیدهای تولیدشده به صورت الگوریتمی، دستگاه‌های خانگی هوش مصنوعی)، نقش مهم‌تری در نحوه شکل‌گیری هویت ما دارند. البته رسانه و ارتباطات تنها «نیروی سازنده» نیستند بلکه به معنای فرایندهای اجتماعی هستند که زبان، چهارچوب‌ها و نمونه‌هایی را در کنار عواملی نظیر آموزش، تربیت خانوادگی، مذهب برای درک هویت به ما می‌دهد. روایت‌های رسانه‌ای ابزارها، دانش‌ها، چهارچوب‌ها و گفتمان‌ها (شیوه‌های گفتار) را برای درک مقوله‌ها، رمزها و مرزبندی‌های هویتی مختلف، از جمله در مورد دین، مذهب، نژاد، قومیت، جنسیت، تمایلات و گرایش‌های سیاسی در اختیار ما قرار می‌دهد. ضرورت ایجاد سیستم‌های یکپارچه هویت دیجیتال ملی که به صورت شبکه‌ای و تجمیعی به هم پیوند خورده باشند و بتواند اطلاعات افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به صورت یکپارچه و دقیق و عمیق ارائه کند احساس می‌شود. در یک گام بلندپروازانه، شایسته است هویت افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها و کشورهای دیگر را نیز ثبت و ضبط و بایگانی کرد تا علاوه بر شناسایی دقیق آن‌ها، امکان پیش‌بینی و اقدامات پیش‌دستانه در رابطه با تقاضاهای آن‌ها، امکان همکاری و جذب تقاضاها و پاسخگویی به نیازهای آن‌ها فراهم شود. پس برای درک کامل هویت معاصر، باید بتوانیم رسانه‌ها و اشکال ارتباطی را که چنین نقش مهمی در تشکیل هویت دارند، درک کنیم و اگر واقعاً می‌خواهیم از نحوه عملکرد رابطه بین رسانه، ارتباطات و هویت مطلع باشیم، باید از اشکال و شیوه‌های ارتباطات دیجیتالی که به سرعت در حال تغییر هستند در زندگی

روزمره خود مطلع و به‌روز باشیم. این به معنای نزدیک شدن به محیطی است که روابط و ارتباطات ما در آن انجام می‌شود و درک تغییرات اساسی در نسل جدید (که به موجب آن ارتباطات دیجیتال، تعامل برخط، بحث در مورد حریم خصوصی، استفاده از الگوریتم‌ها، هنجارهای تعامل دیجیتال، شیوه‌های بازی برخط، اتکا به ابزارهای تصمیم‌گیری مصنوعی و افزایش اطلاعات نادرست برخط شکل می‌گیرد)، همگی نقش بسیار مهمی در نحوه شناسایی ما، نحوه صحبت درباره هویت‌ها و نحوه بیان هویت‌های شخصی ما دارند.

۶) تاکنون ثبت و تجمیع اطلاعات افراد و مدیریت اطلاعات مرتبط در کشور به صورت متمرکز تعریف و اجرا نشده است که بتوان بر بستر آن، فرایند دیجیتالی کردن اطلاعات را آغاز کرد؛ به عبارت دیگر، هر بخش از اطلاعات یک فرد، به فرض وجود، صحت و به‌روز بودن، در دستگامی مستقل ثبت و ضبط شده است و هر یک از این سازمان‌ها، داده‌های کاربران را با هدف خاصی گردآوری کرده و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. مثلاً اطلاعات پایه و هویتی افراد در سازمان ثبت احوال، اطلاعات وضعیت دارایی‌های حقوقی در سازمان ثبت اسناد، اطلاعات بیمه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی، اطلاعات قضایی در قوه قضاییه و پلیس، اطلاعات تحصیلی در وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم است که البته هر کدام بنا به شهر و استان مورد نظر به صورت جداگانه و مستقل ثبت شده است. عدم ارتباط سیستم‌های هویتی آنجا آشکار می‌شود که هر بار افراد برای ورود به یک وبسایت جدید باید دوباره ثبت‌نام یا اسناد مشابهی تولید کنند. این اتفاق باعث شده است که هزینه‌ها و ناکارآمدی افزایش یابد و نظام استعلامات شکل گیرد که هر روز هم پیچیده‌تر و بزرگ‌تر می‌شود و به‌طور کلی، با فلسفه دولت الکترونیک نیز در تضاد است. هرچند که وجود یک کد ملی منحصر به فرد برای ارائه خدمات دولت الکترونیک ضروری است؛ اما تا زمانی که برای احراز هویت افراد، یکپارچگی و تعامل میان سیستم‌های مختلف اطلاعاتی اتفاق نیفتد، تحقق دولت الکترونیک امکان‌پذیر نیست. البته توجه به تعدد نهادهای دخیل در این موضوع و تحمیل سلیقه‌های خود، هم باعث ایجاد تعاریف متفاوت و متناقضی از هویت و مفاهیم مربوط به آن می‌شود و هم مانع از ایجاد یک طرح یکپارچه و دقیق شده که این می‌تواند تمرکز را کاهش داده و باعث تعدد برنامه‌ها شود؛ در واقع، هر سیستمی برای خود تعریفی ناقص از احراز هویت به دست داده و از کاربران خود توقع دارد از آن استفاده کنند و عملاً مردم با روش‌های احراز هویت متفاوت در فضای مجازی مواجه‌اند و در واقع، اطلاعاتشان را به



گسترده در دسترس هستند.

این امر پیامد دیگری برای رویه‌های

هویتی نظیر کلاهبرداری هویت و سرقت هویت

دارد. دستکاری تصویر دیجیتال برای سال‌ها به ما این امکان را می‌دهد که خودمان را به شیوه‌هایی نشان دهیم که لزوماً صادق نیستند. استفاده از فریب برای کلاهبرداری از مشاغل و کاربران روزمره، از جمله از طریق شبیه‌سازی صدای مصنوعی، کمپین‌های افشاگری دروغین و دستکاری انتخاباتی و بدنام کردن عمدی افراد مشهور و شخصیت‌های عمومی، از جمله از طریق مبادله چهره‌های مستهجن تقلبی، باعث بروز سوء تفاهم‌های جدی و واکنش‌های خشونت‌آمیزی شود. جعل عمیق با در نظر گرفتن نوعی «گسست» از رویه‌های گذشته وارد بحث‌های حوزه عمومی می‌شود؛ حتی اگر از آن شیوه‌های قدیمی‌تر تعامل و فتوشاپ بیرون آید، موضوعی نگران‌کننده است. مداخله نظارتی بر روی جعل عمیق، در اوایل معرفی و استفاده از آن، به اشکال مختلفی صورت گرفته است. اولین مورد قانون‌گذاری است. به‌عنوان مثال، ایالت کالیفرنیا در ایالات متحده قانونی وضع کرده است که پست کردن یا توزیع هر گونه محتوای ویدیویی را که عمداً چهره یا گفتار یک فرد سیاسی را دستکاری می‌کند، غیرقانونی می‌کند. همچنین، پیشرفت‌های تکنولوژیکی که می‌تواند به شناسایی فیلم‌های ضبط‌شده از ویدیوهای تغییر چهره کمک کند، ارزشمند است؛ به نوعی، اعمال رژیم‌های نظارتی دیجیتال ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

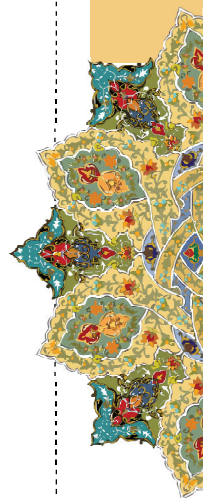
ح) ملی شدن مجدد ارتباطات دیجیتال: علی‌رغم بحث‌های رایج در مورد اینکه چگونه ارتباطات دیجیتال به شیوه‌های جالبی با جهانی شدن پس از ملی شدن کار می‌کند، در سال‌های اخیر شاهد فشارهایی علیه چهارچوب‌هایی بوده‌ایم که در آن تنظیمات دیجیتال مترادف با انواع خاصی از فرهنگ‌های جهانی و شیوه‌های رفتار و هویت تلقی می‌شوند. این امر عمدتاً از طریق واکنش نسبت به مقرراتی که در سطح دولت - ملت اتفاق می‌افتد، به روش‌هایی رخ می‌دهد که شیوه‌های متفاوتی را برای نحوه مشارکت برخط افراد در تنظیمات مختلف تنظیم می‌کند؛ در واقع، تری فلو (۲۰۲۱) این را به عنوان «احیای ملی‌گرایی فناوری» توصیف کرد. در برخی از نقاط جهان، فرهنگ دیجیتال ملی چیز جدیدی نیست. به‌عنوان مثال، جمهوری خلق چین از کنترل‌های قانونی و اداری برای جلوگیری از دسترسی شهروندان خود به وب‌سایت‌ها و دامنه‌های مختلف خارجی استفاده کرده است. به دلایل مختلف، چندین کشور دیگر شروع به توسعه چهارچوب‌هایی کرده‌اند که به دنبال ایجاد یک چرخش ملی در ارتباطات دیجیتال هستند.

دلایل ناموجه، به انواع سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها می‌دهند که نه تنها با بحث امنیت اطلاعات در تناقض است، بلکه عملاً برای احراز هویت دیجیتال نیز کارایی ندارد. مهم‌ترین نمود این چالش را می‌توان در تعدد سامانه‌های موجود در بازار مشاهده کرد.

ز) اصطلاح «جعل عمیق» در نیم‌دهه گذشته برای توصیف ابزار جدید مهمی پدیدار شد که از پیشرفت‌های قدرت پردازش رایانه‌ای برای ایجاد و در دسترس قرار دادن مطالب بصری نادرست و گمراه‌کننده و اهداف خلاقانه یا هنری قدرتمند در دسترس قرار می‌گیرد.

اگرچه جعل عمیق اغلب به صورت خلاقانه یا برای سرگرمی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما به طور فزاینده‌ای در کمپین‌های اطلاعات نادرست، برای تقلب در هویت و بدنام کردن شخصیت‌های عمومی و افراد مشهور استفاده می‌شود. درست مانند سایر اشکال تعامل دیجیتال، جعل عمیق به «اخبار جعلی» تعلق دارد و مرزهای آن را گسترش می‌دهد، که تهدیدی بزرگ‌تر برای کیفیت و کنترل شواهد، اطلاعات و هنجارهای ارتباطی و در نتیجه، قابل اعتماد بودن گفتمان‌های هنجاری است که از طریق آن هویت‌ها قابل فهم، منسجم و قابل تشخیص هستند. با این حال، قابلیت‌های تعامل خلاق رانیز گسترش می‌دهد. پیامدهای آن برای عملکرد و اصالت بازنمایی‌های هویت تازه در حال ظهور است.

در چهارچوب بحث هویت دیجیتال و امکان جعل، باید با تعریف «تقلب هویت» شروع کنیم. ما معمولاً تقلب در هویت را استفاده از اطلاعات خصوصی شخص دیگری برای فریب شخص ثالث می‌دانیم که معمولاً با استفاده از هویت جعلی مرتبط است. اسناد یا مدارک اعتباری و استفاده غیرمجاز از لاگین یا رمز عبور برای دسترسی به حساب‌های بانکی قربانی، جزئیات مالی، اطلاعات شخصی یا مکاتباتی مانند ایمیل یا دسترسی فیزیکی به ساختمان‌ها، محل کار یا خانه‌های امن زیرمجموعه‌ای از تقلب در هویت به عنوان جعل هویت مجرمانه شناخته می‌شود. مثال ساده در این رابطه جعل هویت شخصی در ایمیلی است که یا از حساب آن شخص بدون مجوز ارسال شده یا از حسابی که «به نظر می‌رسد» متعلق به آن شخص است، مثلاً حسابی که با نامی مشابه راه‌اندازی شده است. از دست دادن کنترل ابزارهای ارتباطی ما (ایمیل، حساب‌های شبکه‌های اجتماعی، ورود به انجمن برخط) حتی بیشتر اضطراب‌آور است، به ویژه اگر به این معنی باشد که شخصی ارتباطی ارسال کرده یا محتوایی را پست کرده است که متعلق به ما نیست. از این نظر، فیلم‌های رایانه‌ای که «واقعی به نظر می‌رسند» (یعنی به نظر می‌رسد که به طور سنتی بدون دستکاری پس از تولید ضبط شده‌اند)، اکنون به طور





بسیاری از کشورها قوانینی دارند که از به اشتراک گذاری مطالب توهین آمیز جلوگیری می کند، به ویژه در مواردی که به حمایت از کودکان مربوط می شود و کشورهای مختلف شیوه های متفاوتی در رابطه با نحوه برخورد با افترا که از طریق خدمات حمل برخط رخ می دهد دارند.

به طور قابل توجه، تلاش برای شکل دادن به رفتار دیجیتال با ابراز نوعی از حاکمیت ملی یا محدودیت های ملی از طریق کنترل های قانونی و اداری، در تلاش برای محافظت از شهروندان در برابر آسیب ها (از جمله جنبه های خصومت دیجیتالی و سخنان نفرت انگیز) با اهمیت است. حکمرانی دولت-ملت در این زمینه محوری است؛ زیرا این دولت است که «ماتریس تعهدات و اختیارات شهروندی» را ارائه می کند. این چیزی است که شرایطی را تشکیل می دهد که تحت آن ما از نظر حقوقی مقید هستیم. علی رغم قدرت جهانی شدن به عنوان یک گفتمان، حرکتی به سمت تنظیم ارتباطات دیجیتال توسط دولت - ملت ها در بسیاری از نقاط جهان صورت گرفته است. در اینجا است که مسئله اقدامات نظارتی ملی در مورد ارتباطات دیجیتال مطرح می شود. البته بسیاری از شیوه های نظارتی وجود دارد که توسط دولت-ملت ها برای جلوگیری از انواع خاصی از

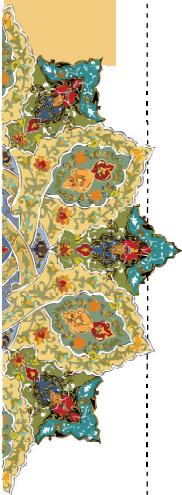
ارتباطات برخط (اشتراک گذاری تصاویر کودک آزاری، انواع خاصی از سخنان تنفرآمیز، محتوای افتراآمیز) وضع شده است.

ط ارائه آموزش های فنی و تخصصی به شهروندان در رابطه با نحوه مدیریت «هویت خودگردان»، امری ضروری است تا بتوانند نحوه تولید و کنترل شناسه های منحصر به فرد و ذخیره داده های هویتی را بیاموزند. فناوری های نوظهور، مانند بلاک چین و اعتبارنامه های قابل تأیید، در تضمین حریم خصوصی و امنیت داده ها بسیار کمک می کنند؛ هر چند از آنجا که هویت دیجیتال براساس تاریخچه رفتاری است، جعل یا سرقت یک هویت دیجیتال بسیار سخت است.

ث پیمایش پیچیدگی های ارتباطات دیجیتال و هویت از زوایای مختلف، با هدف نشان دادن این موضوع که هویت و فرهنگ های دیجیتال تنظیمات پیچیده ای از تعامل اجتماعی خلاق و گاهی اوقات خواسته های فراقانونی یا خشونت آمیز هستند، ضرورت دارد.

یادداشت

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران.



پژوهش‌های
هویت‌شناسی

Letter of Identity

Journal of Identity Studies

Vol. 9 / No. 97 / March - April 2024

- 2 Editorial
- 4 Analysis of the New Year Message and Speech of the Supreme Leader in 2024
Dr. Hamid Hooshangi
- 10 An Overview of the Most Important Development in Iran's National Identity in 2023
The Department of Iranian Studies
- 15 Quds Day and Identity
Dr. Ramazan Shabani Sarooyi
- 21 An Analysis of the 12th Election of the Islamic Council in Iran
Dr. Davood Mir-Mohammadi
- 26 The Islamic Revolution and Revival of Art in Iran
Maryam Yari
- 31 Challenges and Ways to Develop the Tourism Industry in Iran
Dr. Davood Mir-Mohammadi
- 36 Zangezur Corridor and New Developments in the South Caucasus Region
Dr. Salar Seifodini
- 40 The Perspective of International Think Tanks on the Axis of Resistance
Maryam Yari
- 46 Digital Identity
Dr. Aliashraf Nazari

Vol. 9 / No. 97 / March - April 2024

Founder: The Institute for National Studies

Managing Editor: Dr. Shaghayegh Heidari

Editor-in-Chief: Dr. Shaghayegh Heidari

Advisory & Editorial Board Members: Dr. Kaveh Amirkhani, Dr. Habiballah Fazeli, Dr. Ali Karimi, Dr. Mojtaba Moghsoodi, Dr. Davood Mimohammadi

Colleagues in this Issue: Dr. Salar Seifodini, Dr. Ramazan Shabani Sarooyi, Dr. Davood Mir-Mohammadi, Dr. Hamid Hooshangi, Dr. Aliashraf Nazari, Maryam Yari

Executive Director: Fatemeh Takaloo

Executive Group: Fatemeh Takaloo, Mohammad Khanbeiki

Graphic Designer: Fatemeh Takaloo

Customer Affairs: Fatemeh Takaloo

Editor: Fariba Khanali

Address: No. 43, Shohada-e-Jandarmeri St., Daneshgah St., Enqelab Av. Tehran, IRAN

Web Site: www.rinsweb.ir

Email: Nameh.hoviat@gmail.com

P.O.Box: 13145-919

Tel: + 9821 - 66415488-66499916

Price: 600000 Rials